

توسعه نیافتگی سیاسی یا نفی انحصارها؟

علیرضا آقایی *

روزنامه نشاط مورخ ۷۸/۴/۹ مقاله ای را با عنوان «دفتر تحکیم وحدت و توسعه نیافتگی سیاسی» از یکی از اعضای سابق دفتر تحکیم وحدت منتشر کرده بود، در آن مقاله نویسنده ضمن تأکید بر خواستگاه دانشجویی و دانشگاهی مواضع آقای خاتمی صراحتاً مواضع او را «چکیده مطالبات دانشگاهیان ایران» عنوان کرده بود. سپس عدم ایجاد تشکلهای سیاسی در دانشگاه ها و به عبارت ایشان توسعه نیافتگی سیاسی را معلول عملکرد دفتر تحکیم وحدت در سالیان اخیر برشمرد بود.

بی تردید نقد عملکرد بخش عظیمی از جنبش دانشجویی ایران بر ارحتی و یادداشتن هر میزان بهره ای از دانش و اطلاعات مورد نیاز امکان پذیر نیست برای این امر باید حداقل، تحلیل صحیحی از شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران و دلایل فراوان توسعه نیافتگی سیاسی آن در ذهن داشته باشیم. دانشگاه و دانشجویان را اگر همچون نویسنده محترم مؤثرترین بخش از عوامل موجود آورنده دوم خرداد ندانیم حداقل یکی از مهمترین عوامل در بروز این واقعه تاریخی در کشورمان بوده اند. آیا این عامل مهم خودبخود وبدون پشتوانه فکری و عملی در خلق این حماسه دخالت داشته است؟ در دهه اول انقلاب انجمنهای اسلامی دانشجویان همگام و همراه با مردم در اقتدا به امام خویش درمسیری که او مشعل فروزانش بود گام برمی داشت، در این دهه جنبش دانشجویی یکی از مهمترین خواسته های خویش را استقلال همه جانبه کشور و خصوصاً حفظ مرزهای فیزیکی این آب و خاک می دانست و جان پرکف در صف اول دفاع از میهن شرکت داشت و این امر را با نثار خون هزاران شهید به اثبات رساند. در دهه بعدی انقلاب، انجمنهای اسلامی ضمن تأکید بر این وجه، خواسته های دیگری نیز داشتند. بسط عدالت و محو فقر، تکیه بر عدالت اجتماعی در مواجهه با برنامه های اقتصادی دولت وقت بخش دیگری از مطالبات دانشجویان بود. این در خواستها در آن سالها خواست اکثریت ملت بود و جنبش دانشجویی در مسیر رشد تکاملی خویش و برخلاف تصور عده ای که حرکتهای این جنبش را ناشی از تأثیر گروه های سیاسی و یا نفوذ یک جریان در آن می دانند به صورت طبیعی و با درک شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه آن روز این اولویت ها را برای خود برگزید. اما نکته در اینجااست که دانشجوی به لحاظ فراغ بال و آسودگی خاطر با فرصت و دقت بیشتر به تحلیل وقایع و امور می پردازد و لذا اغلب پیش بینی هایی که کند بعداً تحقق می یابند؛ جنبش دانشجویی از اواسط دهه دوم انقلاب ضمن تأکید بر عدالت اجتماعی به نکته مهمی توجه کرد و آن لزوم گسترش آزادیهای مشروع و دفاع از حقوق شهروندان بود. قبول این گنگتمان توسط جنبش دانشجویی و اشاعه آن بود که حماسه ای به نام دوم خرداد را خلق کرد. دفتر تحکیم وحدت به عنوان بخش اصلی و درحقیقت مظهر جنبش دانشجویی در کشورمان با این سیر بود که به دوم خرداد رسید و نه با نفوذ یک گروه در آن. آنان که به تحلیل ساده مسائل اجتماعی و سیاسی علاقه دارند و گمان می کنند با تراشیدن یک عامل خارجی از یک طرف با نفی استقلال و وابسته نشان دادن جنبش دانشجویی وجهه آن را در افکار عمومی خدشه دار می کنند و از یک طرف خواسته و ناخواسته گروه های قسبل شده سیاسی را به صفحه روزنامه ها و جراید می کشانند و وجهه ای برای آنها فراهم می کنند، بدیهی است که ضرورت جنبش دانشجویی ودورانهای مختلف تاریخی آن را نادیده نگارند و در هر مقطع به دنبال عامل خارجی بگردند. (این بحث را در ادامه پی می گیریم).

جنبش دانشجویی با تأکید بر شعار آزادیخواهی و قانونگرایی و دفاع از حقوق شهروندان وارد دهه تثبیت انقلاب شد. دفاع از آزادی و حقوق شهروندان خصوصاً آزادی مخالف مجورترین آرمان جنبش دانشجویی در شرایط فعلی است و اتفاقا یکی از مطالبات اصلی و عمده دانشجویان توسعه سیاسی در دانشگاه است. بدیهی است عدم تحقق این امر را نه در عملکرد دفتر تحکیم وحدت بلکه باید علت اصلی آن را در مجموعه قوانین و آیین نامه های محدودکننده دوران گذشته دانست که تاکنون نیز اصلاحیه های هر چند ناقص آن در مجامعی چون شورای عالی انقلاب فرهنگی در هفت خوان گذر از سلاطین و نظرات اعضای آن کرده شده اند؛ آیین نامه تشکلهای، آیین نامه کمیته انضباطی، دخالت های امنیتی و پلیسی در دانشگاه ها، دخالت دادگاه های عمومی و انقلاب در امور دانشگاه ها و دهها عامل ناگفتنی که از روز عیان تر هستند عامل این امر هستند و دم از ارزش زدن و درخواست از پیاده نظام راست سنتی در دانشگاه ها که با سوسپدات قانون و در رقابتی غیر منطقی و کاذب به حیات خود به سختی ادامه می دهند برای تزریق ارزشها (پخوانید تمایلات سیاسی جناح انحصارطلب) در انجمنهای اسلامی دانشجویان مغرضانه به نظر می رسد. کدام ارزشی بالاتر از دفاع از حقوق مظلوم در برابر ظلم امری که دغدغه اصلی و محور فعالیات انجمنهای اسلامی دانشجویان در شرایط فعلی کشور رسیده است. کاش نویسنده محترم برخی از شاخص های ارزش مداری را از دید خود توضیح می داد تا مبینی می دانسیم که از چه مدل ارزشی سخن گفته می شود و بدان استناد می شود. اگر دفتر تحکیم وحدت در میان خود به ادعای نویسنده طیف های گوناگون را دربردارد پس چرا باز هم به ادعای نویسنده عضو سابق دفتر «به جز طیف خاصی از جریان چپ سایر جریانهای داخل نظام عرصه را در تحکیم بر خود تنگ یافته اند و به تشکیل سازی روی آورده اند». به هر حال اجتماع نقیضین باطل است، یا در تحکیم وحدت گروه های مختلف از انصار تا لیبرال نفوذ کرده اند و یا اینکه فقط طیف خاصی از یک جناح!

دفتر تحکیم وحدت هر ترکیبی که داشته باشد در شرایط فعلی کشور دفاع از حقوق و آزادیهای قانونی شهروندان خصوصاً آزادی مخالف را اولویت اول خویش برگزیده است و این زیربنا واصل توسعه سیاسی است. در مجموعه شورای و از پایین به بالای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور رهبری و امانت فکری هیچ جناح سیاسی پذیرفته نیست و میزان تأثیر هر یک از انجمنهای اسلامی در این مجموعه نیز به نسبت عملکرد، تواناییها و نوع پیش فکری است که ارائه می کند و در نهایت مورد قبول جمع واقع می شود و توجه به نقش متفاوت یک جنبش با حزب و خصوصاً جنبش دانشجویی در شرایط فعلی ما را از قضاوتهای نادرست باز می دارد. در مجموعه تحکیم وحدت و سیاست دانشگاهی اگرچه اصولی چون اسلام و انقلاب و آرمانهای امام که همانا استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی می باشند، حاکم است اما فضا برای طرح آرا و اندیشه های گوناگون و نقد و تحلیل گروه ها و جریانهای سیاسی باز است. به اصطلاح «لیبرالیزه» شدن دفتر تحکیم که قراتی غیر منصفانه و برخاسته از برخی تمایلات جناحی و سیاسی از رویکرد منطقی و تکاملی جنبش دانشجویی به آزادی به عنوان گوهر هستی است را باید در این فضای داخلی تحلیل کرد و نه در نفوذ گروه سیاسی. در جامعه ما متأسفانه برخی گروه های سیاسی خود را صاحب برخی واژه ها و کلمات می دانند. همانطور که خط امام، دفاع از ولایت و آرمانهای انقلاب واژه های اختصاصی برخی گروه ها نیستند آزادی خواهی و دفاع از آزادی نیز در تملک نهضت آزادی نیست بلکه عملکرد غلط و ناهوواب برخی جناحهای حکومت خصوصاً راست سنتی در تحدید آزادی مشروع ملت و جلوگیری از تکثر و توسعه سیاسی یکی از عوامل اصلی غیر عفاف بودن فضای سیاسی کشور و شخصی نبودن پایگاه سیاسی و اجتماعی گروه های سیاسی می باشد. کاش نویسنده محترم در مقاله خویش توضیح می داد که «هر علتی» در عدم تمایل جریانهای ملی به تشکیل سازی در دانشگاه ها چیست؟ و آیا یکی از این علتها همان انحصارطلبی جریان راست در دانشگاه ها و این نامه ها و قوانین صلب و غیر قابل نفوذ فعلی نیست؟ البته در صورت رفع این محدودیت اصلی است که می توان در مورد صحت و سقم ادعای آن زن نمی توان آنها را محکوم کرد. بی شک همه گروه های سیاسی سعی در جلب مخاطب و نفوذ در دانشگاه ها را دارند. جنبش دانشجویی با حفظ استقلال خویش و در بو ته نقد قراردادن عملکرد مواضع و رفتارهای همه گروه های سیاسی است که موضع خود را با این گروه ها تبیین می کند.

* عضو شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت

بقیه ا صفحه اول-

به گزارش ایرنا، وی در جریان

سفر به استان همدان در اجتماع جمعی

از روحانیان، دانشگاهیان و مسئولان

همدان، افزود: «تاکنون برای حفظ

انقلاب هزینه های زیادی پرداخت

شده است.

وی افزود: «ما باید چهره اسلام

را به جهانیان زیبا نشان دهیم، باید از

امکانات موجود به نحو مطلوب

استفاده کنیم و این مهم نیازمند فضایی

آرام و منطقی است».

وی گفت: «در نظامی که دارای

حکومت های منسوب به دین

مشکلات خاص خود را دارد، گفت:

«هرکاری که می کنیم ممکن است به

نام این تمام شود و ضعف های ما به

حساب دین گذاشته شود لذا باید

هوشیار باشیم تا چنین وضعیتی پیش

نیاید».

خاتمی همچنین دیروز در

اجتماع مردم نهاوند گفت:

«تلاش های فراوانی از سوی دشمنان

برای مایوس کردن شما جوانان انجام

می شود».

رئیس جمهوری گفت:

«دشمنان حضور پرشور شما جوانان

را در صحنه های مختلف انقلاب

تحمل نمی کنند و می گوشتد شما را

از صحنه دور کنند، اما شما باید با

هوشیاری و بیداری توطئه های

دشمنان انقلاب اسلامی را خنثی

کنید.

وی اظهار داشت: «جامعه ای که

جوانان در عرصه های مختلف آن

حضور فعال دارند، جامعه ای

«آسیب ناپذیر» است».

خاتمی به جوانان و نوجوانان

محسن رضایی:

خاتمی: برای بر خورد با گروه های فشار آماده می شود

در سفر به استان همدان اعلام شد

هشدار داد که متوجه باشند دستهای

از خارج و بر برخی تنگ نظری ها و

کوته بینی هاسبب نشود که آنان دلسرد

شوند.

رئیس جمهوری با تأکید بر این که

جوانان باید همواره دغدغه هویت

خود را داشته باشند و در برابر زرق و

برق دنیا خود را نپازند، خاطر نشان

کرد: «همه ملت باید با مجهز شدن به

علم و دانش، بیداری و هوشیاری

علم و دانش، بیداری و هوشیاری

حفظ نمایند».

وی در بخش دیگری از

سخنانش به سابقه تاریخی شهرستان

نهاوند و نقش مردم نهاوند در دوران

پروزی انقلاب اسلامی و هشت سال

دفاع مقدس اشاره و بر لزوم

سرمایه گذاری برای ایجاد تحول در

استان همدان تأکید کرد.

خاتمی گفت: «برای اجرای

ده ها طرح عمرانی و مخابراتی در

شهرستان نهاوند ۴۰ میلیارد ریال

هزینه شده است».

خاتمی همچنین گفت: «در

چارچوب کلی برنامه پنج ساله

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و

اجتماعی که سیاست های کلی آن به

تأیید مقام معظم رهبری رسیده است،

برنامه آمایش سرزمین منظور شده

است».

وی گفت: «بر اساس این برنامه،

ظرفیت های هر منطقه امکان سنجی

می شود و سپس اعتبارات و امکانات

مورد نیاز بر اساس آن تخصیص داده

می شود».

رئیس جمهوری دیروز همچنین

در میان استقبال گسترده و گرم مردم

ملایر وارد این شهر شد و در جمع

مردم این شهر گفت: «رشد بالای ۳

درصدی جمعیت در اوایل انقلاب

امروز به ثمر نشست و اکنون شاهد

رودود خیل عظیم نیروی جوان جویای

کار به بازار هستیم».

وی مسئله بیکاری را مهمترین

دغدغه دولت خواند و گفت: «اگر

بخواهیم سطح بیکاری را در کشور در

همین شرایط حفظ کنیم، باید سالانه

۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار شغل جدید در

کشور ایجاد کنیم».

رئیس جمهوری همچنین ابراز

امیدواری کرد که مشکلات این شهر

در طول برنامه سوم توسعه کشور

برطرف شود.

در جریان سفر دیروز

رئیس جمهوری به شهرهای مختلف

استان همدان، بهره برداری از ده ها

طرح عمرانی و فرهنگی از جمله ۵۰۰

واحد مسکونی استیجاری در همدان،

مجتمع فرهنگی و هنری این سینا و

مجتمع بزرگ ورزشی نهاوند آغاز

شد.

خاتمی همچنین بعداز ظهر

دیروز در اجتماع هزاران نفر از مردم

شهرستان بهار با تشییع آتار

عرفان های مثبت و منفی گفت:

«عرفان منفی عرفانی است که بین

عارف و مردم جدایی ایجاد می کند در

حالی که عرفان مثبت و عارفان و اقلی

کسانی بودند که همواره در میان خلق

و به فکر مردم بودند».

خاتمی همچنین بعداز ظهر

دیروز در اجتماع هزاران نفر از مردم

شهرستان بهار با تشییع آتار

عرفان های مثبت و منفی گفت:

«عرفان منفی عرفانی است که بین

عارف و مردم جدایی ایجاد می کند در

حالی که عرفان مثبت و عارفان و اقلی

کسانی بودند که همواره در میان خلق

و به فکر مردم بودند».

خاتمی همچنین بعداز ظهر

دیروز در اجتماع هزاران نفر از مردم

شهرستان بهار با تشییع آتار

عرفان های مثبت و منفی گفت:

«عرفان منفی عرفانی است که بین

عارف و مردم جدایی ایجاد می کند در

حالی که عرفان مثبت و عارفان و اقلی

کسانی بودند که همواره در میان خلق

و به فکر مردم بودند».

خاتمی همچنین بعداز ظهر

دیروز در اجتماع هزاران نفر از مردم

شهرستان بهار با تشییع آتار

عرفان های مثبت و منفی گفت:

«عرفان منفی عرفانی است که بین

عارف و مردم جدایی ایجاد می کند در

حالی که عرفان مثبت و عارفان و اقلی

کسانی بودند که همواره در میان خلق

و به فکر مردم بودند».

خاتمی همچنین بعداز ظهر

دیروز در اجتماع هزاران نفر از مردم

شهرستان بهار با تشییع آتار

عرفان های مثبت و منفی گفت:

«عرفان منفی عرفانی است که بین

عارف و مردم جدایی ایجاد می کند در

حالی که عرفان مثبت و عارفان و اقلی

کسانی بودند که همواره در میان خلق

و به فکر مردم بودند».

خاتمی همچنین بعداز ظهر

دیروز در اجتماع هزاران نفر از مردم

شهرستان بهار با تشییع آتار

عرفان های مثبت و منفی گفت:

«عرفان منفی عرفانی است که بین

عارف و مردم جدایی ایجاد می کند در

حالی که عرفان مثبت و عارفان و اقلی

کسانی بودند که همواره در میان خلق

و به فکر مردم بودند».

خاتمی همچنین بعداز ظهر

دیروز در اجتماع هزاران نفر از مردم

شهرستان بهار با تشییع آتار

عرفان های مثبت و منفی گفت:

«عرفان منفی عرفانی است که بین

این اطلاعی می افزاید: «امت

شهیدپرور با حضور گسترده خود

در مراسم تشییع پیکر شهیدان،

ضمن تجلیل از رشادت ها و

حماسه آفرینی های این عزیزان،

یک بار دیگر با آرمان های حضرت

امام و مقام معظم رهبری تجدید

میثاق خواهند کرد».

این اطلاعیه می افزاید: «امت

شهیدپرور با حضور گسترده خود

در مراسم تشییع پیکر شهیدان،

ضمن تجلیل از رشادت ها و

حماسه آفرینی های این عزیزان،

یک بار دیگر با آرمان های حضرت

امام و مقام معظم رهبری تجدید

میثاق خواهند کرد».

این اطلاعیه می افزاید: «امت

شهیدپرور با حضور گسترده خود

در مراسم تشییع پیکر شهیدان،

ضمن تجلیل از رشادت ها و

حماسه آفرینی های این عزیزان،

یک بار دیگر با آرمان های حضرت

امام و مقام معظم رهبری تجدید

میثاق خواهند کرد».

این اطلاعیه می افزاید: «امت

شهیدپرور با حضور گسترده خود

در مراسم تشییع پیکر شهیدان،

ضمن تجلیل از رشادت ها و

حماسه آفرینی های این عزیزان،

یک بار دیگر با آرمان های حضرت

امام و مقام معظم رهبری تجدید

میثاق خواهند کرد».

این اطلاعیه می افزاید: «امت

شهیدپرور با حضور گسترده خود

در مراسم تشییع پیکر شهیدان،

ضمن تجلیل از رشادت ها و

حماسه آفرینی های این عزیزان،

یک بار دیگر با آرمان های حضرت

امام و مقام معظم رهبری تجدید

میثاق خواهند کرد».

این اطلاعیه می افزاید: «امت

شهیدپرور با حضور گسترده خود

در مراسم تشییع پیکر شهیدان،

ضمن تجلیل از رشادت ها و

حماسه آفرینی های این عزیزان،

یک بار دیگر با آرمان های حضرت

امام و مقام معظم رهبری تجدید

میثاق خواهند کرد».

این اطلاعیه می افزاید: «امت

شهیدپرور با حضور گسترده خود

در مراسم تشییع پیکر شهیدان،

ضمن تجلیل از رشادت ها و

حماسه آفرینی های این عزیزان،

یک بار دیگر با آرمان های حضرت

امام و مقام معظم رهبری تجدید

میثاق خواهند کرد».

این اطلاعیه می افزاید: «امت

شهیدپرور با حضور گسترده خود

در مراسم تشییع پیکر شهیدان،

ضمن تجلیل از رشادت ها و

حماسه آفرینی های این عزیزان،

تأمل حقوقی در رأی هیأت منصفه
دیدگاه حقوقی

محمد طاهر کتغانی*

صرف نظر از مسائل مطرح شده در مورد مبانی قانونی تشکیل دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت و نیز حدود صلاحیت و موازین حقوقی حاکم بر آن، هیأت منصفه انتخاب شده در دادگاه رسیدگی به پرونده مدیر مسئول مجتهد روزنامه سلام آیت الله موسوی خوئینی ها، نیز از نظر قانونی مورد اشکال جدی است و در این نوشته، ابعاد حقوقی تشکیل هیأت منصفه و نظریه هیأت مذکور مورد بررسی و تجزیه و تحلیل حقوقی قرار می گیرد.

۱- آشتیان به علم اصول می داند که هر تأسیس حقوقی که در قوانین تعریف شده باشد با توجه به اجزا و شرایط آن، «حقیقت قانونی» پیدا می کند و یک نهاد قانونی زمانی تحت عنوان پیش پینی شده در قانون می گنجد که اجزا و شرایط قانونی لازم را داشته باشد. در خصوص هیأت منصفه نیز بر اساس لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸، شرایط و ترکیب قانونی اعضای هیأت منصفه صراحتاً در مواد ۳۲ و ۳۳ قانون مذکور پیش بینی گردیده است. حال اگر هیأت دیگری بدون رعایت قانون توسط شخصی یا اشخاصی تشکیل گردد، به هیچ وجه عنوان هیأت منصفه بر آنها اطلاق نمی گردد و از نظر قانونی نقضیات از تکلیف دادگاه در خصوص برگزاری جلسه در حضور هیأت منصفه را نمی نماید در دادگاه فوق الذکر نیز اشخاصی که در جایگاه حضور یافتند رواقع هیأت منصفه نبوده و چون شرایط قانونی مذکور را نداشتند، در حقیقت حضورشان در دادگاه به عنوان تماشاکننده قابل توجه است.

مضای این که بین نامه دادگاه ویژه روحانیت در خصوص ترکیب اعضای هیأت منصفه ساکت بوده و بنابراین دادگاه باید به عموماًت قانونی مراجعه نماید.
۲- در خصوص افشای سند محرمانه که هیأت مذکور، نظر بر محرمیت آیت الله موسوی خوئینی ها دادند چندین نکته از نظر حقوقی اهمیت شایان دارد؛ نکته اول: در خصوص سند که آیا سند منسوب به آقای سعید امامی (اسلامی) مشمول تعریف اسناد طبقه بندی شده می گردد یا خیر، باید گفت مطابق ماده ۱ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی سند محرمانه در صورتی سندیت دارد که مربوط به وظایف و فعالیت های وزارتخانه مربوطه باشد، در حالی که مطابق مندرج در نامه مذکور ارتباطی به وظایف و وزارت اطلاعات نداشته و اظهارنظر در خصوص تصویب قوانین مطبوعاتی در صلاحیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. حال جای سؤال این است که وزارت اطلاعات چه مسئولیت یا وظیفه ای درباره قوانین مطبوعاتی کشور دارد؟

نکته دوم: در رابطه با تعیین طبقه اسناد محرمانه ماده ۵ آیین نامه اجرایی طرز نگاهداری اسناد سری مصوب ۱۳۵۴ به صراحت مقرر داشته که نوع و طبقه هر سند در صدر و ذیل آن باید درج گردد و در غیر این صورت سند محرمانه تلقی نگردیده و صرف به کار بردن حرف «ت» هیچ دلالت قانونی بر تعیین نوع و طبقه سند ندارد و صرف اتساع سند به وزارت اطلاعات دلیل قانونی بر محرمانه بودن آن نیست. نکته سوم: شرط قانونی دیگری که برای جرم شناختن افشای اسناد محرمانه در ماده ۱ قانون مذکور تصریح شده این است که افشای سند حتماً باید مغایر مصالح دولت و یا مملکت نبوده بلکه بر گزین خدمت تاریخی برای روشن کردن ابعاد و ریشه های طرح قانونی است که در آینده در رابطه با حقوق ملت ایران در کسب اطلاعات و اخبار و آزادی قلم و بیان و سایر آزادی های اساسی ملت تأثیر گذار خواهد بود. به هر حال دادگاه باید علم و اطلاع مدیر مسئول روزنامه سلام را از محرمانه بودن سند احراز نماید.

نکته چهارم: از نظر حقوقی جرم افشای اسناد محرمانه یک جرم آتی بوده و به محض این که مفاد افشا گردد جنبه محرمانه آن زایل شده و دیگر چاپ آن جرم محسوب نمی گردد. نکته مهم قضیه در این جاست که نامه منسوب به سعید امامی (اسلامی) از طریق نمایر به روزنامه ارسال شده و کارکنان روزنامه که خبرنگاران و روزنامه نگاران تریبونی بوده اند از مفاد آن مطلع شدند و در نتیجه سند مذکور هر چند هم محرمانه بوده، افشا شده و بعد محرمانه خود را از دست داده است.

۳- در مورد اتهام توهین آئین بودن افشای نامه منسوب به سعید اسلامی به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، باید گفت که در هر حال اول در یک جامعه متمدن و پیشرفته باید ماهیت کار مطبوعات و مؤسسات اطلاع رسانی را شناخت و قانون را بر همان اساسی در مورد آنها تفسیر کرد. مثلاً اگر روزنامه ای در مورد وارد شدن مواد غذایی مسوم در بازار گزارشی تهیه کند، آیا این گزارش از نظر قانونی جنبه توهین به بازاریان را دارد؟ یا این که گزارش مذکور یک فعالیت مطبوعاتی سالم و سازنده به منظور جلوگیری از وقوع یک فاجعه یا حداقل یک خطر احتمالی است. در این مورد نیز روزنامه سلام یک طر تفکر را که با توجه به موارد پیش گفته نه ارتباطی با وظایف و فعالیت های قانونی وزارت اطلاعات داشته و نه این که انتشار سند مورد اشاره، بر خلاف مصالح کشور و مملکت و حتی آن وزارتخانه بوده منتشر نموده، نه تنها توهین به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی محسوب نمی گردد بلکه خدمات اطلاع رسانی سازنده ای برای نمایندگان مجلس است و نمایندگان مجلس هم که عصاره فضايل ملت هستند در لحظه ای که در خصوص حقوق و آزادی های اساسی مردم تصمیم گیری می کنند باید بیشترین اطلاعات پیدا و پنهان، در اختیار آنان قرار داده شود.

حق توهین

عسگر اولادی:

رهبر انقلاب با پیشنهاد ابقای رفیق دوست موافقت نکردند

گروه داخلی - حبیب الله عسگر اولادی در مراسم معارفه محمدوزیرنده رئیس جدید بنیاد مستضعفان و جانبازان گفت: «به مقام معظم رهبری، پیشنهاد کردم به جای جایگزینی فرد جدید از آقای رفیق دوست که اکنون تجارت خوبی در زمینه اداره این نهاد کسب کرده است و عملکرد آن را زیر صفر به بالای صفر رسانده استفاده شود که ایشان موافقت نکردند».

به گزارش ایرنا، نماینده ولی فقیه عسگر اولادی در مراسم معارفه محمدوزیرنده رئیس جدید بنیاد مستضعفان و جانبازان گفت: «به مقام معظم رهبری، پیشنهاد کردم به جای جایگزینی فرد جدید از آقای رفیق دوست که اکنون تجارت خوبی در زمینه اداره این نهاد کسب کرده است و عملکرد آن را زیر صفر به بالای صفر رسانده استفاده شود که ایشان موافقت نکردند».

به گزارش ایرنا، نماینده ولی فقیه عسگر اولادی در مراسم معارفه محمدوزیرنده رئیس جدید بنیاد مستضعفان و جانبازان گفت: «به مقام معظم رهبری، پیشنهاد کردم به جای جایگزینی فرد جدید از آقای رفیق دوست که اکنون تجارت خوبی در زمینه اداره این نهاد کسب کرده است و عملکرد آن را زیر صفر به بالای صفر رسانده استفاده شود که ایشان موافقت نکردند».

با ما همراه باشید در ویژه نامه جشنواره تابستانی کیش

بیستم مردادماه هفتادو هشت

شرکت سرزمین طراحان
تلفن ۰۶۱۱۱۲۵ - ۰۶۱۱۶۱۲۵۴ - ۰۶۱۶۲۷۳۴۴۱

داخلی

نشاط در پی سخنان سید محمد خاتمی بررسی می کند

پرونده قتل های زنجیره‌ای برای کشف عوامل پنهان خشونت ها به جریان می افتد

گروه داخلی - کسی تاکنون رئیس جمهوری را تا به این حد صریح ندیده بود. او که معمولاً در نقش یک سیاستمدار خوشبخت در ظاهر می شود، این بار در جمع شهروندان همدانی در قرار گرفت که پیش از این تنها یک بار چنین حالتی از وی دیده شده بود. هنگامی که پرونده قتل های زنجیره ای هنوز به سر نخ های خود نرسیده بود سیدمحمد خاتمی طی یک سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف تندترین واژه های دوران ریاست جمهوری اش را به کار برد. او گفت با کسی بر سر رسیدگی به این پرونده شوخی ندارد. شاید بسیاری از کسانی که صحبت های او را در آن جلسه شنیدند با خود گفتند «خاتمی می خواهد، اما نمی تواند». اما هنوز مدّت زمان زیادی نگذشته بود که مشخص شد این بار خاتمی می تواند. او علی رغم مخالفت های جدی باره ای از جدی ترین محافظه کاران حاضر در قدرت، وزارت اطلاعات دولتش را در وضعیتی قرار داد که با انتشار اولین مسئولیت قتل های زنجیره ای را پذیرد. چندماهه بعد روز سه شنبه ششم مردادماه ۷۸ سخنی هشداردهنده از سوی رئیس جمهور به نصرت اصلی روزنامه های اصلاح طلب تهران بدل شد. خاتمی گفت: می دانستم کشف جریان قتل های زنجیره ای تاوان سنگینی دارد. آیا رئیس جمهور در قان آن کشف را می پردازد؟

خاتمی: یک دوم خردادای همه جانبه

اما سخنان روز سه شنبه خاتمی آراش عجیبی به اصلاح طلبان هوادار او داد. آنان که طی یک هفته گذشته تلاش بسیاری کرده اند تا خط نامشی میان پرونده قتل های زنجیره ای و ماجرای حمله به کوروش دانشگاه رفرار کنند، اینک می توانند به سخنان رئیس جمهور استناد کنند. رئیس جمهور هنوز جمله اش را در مورد این که از پیش می دانستم که کشف این چریان تاوان سنگینی دارد تمام نکرده بود که به حوادث اخیر نیز اشاره کرد و پرسش هایی را مطرح ساخت: «چرا به دانشگاه حمله می کنند و دانشجو را می کوبند؟ چرا کینه خود را نسبت به دانشگاه این چنین پیاده می کنند؟ و بلافاصله جواب داد: «چون دانشجویان عضو زنده کشوند و از بزرگترین حامیان برنامه های پیشرفت و توسعه این کشورند».

آگاهان سیاسی معتقدند خاتمی پس از یک دوره سکوت معنادار (وی تنها در یک مصاحبه سریایی با تلویزیون جمهوری اسلامی خبر از یگیری حوادث در شورای عالی امنیت ملی داده بود) اینک به شیوه بسیار جانبدارانه ای نسبت به اصلاح طلبان وارد صحنه شده است، به گونه ای که نه تنها از دانشجویان (به عنوان یکی از اصلی ترین نیروهای پایگاه اجتماعی خود) دفاع کرد بلکه برای نخستین بار واژه اصلاح طلب را در ادبیات گفتاری خود به کار برد. آنجا که گفت: «استقلال خواست همه اصلاح طلبان بود» و در ۲۰۰ سال اخیر از جمله سیدجمال الدین اسفایندی بوده است». افزون بر این خاتمی در سخنرانی اخیر خود اصرار شگرفی بر عهده رفتن مسئولیت شکنجی دوم خرداد داشت: «گرچه من درباره دوم خرداد سخن نگفتم اما و یک مگفتم ولی امروز می خواهم درباره دوم خرداد با شما مردم سخن بگویم». در اینجا بود که احتمالاً اسرهای بسیاری به سوی جایگاه سخنرانی خاتمی چرخ خالده شده آنها خاتمی را در چهره یک «دوم خردادی» جدی می دیدند.

آیا خاتمی به کشف دیدگاه کلیه قتل ها نزدیک شده است؟

یک روزنامه نگار اصلاح طلب که سخنان رئیس جمهور را از تهران و از طریق تلویزیون دیده و شنیده بود به این نگار ما گفت: «رئیس جمهور در سخنان خود نشان داد که می تواند قاطع تر از همه ما سخن بگوید. اما قاطعیت رئیس جمهور به همان اندازه که می تواند برای اصلاح طلبان

محمدی گلابگانی در مراسم معارفه رئیس جدید بنیاد مستضعفان: عده ای تازه به دوران رسیده از بی خبری

نسل امروز سوء استفاده می کنند

گروه داخلی - محمدی گلابگانی رئیس دفتر مقام رهبری گفت: باید با به کارگیری مریبیت شایسته و کارآمد، خصوصیات ویژگی های امام را حل را به نسل های بعد آموزش داد و متقل کرد. به گزارش ایرنا، وی که مدیروز در مراسم معارفه رئیس جدید بنیاد مستضعفان و جانبازان گفت: «فرمود: «امروز عده ای تازه به دوران رسیده حرف های می زنند و از بی خبری نسل امروز از گذشته شان سوءاستفاده می کنند. بنابراین تلاش جدی برای رفع خلا موجود ضروری است». وی در بخش دیگری از سخنانش گفت: جایه جای افراد به معنای آن است که دوران خدمت یک مأمور صادق و یک سرباز فداکار نظام در یک مسئولیت به اتمام رسیده

گروه داخلی - کمیته تحقیقات آشوب های اخیر، مسعود نمکی سردبیر هفته نامه «جهه» را به دلیل گفت که در هر حال اول در یک جامعه متمدن و پیشرفته باید ماهیت کار مطبوعات و مؤسسات اطلاع رسانی را شناخت و قانون را بر همان اساسی در مورد آنها تفسیر کرد. مثلاً اگر روزنامه ای در مورد وارد شدن مواد غذایی مسوم در بازار گزارشی تهیه کند، آیا این گزارش از نظر قانونی جنبه توهین به بازاریان را دارد؟ یا این که گزارش مذکور یک فاجعه یا حداقل یک خطر احتمالی است. در این مورد نیز روزنامه سلام یک طر تفکر را که با توجه به موارد پیش گفته نه ارتباطی با وظایف و فعالیت های قانونی وزارت اطلاعات داشته و نه این که انتشار سند مورد اشاره، بر خلاف مصالح کشور و مملکت و حتی آن وزارتخانه بوده منتشر نموده، نه تنها توهین به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی محسوب نمی گردد بلکه خدمات اطلاع رسانی سازنده ای برای نمایندگان مجلس است و نمایندگان مجلس هم که عصاره فضايل ملت هستند در لحظه ای که در خصوص حقوق و آزادی های اساسی مردم تصمیم گیری می کنند باید بیشترین اطلاعات پیدا و پنهان، در اختیار آنان قرار داده شود.

روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز به نقل از یک منبع مطلع گفت: «ده نمکی به سئوالات کمیته تحقیق پاسخ داد و اظهار داشت به عنوان خبرنگار در این مکان حضور داشته است».

این کمیته تحقیق توسط

شورای عالی امنیت ملی تعیین شده است تا حوادث اخیر تهران را بررسی کند. خدایت شروع کرده است.

به گزارش ایرنا، نماینده ولی فقیه در مجلس شورای اسلامی، محمدتقی جعفری، در روز ۱۸ تیرماه در خوابگاه دانشگاه تهران مشاهده شده است.

روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز به نقل از یک منبع مطلع گفت: «ده نمکی به سئوالات کمیته تحقیق پاسخ داد و اظهار داشت به عنوان خبرنگار در این مکان حضور داشته است».

این کمیته تحقیق توسط

خرداد: گاه مخفیانه آدم می ربایند و به قتل می رسانند

یادداشت منصفه اول خرداد با عنوان «چالش اصلاح و ضداصلاح به کنجا می انجامد» به رفتارهای ضداصلاح اشاره کرده و نوشته است: «کارکردهای معیوب در بخش های مختلف جامعه ما، آثار زیانباری به وجود می آورد. گاهی از متن جامعه به صورت گروه های خشونت طلب سر می زند، گاهی در شکل سخت گیری های غیرضروری مذهبی آشکار می شود، گاهی در رفتار سیاسی انحصارطلبانه و محافطه کارانه مرط بروز می یابد... گاهی مخفیانه آدم می ربایند و به قتل می رسانند و گاهی پروژه و حمله و سرکوب مردم دانشگاه را تدارک می بینند. همه جا در خانه، محل کار، مدرسه و دانشگاه، کوی و برزن، نگارنی از امنیت و آینده جامعه و سرنوشت فرهنگ اکتفا کشور محسوس است... مظالم اجتماعی را جدی بگیریم، آیا آثار سوءمعنوی، کیفی راهی و عواقب قتل برای غایتی و میان سیاسی ما خواهد داشت».

بی بی سی: شفافیت و تأکید بر اقتدار دولت

مهمترین نکته در سخنان خاتمی

رادیو بی بی سی، در برنامه چشم انداز آمادای در گفت و گویی با مسعود بهنود روزنامه نگار و سردبیر روزنامه آزاد به تحلیل سخنان سه شنبه شب رئیس جمهور پرداخت. بهنود در این باره گفت: «به نظر من مهمترین نکته در این سخنان شفافیت و تأکید بر اقتدار دولت بود. به نظر می رسد در این چند هفته ای که آقای خاتمی به علت حوادث و مسائلی که در داخل ایران گذشت به طور کلی ای نسبی سکوت کرده بودند، نگاه تازه ای به حکومت بر ایشان پیدا شده است، چرا که در تمام دفعات گذشته ایشان سعی می کردند گروه های مختلف را به ترتیب از خودشان واقعی نگه دارند و خیلی روشنی قتلش می کردند! افرادی را دعوت به مخالفت نگذند یا مقابل گروه های ناپسندند ولی این صحبت ایشان از شفافیتی برخوردار بود که به نظر می رسد امکان اشش و معاشات با گروه های دیگر وجود ندارد. چرا که ایشان در حالی که گفتند که در انتظار بحران بوده و بعد از حادثه یگیری پرونده قتل ها بر انتظار آن بوده اند که مقاومت های صورت بگیرد ولی باور نداشتند که مملکت به طور کلی در این شرایط قرار بگیرد: به نظر می رسد از این پس دولت با صراحت بیشتری با مخالفان خودشان روبه رو خواهد شد».

وی در پاسخ به این که مقصود آقای خاتمی از اشاره به کسانی که تحت عناوین مقدس ایجاد خشونت می کنند چیست؟ می گوید: «به طور کلی از موقی که قتل ها اتفاق افتاد این صحبت به طور پراکنده گفته و شنیده می شد و حالا هم بسیار اوج گرفته و شفاف تر شده است که باید رفت و موازنه کشی را به قریب آن را خودرده اند که از سر غیرت دینی و تعصب و حفظ ارزش ها دست به خشونت می زنند، دستگیر و قضیه را تمام کرد و اصلاً به کسانی که خشونت را تئوریزه می کنند کار نداشته باشیم؛ یعنی کسانی که صحبت از این می کنند که خشونت جزو ماست و نیز کسانی که می گویند خشونت گاهی اوقات اجتناب ناپذیر است و تشخیص این را گاهی اوقات به عهده خودشان یا به

دلگرم کننده باشد می تواند از یک خطر جدی نیز خبر دهد. رئیس جمهور به گونه ای سخن می گفت که گویا در انتظار بهارهای جیدتری بسر می برد و یک بار دیگر این جمله را بخواباند: «از پیش می دانستم که کشف این جریان تاوان سنگینی دارد و بنده منتظر بحران آفرینی ها بوده و هستم».

آیا خاتمی از ناگفته های سخن می گوید که تاکنون درباره آنها سکوت کرده بود؟ از نیمه پنهان ماجرا که بگذریم خاتمی در این سخنرانی به یک افشاکری بسیار آشکار دست زده است. او با اشاره به حوادث اخیر دانشگاه تهران، آن را «یک سناریو و نمایشنامه برای برهم زدن شعارهای اساسی که در دوره جدید ریاست جمهوری مطرح شده است»، دانست و حتی از آن فراتر، حوادث اخیر را به «یک اعلان جنگ با رئیس جمهور و شمارهایش» تشبیه کرد. خاتمی حتی در مواجهه با مخالفتاش گامی به جلو برداشت و صریحاً با اشاره به سخنان کسانی که می گویند «خشونت را تئوریزه کنند» خشونت را در هر شکلی حتی تحت عناوین مقدس و تحت پوشش چهره های برجسته انقلاب رد کرد. جستجوی این که «چه کسانی خشونت را تئوریزه می کنند؟» چندان دشوار نیست. چندی پیش یک شخصیت محافظه کار در سخنان قبل از خطبه ای نماز جمعه تهران رئیس جمهور را (که گفته بود جواب سخنش را از این مرد بد علم خشونت داد) مورد خطاب قرار داد و گفت: «کدام حکومت را اسراغ وارد کردی فقط تو توصیه های اخلاقی سفارش کنی و جریمه زندان و مجازات در کار نباشد. این که حکومت نشد. تو مدرس اخلاقی. حکومت اگر باشد باید قوه قهریه داشته باشد. بتواند با نیروی انتظامی جلوی آشوب گر را بگیرد» این سخنان روز سه شنبه بلافاصله پس از بخش سخنان خاتمی از شبکه دوم سیما تکرار شد. اما سرش اصلی در اینجا است که کدام چهره های برجسته و عناوین مقدس، خشونت را پشت خود پنهان کرده اند؟ چندان پیش یک روزنامه نگار چپ گرا طی چند یادداشت مکرر از شاه کلیدی سخن می گفت که باید در جستجوی آن بود تا قبل پرونده قتل های زنجیره ای کشوده شود. آیا خاتمی به شکت شاه کلید نزدیک است که می گوید: «ان خدای خود و شما ملت، پیمان می بندم اما قطع و رفع آن عامل فساد پیش خواهم رفت». در این جاست که تحلیلگران سیاسی از سطح مرور سخنان رئیس جمهور به سطوح پیچیده تری از تحلیل اوضاع سیاسی ایران گام می گذارند.

پروژه سعید اسلامی - ۲

در هفته گذشته هنگامی که منوچهر محمدی و گروه طریدی به عنوان متهمان ردیف اول پرونده آشوب های هفته اخیر تهران مطرح شدند، روزنامه نشاط طی یک گزارش تحلیلی از تکمیل شدن حلقه های پرونده سعید امامی خبر داد. پرونده ای که به عنوان خط موازی قتل های زنجیره ای عملی می کرد و در نهایت به کامل شدن قطعات پازل می انجامید. براساس این پروژه گروه های مانند گروه منوچهر محمدی در نقش یک کاتالیزور جنبش اصلاح طلبی در ایران ظاهر می شدند که می کشیدند با سقت های نابجا ماشین اطلاعات را در ایران به سوی جاده های فرعی می بردند. نتیجه: قتل چهره های برجستین را از قرائ دادن دولت اصلاح طلب محمد خاتمی در وضعیتی بود که نه تنها نمی توانست به روش های سیاسی ایدئالکان در حمایت از خود اطمینان چندان داشته باشد بلکه ممکن بود عملاً در مقابل آنها قرار گیرد.

برای مهار همین تئوری ها بود که برخلاف سال نخست ریاست جمهوری خاتمی که تعداد تشکیکات و تجمعات سیاسی رو به افزایش بود. این تجمعات خود به عامل فشاری علیه برنامه های ضداصلاحات محافظه کار بدل می شد، در سال دوم حکومت او، دولت مجبور شد که به آسانی اجازه بیان مطالبات عمومی را از طرق پخران آفرینی مانند تجمعات سیاسی ندهد. ممکن بود در نتیجه این وضعیت پس از مدتی با مشورت دولت خاتمی در نزد اصلاح طلبان هوادار خاتمی نیز سئوال برود و یا آن که دولت مجبور می شد با محور دادن به چنین پخران سازی هایی عملاً بهانه ای برای اثبات عدم قنایت، به دست محافظه کار دهد. در اینجا است که یک تحلیلگر سیاسی می تواند با ماجر نام «پروژه سعید اسلامی - ۲» می دهد. او می گوید می توان با ریشه یابی حوادث اخیر، حتماًین جنبش پخران های ای را هم چنین وظیفه آنها سرق دادن اصلاح طلبان به روش های پرهیزه و بی فایده (مانند حوادث ۱۸ تیر) بوده است، نه تنها ششالی بلکه ریشه کن کرد.

اینک این سئوال جدی وجود دارد که چه کسی می تواند تصور کند منوچهر محمدی و دوستانش جلوی چشمان تریبین دستگاه امنیتی کشور به اروپا و آمریکا سفر کرده اند و در حال با پوشه هایی پر از عکس های یادگاری با افراد اروپوسین جمهوری اسلامی بازگشته اند در حالی که هیچ کس در ورودی فرودگاه های جمهوری اسلامی به درون این پوشه ها نگاهی نینداخته است؟

کشف پرونده های جمهوری اسلام به درون این پوشه ها نگاهی نینداخته است؟

صاحب نظران سیاسی معتقدند سخنان خاتمی - آنجا که از انتظارش برای پخران آفرینی های آتی سخن می گفت - در حکم کلید زدن یک پروژه ضدکودتاه است. این سخن می تواند به همین جهت بوده و یا شاید به جهت اطلاع دادن به آنهایی که در صورت بروز حوادث کوی دانشگاه وارد شد، خبرنگار خصوصی نشاط می گوید رئیس جمهور خاتمی گروهی مرکب از چهره های تازه و میانه رو وزارت اطلاعات را مأمور رسیدگی به این ماجرا کرده است. گرچه از نظر بهاره ای محافظران، اقدامات وزارت اطلاعات در دستگیری چهره های مانند منوچهر محمدی پیشتر به نوعی «سرهم بندی» ماجرا می ماند اما وزارت اطلاعات می تواند با یگیری این برنامه به چهره های بسیار مهمتری دست پیدا کند که رئیس جمهور معتقد است آنها سناریوی کوی دانشگاه را نوشته اند تا از آن علیه رود اصلاحات استفاده کنند. شاید این بار نیز کسی مانند سعید امامی این سناریو را نوشته است. آیا طی روزهای آینده باید منتظر اقدام وزارت اطلاعات در انتشار اطلاعیه ای مشابه اطلاعیه افشای عاملان قتلهای زنجیره ای بود؟

تهران تایمز اعلام کرد

مسعود دهنمکی به کمیته تحقیقات آشوب های اخیر احضار شد

نشریه جبهه اعلام کرد که با گذشت ۲۴ ساعت، روابطعمومی وزارت اطلاعات و نیز دادگاه انقلاب اسلامی نسبت به بازداشت خبر نگار و عکاس جبهه اظهار بی اطلاعی می کنند.

خبر نگار ما در همین زمینه با روابطعمومی وزارت کشور تماس گرفت که مسئول این وزارتخانه نیز در این مورد اظهار بی اطلاعی کردند. همچنین مدیرعامل صداوسیما ی جمهوری اسلامی و چندین نفر دیگر نیز با خبر نگار ما تماس گرفتند و از ارزش ها و آرمان های خود آماده است که تاوان های سنگین تر از این را بپردازد.

تحقیق صلاح بلداند بخشی از تحقیقات خود را اعلام خواهد کرد».

همچنین نشریه «جبهه» طی نمابری که برای انتشار ارسال کرد از بازداشت خبر نگار و عکاس خود خبر داد. بنابه این گزارش، سهیل کربمی خبرنگار و عکاس جبهه ساعت ۲۱ سه شنبه شب در حالی که شماره نوزدهم نشریه جبهه در حال صفحه بندی بود، در شهر قم به دستگیر شد.

نشریه جبهه در این مورد که کربمی بازداشت گانگداس نه نفر بودند که کربمی را جهت انجام تحقیقات جلب کردند.

با رسانه ها

ذهن های که گاهی کینه ها و گاهی متعصب انگار می بیند که یعنی همان گروه هایی که برای منافع جناحی خودشان، صحنه را تا جایی پیش می برند که خشونت را تو صیه می کنند برآمد می قتل ها یا حوادث اخیر تهران اتفاق می افتد. طبیعی است همیشه کسانی آمادگی دارند که به این تو صیه ها گوش و عمل کنند».

صدای آمریکا: زمان عوض شده است

صدای آمریکا در بحث منطقه ای خود نظرات پاتریک کلاسون رئیس تحقیقات مؤسسه مطالعات سیاسی خاورمیانه در واشنگتن و درباره مناسبات ترکیه و ایران منعکس کرد. وی درباره روابط ایران و ترکیه گفت: «روابط ایران و ترکیه از مدت ها قبل متشنج بوده است. در دورانی که حزب رفاه در ترکیه سرکار بود مقام های ایرانی اظهار کرده بودند که موجب خشم ارشش ترکیه شده بود؛ به خصوص که ارشش ترکیه حساسیت خاصی نسبت به مسئله حضور دین در صحنه سیاسی دارد. اقدامات و اظهارات سفیر ایران در آن هنگام نیز سبب تنش ارشش ترکیه شده بود. از سوی دیگر مسئله حمایت ایران از حزب کارگران کردستان را هم که در نظر بگیریم می بینیم که جو بسیار متشنجی میان دو کشور ایجاد شده است. به دنبال فشارهای شدید ترکیه به سوریه برای کاهش حمایت آن کشور از حزب کارگران کردستان به نظر می رسد که اینک پ.ک.ک پیش از پیش متکی به پشتیبانی ایران است. وی در زمینه روابط ترکیه با اسرائیل و در پاسخ به این سئوال که این مناسبات و دیدار مقام های ارشد ترکیه از اسرائیل در رفتار ایران با ترکیه چقدر تأثیر گذار بوده است، ا بر این عقیده کرد: «اسرائیلی ها به وضوح این مسئله را روشن کرده اند که اتحاد ترکیه با اسرائیل را به عنوان وسیله ای برای تحت فشار قراردادن ایران می بینند. آنها از این مسئله ابزاری ندارند و نتوانسته اند روی آن سربوش بگذارند. بر این نکته نیز اشاره می کنند که با وجود اتحاد با ایران ایدههای اسرائیلی قادر خواهند بود به آسانی به تهران حمله کنند و براساس گزارش های معتبری که رسیده است ترکیه به اسرائیل اجازه داده است که در مرز آن کشور با ایران تجهیزات استراق سمع نصب کنند. بنابراین مسائل مورد اختلاف ترکیه با ایران بسیار است».

وی درباره میزان تأثیر مناسبات آمریکا و ترکیه در رفتار ترکیه نسبت به ایران و اظهارات اخیر مقام های دولت ترکیه درباره وقایع ایران و واکشت آنها به تنش های اخیر میان دو کشور معترض است: «ایرانی ها می گویند که آمریکایی ها سعی دارند با حضور گسترده خود در خلیج فارس، ایران را محاصره کنند و نه تنها اتحاد نزدیک در موارد مختلف میان ترکیه و آمریکا وجود دارد بلکه همکاری نزدیک دو کشور بویژه در آذربایجان بر سر دریای خزر، دسترسی آمریکا را به گستره دریای خزر آسانتر می سازد و از نقش و اهمیت ایران در آن حوزه می کاهد. از سوی دیگر رئیس جمهوری آذربایجان از آمریکا درخواست کرده است که یک پایگاه نظامی در آن جمهوری تأسیس کند و ایران هر دو کشور آمریکا را ترکیه از منسب و مسئول این تصمیم می داند».

وی با اشاره به اظهارات اسماعیل جم وزیر خارجه ترکیه که ابراز امیدواری کرده است که با حسن نیت مقام های ایرانی و ترکیه سو متاهم های موجود میان دو کشور بر طرف خواهد شد، درباره مناسبات ایران و ترکیه گفت: «ترکیه در سیاست خارجی خود قاطعانه تر عمل می کند، به خصوص در مورد مناسبات خود با اسرائیل و با فشارهای نظامی که به سوریه وارد کرده است. بنابراین فکر می کنم که با قاطعیت بیشتری در برابر ایران از منافع خود دفاع کند بویژه اگر ایران همچنان به حمایت خود از پ.ک.ک ادامه دهد. زمانی ایران و ترکیه روابط اقتصادی بسیار خوبی داشتند. کمپانی های ترکیه محصولات خود را در بازارهای ایران عرضه می کردند و فروش بسیار خوبی داشتند. اما این در سال های گذشته بود و اکنون به خاطر منافع دو کشور به نفع کسانی که می خواهند سود خود شده است و فکر نمی کنم دیگر بتوانیم به این دوران بازگردیم».

بی ستون

برخی مباحث تئوریک در باب خشونت

سیدابراهیم نبوی

در راستای احترام به جامعه چندصدایی و اینکه لازم است هر کس - اعم از قاتل و مقتول - حق بیان نظر خود را داشته و با احترام به بزرگان خشونت طلب در طول تاریخ از جمله میتی موش، اصغر قاتل، قدرت بی که، شعیبون بی مخ، ناصر سگ سیبل و غیره که از سینه سوختگان و دستمال به دستان و قمه ششان و غیره محسوب می شوند- بدینوسیله مبانی تئوریک و اساسی برادران خشونت طلب در طول تاریخ به استحضار ملت شریف ایران می رسد.

مانیفست

تضاد اساسی در طول تاریخ میان یقه سفیدها و کلاه مخملی ها، کتاب به دست ها یا قمه به دست ها، باره پنه ها با آیداس پوشیده ها، دستمال به گردن ها با فکل کراواتی ها، چشم خونگرفته ها با بجه عینکی ها، مونو رسورها یا پیاده ها، شعبون ها یا کامییزها و سوسولها یا گنده لاتهاست. سرنوشت تاریخ را قومه و تیغ و چماق تعیین می کند. و سرانجام فوقولها زیر پاشنه های خوارانده آنان نابود خواهند شد.

زیربنا و روینا

زیربنا را اشیای راست مانند تیر آهن، قمه، چماق، چوب و الوار تشکیل می دهد. هر کس با زیربنا در بیفتد زیربزی رکی زیوایش زده می شود. روینا هم نداریم، عمراً.

لفقه هستی شناسی

هستی و مرگ آدمها را نوک چاقو تعیین می کند. هر کسی موظف است روی کسی را که روداری کرده کند و فیله اش را پایین بکشد. نفس برها حق دارند نفس نفس کش ها را با طناب بیرند. حرف زیادی نباشد که حال نداریم.

فلسفه تاریخ

تاریخ از مسیر زیر گذشته است:

۱) عصر چماق های اولیه: در این دوران خوشبختانه آزاد و کلوتر و وجود نداشته و همه آقایون لاتها از هفت دولت و قانون آزاد بودند و هر کس دوست داشت می زد با چماق به سر هر کسی دوست نداشت.

۲) عصر نوسنگی: در این دوران آقایون لاتها با سنگ مخالفان خودشان را می زدند.

۳) عصر فلزات: در این دوران نیزه، چاقو و قمه به وجود آمد و کار را راحت کرد.

۴) عصر یخبندان اول: در این عصر کلیه انسانهای نخستین یخ زدن و پس از گرم شدن مجدد زمین مردم دو دسته شدند: اول: کسانی که یخ تمام اندامشان آب شده بود و دوم: کسانی که یخ مغزشان آب نشده بود.

۵) عصر نوچه داری: در این عصر آقایون لاتها دو دسته شدند: گروه اول گنده لات شدند و کلاه مخملی پوشیدند و گروه دوم نوچه شدند و دستمال به گردن انداختند. گروه دوم مرید گروه اول شدند و ارادت خود را به گنده لات محل ابراز داشتند.

۶) عصر باج گیری: در این عصر سرمایه ها انباشته شدند و سرمایه داران پولها را در جیب باج گذاشتند. در نتیجه آقایون گنده لاتها که احساس می کردند سرمایه داران پولشان را لازم ندارند از طرق مختلف مانند کیسه بری، جیب بری، جیب زنی، کیف زنی، قاپ زنی، کف زنی، کف رفتن، باج گرفتن و غیره سرمایه ها را با شغ نوچه ها بار گرفتند. در این دوره عدالت از طرق استخراج دل و روده و جیگر سرمایه داران با استفاده از قمه و تیغ اجر می کرد.

عصر باندبازی: با پیچیده شدن روابط و افزایش دستمال به دستها ضوابط بر روابط حاکم شد و بوروکراسی در سازمان خشونت به وجود آمد و باندهای قدرت شکل گرفتند: باندها، جناح ها، محافل، مجالس، اجتماعات و سایر موارد شکل گرفت. در این عصر باندبازی نیز به باندبازی افزوده شد. عصر طاب باجی: در این عصر تکنولوژی پیشرفته شد و سیاست استفاده از اشیای نرم به جای اشیای سخت در پیش گرفته شد. طاب مورد استفاده قرار گرفت و به جای عربده کشیدن، از روشهای مکتوب استفاده شد. استفاده از تلفن، موبایل و فکس در تهدید و قتل ویژه این دوره است.

عصر تکنولوژی الکترونیک: در این دوره که در آینده اتفاق خواهد افتاد استفاده خشونت طلبان از میکروفون، بلندگو، رادیو، تلویزیون، ویدئو، اینترنت و ماهواره برای تهدید یا خفه شدن حضار، عربده کشی و فرق کردن خیابان و محله صورت می گیرد.

زیبایی شناسی خشونت

میزان زیبایی به میزان مو و وزن بستگی دارد. بروی پر پشت، شکم بزرگ، صورت گرد و تپل، شانه عریض و دست و پای قوی و بزرگ نشانه زیبایی است. بنابه نظریه لامارک این گروه از موجودات جزو سرتان هستند، دوزیستان، دست پنهان بوده و در اثر استفاده مکرر از بعضی اعضا (مانند دست و پا و شکم) دچار موتاسیون شده و نسبت و در جمجمه با دور شکم آنان با سایر افراد متفاوت است. این افراد به رنگ قرمز علاقه و آفری دارند.

اصول سیاست داخلی

اصول سیاست داخلی این جریان به شرح زیر است:

- حرف اضافی موقوف.

- تظنی بکشی شکمت و سفره می کنم.

- آبی نفس کش!

- هر کی مرده تنهایی بیاد سر کوچه، ما بیست نفر منتظریم.

- پول بده سر سیبل شانه قناره بز.

- بعد مردم گشتن، بارو می خواد سخنرانی بکنه، آقاوار!

- مردم بر دو گروهوند: کسی که حق قتل دارد، کسی که حق نداره حرف

بزنه.

- بگشش، گرد من.

اصول سیاست خارجی

دنیا بر دو بخش است: بخش اعظم آن ما هستیم و بخش جزئی آن سایر کشورها.

مواضع شفاف در قبال جامعه مدنی

- مگه شهر هرات؟

- برو بابا، ناداری!

- می خوای منو نارو آجر کنی؟

- قمه نباشه به مشت ضعیف و ذلیل مارو می خورن.

- چماق می خوری، داد زن.

جمع بندی

در راستای فرمایشات فوق اولندش: حرف نباشه. دوندش: چماق لازمه، خویش هم لازمه، درازش هم لازمه، محکمش هم لازمه. سوندش: می زنیم، خوب هم می زنیم، حسایی هم می زنیم، شکایت داری بر و عدلیه، چهارمندش: فعلاً که ما عمده فروش و گنده لات و سر گردنه بگیریم، اگر هم اوضاع بر گشت می شیم نوچه، دنیا که بی لات نمونده. زت زیاد!

نتیجه گیری تئوریک: چاقو کشی که توجیه و تفسیر و تئوری نمی خواهد، داداش! کارت رو بکن و برو.

نتیجه گیری فولکلوریک: یکی بر سر شاخ چاقو کشید، ضمناً شاخه را هم قطع کرد.

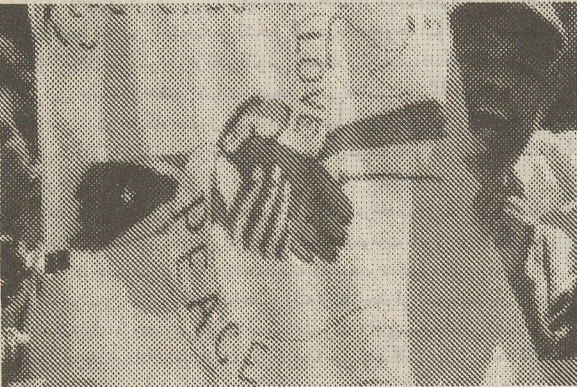
دربیرستان غیر انتفاعی پسرانه راد برای کلاهای اول ، دوم و سوم از تعداد محدودی دانش آموز ممتاز ثبت نام می کند.

آدرس: مهرک غرب، فاز ۱، خیابان ایران زمین، خیابان مهستان نبش کوچه دوم، پلاک ۱۸۰

مواد شیمیایی بغداد نابود شد

سه شنبه شورای امنیت سازمان ملل موافقت کرد که این مواد شیمیایی در همانجایی عراق نابود شود. این تصمیم درپی اتهام دولت عراق با پشتیبانی دولت روسیه توسط بازرسان آنسکام گرفته شد. عراق بازرسان آنسکام را متهم کرده بود که برای جعل اسناد و مدارک نادرست علیه عراق کلاهک های جنگی موشک های عراقی را به ماده (VX) آلوده کرده اند.

درپی این اتهام، کارشناسان مستقل از سازمان منع سلاح های شیمیایی مستقر در لاهه راهی بغداد شدند و آنها را در همان محل نابود کردند.



توأم با آرامش در تی مور شرقی حفظ نکات امنیتی در این منطقه ضروری است. از سوی دیگر العطاس متذکر شد چنانچه مردم تی مور شرقی استقلال را انتخاب کنند، دولت اندونزی هرگز اجازه نمی دهد که این منطقه گرفتار آشوب و درگیری شود و آنچه که دولت اندونزی در صدد جلوگیری از آن است، بروز جنگ بعد از برگزاری انتخابات استقلال در این منطقه است.

فرمانده کل ناتو برکنار می شود

را به دیگری می دهد. گزارش های قبلی حاکی از اختلاف نظر شدید میان کلا، ک ویلیام کوهن وزیر دفاع آمریکا بود. به گفته منابع وزارت دفاع در دوران حمله هوایی ناتو به ارسال هواپیماهای بیشتری بود که وزارت دفاع آمریکا از انجام درخواست وی خودداری می کرد. در این زمینه ژنرال وسلی کلارک از اظهارنظر خودداری کرد و فقط آن را یک تعویض عادی نامید.

گزارش های رسیده از پنتاگون حاکی است احتمالاً مقام سفارتی عالی رتبه ای به وی پیشنهاد خواهد شد ولی وسلی کلارک در این زمینه اظهار بی اطلاعی کرد. ژنرال وسلی کلارک ژنرال ۵۴ ساله آمریکا که در جنگ ویتنام نیز شرکت کرده بود، به گفته مقامات ناتو حمله یازده هفته ای ناتو علیه یوگسلاوی را به خوبی اداره کرد.

از مطبوعات جهان

ملیت – ترکیه
آژانس های اطلاعاتی ترکیه گفتند چریک های P.K.K دارای ۱۰ اردوگاه در ایران هستند.
جمهوریت – ترکیه
تلاش های دیپلماتیک بین ایران و ترکیه موجب شد نیروهای مرزی که در ایران بازداشت شده اند، آزاد شوند و به زودی به خانه برگردند.
الحیات – لندن
اسرائیل اولین زیر دریایی از ۳ زیر دریایی خریداری شده از آلمان را دریافت کرد. این زیر دریایی ها قادر به حمل موشک های کروز با کلاهک هسته ای هستند.
الشرق الاوسط – لندن
ارتش ترکیه ایران را متهم کرد که در شمال عراق اردوگاه آموزشی برای کردهای جدایی طلب ایجاد کرده است.
هواپیمایی عربستان پروازهای خود را به تهران و شیراز ا زسر می گیرد.

هاآرتس – اسرائیل
هیچ پیشرفتی درپی ملاقات عرفات – باراک صورت نگرفت.
پدیوت آهارنون – اسرائیل
باراک هفته آینده از روسیه دینن می کند.
معاویو – اسرائیل
ملک عبدالله پادشاه اردن به اسد پیشنهاد کرد مذاکره با اسرائیل را در اردن آغاز کند.
جردن تاچمز – اردن
وزیر لهستانی گفت کشورش می تواند رابط اردن با اروپای شرقی و مرکزی باشد.
البعث – سوریه
پارلمان سوریه در نشست هفتگی خود درباره تأسیس یک آکادمی مهندسی تصمیم گرفت.
نوول ریپابلیک – الجزایر
دیویدلوی وزیر خارجه اسرائیل خواستار توسعه روابط کشورش با الجزایر شد.
الشرق الاوسط – لندن
ولیمهد کویت اشتباهی با باراک نخست وزیر اسرائیل دست داده است.

بغداد – A.F.P: کارشناسان شیمیایی سازمان ملل متحد روز گذشته بعد از پایان یافتن کار خود در بغداد، عراق را ترک کردند.

به گزارش A.F.P از بغداد کارشناسان بین المللی سلاح های شیمیایی، روز چهارشنبه بعد از انجام مأموریت خود در آزمایشگاه های شیمیایی پایتخت عراق و نابودی نمونه های شیمیایی موجود در این آزمایشگاه ها این کشور را ترک کردند.

به گفته یک منبع موثق از سازمان ملل، این کارشناسان قرار بود ابتدا مواد شیمیایی عصبی (VX) را از کشور خارج سازند ولی در نهایت روز

همه پرسی استقلال تی مور شرقی باز هم به تعویق افتاد

سنگاپور – A.F.P: برگزاری همه پرسی استقلال در تی مور شرقی برای دومین بار به تعویق افتاد.

شایان ذکر است که تاریخ برگزاری همه پرسی استقلال تی مور شرقی ۸ اوت بود که به دلایل امنیتی به ۲۰ و ۲۱ اوت موکول شد و این بار نیز به ۳۰ اوت شرقی در ۳۰ اوت برگزار خواهد شد. العطاس در حاشیه اجلاس آ.سه. آن در مصاحبه با خبرنگاران گفت: خبر تعویق همه پرسی تی مور شرقی از سوی کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل به وی ابلاغ شده است.



گروه بین الملل – خبرگزاریها: «ژنرال وسلی کلارک» فرمانده کل نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، بزودی از سمت خود برکنار می شود. به گزارش A.F.P اکتت بیگون، سخنگوی پنتاگون، روز گذشته با اعلام این مطلب گفت: به جای وی قرار است ژنرال «جوزف راستون» معاون



صاحب عریقات یکی از مقام های ارشد دولت فلسطین روز گذشته اعلام کرد که پیشنهاد اجرای کامل و سریع توافقنامه وی ریور است.

وزیر خارجه هند:

دهلی و اسلام آباد برای مذاکره به میانجی نیاز ندارند

سنگاپور – A.F.P: هند روز گذشته بار دیگر مخالفت سرسختانه خود را با وجود میانجی در مذاکره های صلح با پاکستان رد کرد. به گزارش A.F.P از سنگاپور، جاسانت سنگ وزیر امور خارجه هند در مصاحبه با خبرنگاران اعلام کرد که هند و پاکستان مستقیماً و بدون حضور میانجی قادرند اختلاف ها را حل کنند. وی در حاشیه اجلاس آ.سه. آن در سنگاپور به پیشنهاد اتحادیه اروپا برای میانجیگری میان هند و پاکستان به شدت اعتراض کرد. این در حالی است که در زمان دیدار محمد نواز شریف و واجپایی، نخست وزیرهای پاکستان و هند در لاهور که منجر به امضای اعلامیه صلح میان طرفین شد، کشورهای غربی دو طرف را به برقراری روابط دوستانه فراخواندند. اما اجرای اعلامیه صلح به سبب وجود ۱۰ هفته درگیری در کشمیر مسکوت ماند. دولت هند نیز شرایطی را برای آغاز مذاکره با پاکستان تعیین کرده است که در صورت پذیرش این شرایط، هند با پاکستان مذاکره خواهد کرد.

عقب نشینی کامل چریک های کشمیر از مناطق تحت کنترل هند، محترم شمردن نوار کنترل مرزی و متوقف کردن حمایت های پاکستان از چریک های کشمیری ازجمله شرایط اعلام شده است.

اجساد ۱۴ کشاورز صرب را در گورجمعی به خاک سپردند

برپشتینا – رویتر: اجساد ۱۴ صرب کشته شده روز گذشته تحویل خانواده های آنان داده شد و در دهکده گراجکو بطور دسته جمعی دفن شدند. به گزارش رویتر از پرشتینا مرکز ایالت کوزوو سه کامیون متعلق به کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان تابوت ۱۴ کشاورز صرب را که جمعه پیش توسط شلیک افراد ناشناسی کشته شده بودند بعد از پایان کالبدشکافی از سردخانه «پرشتینا» به روستای کوچک گراجکو در ۱۵ کیلومتری جنوب این شهر حمل کردند و در میدان والیبال این روستا بعد از انجام مراسم ویژه بطور دسته جمعی به خاک سپردند.

فرانسه به نقض حقوق بشر محکوم شد

استراسبورگ – فرانسه – رویتر: دادگاه حقوق بشر اتحادیه اروپا روز گذشته دولت فرانسه را به جرم نقض حقوق بشر گناهکار شناخت. به گزارش رویتر از «استراسبورگ» مرکز دفاتر «اتحادیه اروپا» درپی شکایت «احمد سلمونی» از پلیس فرانسه، دادگاه حقوق بشر این اتحادیه با تشکیل پرونده ای به اعمال شکنجه از طرف نیروی پلیس فرانسه و نقض حقوق بشر رسیدگی کرد و بالاخره روز گذشته فرانسه را به جرم شکنجه محکوم کرد.

با این حکم، فرانسه اولین کشور اتحادیه اروپاست که به نقض حقوق بشر رسماً محکوم می شود. این دادگاه فرانسه را به خاطر تعلل بیش از اندازه در رسیدگی و اجرای عدالت به مدت هفت سال و نیم گناهکار شناخته است.

احمد سلمونی که اکنون دوران محکومیت ۱۳ ساله خود را به جرم قاچاق مواد مخدر در زندان می گذراند، در سال ۱۹۹۲ به مقام های قضائی فرانسه از پلیس فرانسه شکایت کرد و آنان را متهم به ضرب و شتم و آزار و اذیت کرد. به گفته وکلای این مرد مراکش – هلندی الاصل، وی در اثر ضرب و شتم پلیس دید چشم سمت چپ خود را از دست داده است. اما دادگاه فرانسه با تأخیر هفت ساله و نیمه، در سال ۱۹۹۹ پنج افسر پلیس را به محکومیت های دو تا چهار ساله محکوم کرد و جرم آنها را در فرجام خواهی کاهش داد.



عرفات و باراک برای بررسی توافقنامه «وای ریور» توافق کردند

تشکیلات خودگردان به رادیو اسرائیل گفت: عرفات از باراک انتظار داشت جهت برقراری اعتماد متقابل میان طرفین گام هایی بردارد.

وی افزود: مخالفت باراک با اجرای توافقنامه وای ریور، ازجمله آزادی تعدادی از زندانیان فلسطینی، امیدها را برای از سرگیری گفت وگوهای خاورمیانه بر باد داد. این مسئول تشکیلات خودگردان افزود، باراک به منظور فراهم کردن زمینه از سرگیری گفت وگوها باید حسن نیت نشان دهد و دست کم از منطقه «جنین» عقب نشینی و تعدادی از زندانیان فلسطینی را آزاد کند.

این درحالی است که

نخواهد پذیرفت. او پیش از تشکیل اجلاس گفته بود که از باراک خواهد خواست تا مفاد توافقنامه وای ریور را به طور کامل اجرا کند.

با وجود این، عرفات ضمن توافق در مورد درخواست دو هفته ای باراک، بار دیگر تکرار کرد که مقام های دولت خودگردان خواهان اجرای کامل توافقنامه وای ریور هستند. در این توافقنامه به ضرورت خروج تعداد بیشتری از نیروهای اسرائیل از کرانه باختری رود اردن تأکید شده است. از سوی دیگر تشکیلات خودگردان فلسطین نتایج نشست عرفات و باراک در نوار غزه را ناامیدکننده توصیف کرد. نیل «نیل شعث» مسئول برنامه ریزی و امور بین الملل

بیت المقدس – A.F.P: ابهرد باراک نخست وزیر اسرائیل و یاسر عرفات رئیس دولت خودگردان فلسطین روز گذشته توافق کردند که طی دو هفته تغییرهای توافقنامه وای ریور را بررسی کنند.

به گزارش A.F.P از بیت المقدس، دیوید لوی وزیر امور خارجه اسرائیل روز گذشته گفت: باراک به همراه عرفات پس از پایان گفت وگوهای خود در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کردند که عرفات ظرف مدت دو هفته به درخواست اسرائیل مبنی بر تغییر بخش هایی از توافقنامه وای ریور پاسخ خواهد داد. به گفته تحلیلگران سیاسی به نظر می رسد که عرفات هرگونه تغییر در توافقنامه وای ریور را

مخالف اصلی میلوسوویچ محاکمه نظامی می شود



حزب دموکراتیک، ترکیب اصلی جنبش «اتحاد برای تحول» را تشکیل می دهد که مدتهاست برای تحت فشار قرار دادن «اسلوودان میلوسوویچ» رئیس جمهوری یوگسلاوی برای استعفا، راهپیمایی و تظاهرات برگزار می کند.

جینجیک قبل از ورود به دادگاه به انبوه خبرنگاران گفت: «این دادگاه هیچ گونه پایه و اساسی برای اتهام خود ندارد».

بلگراد – A.F.P: «زوران جینجیک» رهبر مخالفان در یوگسلاوی روز گذشته در یک دادگاه نظامی حضور یافت تا به اتهام طفره رفتن از انجام وظیفه سربازی محاکمه شود.

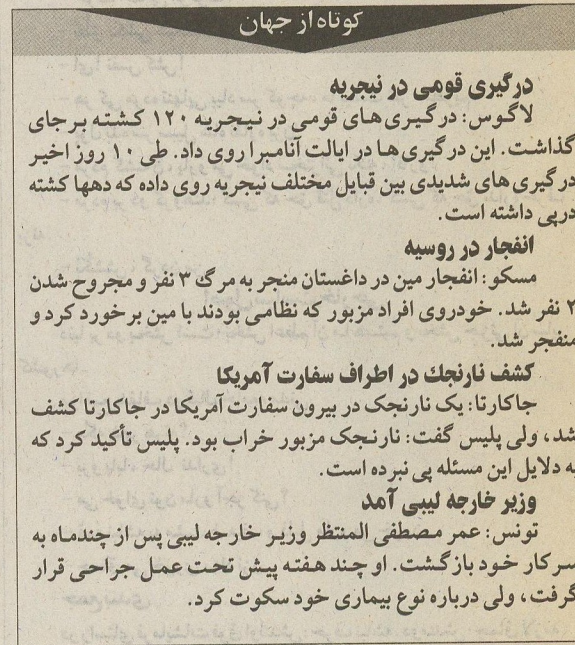
به گزارش A.F.P از بلگراد، «زوران جینجیک» رهبر حزب دموکراتیک متهم است که از انجام خدمت سربازی در دوران حمله ناتو علیه یوگسلاوی طفره رفته است.

ترکیه، سویسال را شکنجه می کند

آنکارا – ایرنا: رادیو P.K.K اعلام کرد وکیل مدافع «جواد سویسال» در نامه ای به دبیرکل سازمان ملل خواستار محاکمه دولت ترکیه به اتهام نقض قوانین بین المللی شد.

این رادیو دیروز گفت: کمال سیدار وکیل جواد سویسال از کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل خواست با دخالت در این مسئله زمینه برخورداری موکل خود را از قوانین بین المللی و حقوق بشر فراهم کند.

گفته می شود جواد سویسال توسط ماوران امنیتی ترکیه شکنجه شده تا ناگزیر به اعتراف شود. در دیدار وکیل مدافع سویسال با او، اعترافات منتشر شده او تکذیب شده است.



شادیهای زندگی امروز کم نیست

هر پیوند گرمی، تولدی، دیداری

وقتی که هر حادثه کوچک شیرین یک دریا پیام شادمانی فارد

گرامیشان بدریم و به گوش هم رسانیم، که

انسان فقط روزگارن شادمانه اش را زیسته است

تلفن پذیرش آکھی: ۰۲۰۱۳۳۷۳۰۰۰۰۲۰۱۳۳۷۳۰۰۰۰

فرنام خوبم

بیست و ششمین بهار زندگیت

را تبریک می گویم

خواهرت راهله

نقد مدنیت نظام صنعتی

عبدالرسول خلیلی

(بخش نخست)

اشاره: توسعه و ترقی عقل ابزاری در تجدد، به شرایطی منجر می شود که به زعم متفکران منتقد مکتب فرانکفورت، در سلطه بر انسان و حوزه عمومی او متبلور می شود. این متفکران، نیمه دوم قرن بیستم را، عصر کامل شدن چنین وضع ناشی از «شیء وارگی» و «ازخودبیگانگی» دیده اند. مارکوزه منتقد چنین وضع نامطلوبی، با ارایه مفهوم آزادی و زیبایی شناسی کردن هنر و زندگی، درصدها رهایی بشر از چنین سلطه گری است. مقاله حاضر بخشی از کتاب «هربرت مارکوزه و نقد مدنیت نظام صنعتی» است که در آتیه نزدیک وارد بازار نشر می شود.

گروه فرهنگ و اندیشه



این تعبیرات بر اثر

دریافت های سودجویانه نیروهای حاکم بر مقدرات این جامعه پدید آمد و در نتیجه راست ها را دروغ و دروغ ها را راست جلوه داده است. در نقش این جامعه امروز بر بنیان نیازمندی های مادی انسان ها، نیک و بد، درست و نادرست توجیه می شود. به بیان جورج اورل (Orwel) نویسنده انگلیسی، بدکاری را مجازاتی نیست.

به علاوه باید دانست که نظام سرمایه داری فعلی، دشمن خطرناکی در خارج از مرزهای خود ندارد. زیرا به نظر مارکوزه جهان کمونیست هواخواهان چین و همچنین شوروی سابق از نظر اقتصادی و سیاسی هم اکنون در

در این مقاله به نقد و بررسی نظام صنعتی در جامعه معاصر غرب از نظر هربرت مارکوزه فیلسوف آلمانی و از اعضای مکتب فرانکفورت می پردازیم.

در نظام صنعتی غرب، افراد جامعه از نقد عقلی محیط اجتماعی خویش ناتوان می شوند و علم محض به لحاظ گرایش خود به تکنولوژی نسبت به هر گونه مصرفی که ممکن است از آن صورت گیرد بی طرف است و به شکل یک ابزار نگریسته می شود. حوزه این علم، نسبی گرایی نظری است و گستره ای است که احکام ارزشی، در آن راه ندارد. عقل نظری به سازش عقل عملی درمی آید و با رفتار گرایی های رسمی و اجتماعی، سیر مشترکی را دنبال می کنند و جست و جوی شادی و برای انسان و ممکن ترین راه برای تحقق استعدادها و آرزوهای انسان مسایلی نیستند که در این حوزه باشند.

در این علم واژه کمال جای خود را به اصطلاح صرفاً علمی تحول داد و واژه تحول بر واژه کمال نیز شمول پیدا کرده است. پیشرفت علمی و صنعتی در جامعه غربی وسیله ای برای استیلا و حاکمیت شده است و بی شک بر این جامعه اصل سودجویی علمی به طور نظری و عملی، تسلط دارد و این خصوصیت آن را به صورت جامعه ای بسته درآورده و در ورای جنب و جوش ظاهری سیطره نظام کاملاً ساکن را می توان دید. با این اوصاف، نقد جامعه صنعتی غرب از دیدگاه مارکوزه صرفاً محدود به جوامع صنعتی در نظام سرمایه داری آمریکا و اروپا نیست. بلکه شامل جوامع با نظام سوسیالیستی و کمونیستی نیز می شود.

به نظر مارکوزه در جهان معاصر غرب، واقعیت تاریخی انسان از یاد رفته و وحشت از فاشیسم چون اندیشه سوسیالیسم همواره درک شرایط نخستین دموکراسی و معنای راستین آزادی به دست فراموشی سپرده شده است. در نتیجه، نظام دیکتاتوری و بوروکراسی سرنوشت جامعه گرفته اند و رژیم های فاشیست بر ملل آزاد جهان تسلط یافته اند. نظام کمونیست را لباس سوسیالیسم ظاهر شده و اجرای برنامه های بهزیستی مردم را تعهد کرده است! اصول و مبانی دموکراسی در حکومت های به ظاهر پیرو دموکراسی در غرب بی سروصدا از میان رفته، زیرا مفاهیم تاریخی و کهن این واژه ها جای خود را به تعبیرهای تازه ای متناسب با ذوق جامعه تکنولوژیک و انگدار کرده است.

مبانی فلسفی و حقوقی آزادی

اریک فروم و نظریه آزادی

ناصر کاتوزیان (قسمت دهم)

اریک فروم، در کتاب خواندنی گریز از آزادی به دلایل روانی و اجتماعی گریز از آزادی و پناه بردن به قدرت را در بعضی مردم توضیح می دهد و به گفته مترجم کتاب: «دادخواستی است که عناصر مخالف بارش و پرورش انسان و انسانیت را در جهان به پای محاکمه می کشد». فصل نخست کتاب درباره جنگ های آزادی در اروپا و آمریکا با این عبارت آغاز واقع می شود که پرسش اصلی و انگیزه نویسنده است:

«پیکارگران جنگ های آزادی، ستم‌پذیرگانی بودند که آزادی های تازه می خواستند و در برابر صاحبان قدرت قدر پراشته بودند... اما در این نبرد طولانی و تقریباً مداوم، طبقاتی که در یک مرحله در برابر ستم جنگیده بودند، وقتی پیروز گشتند و امتیازات جدیدی به دست آوردند، با دشمنان آزادی همراه شدند».

فروم، با مطالعه در تاریخ جنگ های آذادیشی و سرنوشت انقلاب ها و روی کار آمدن دیکتاتورهای همانند هیتلر و موسولینی، نتیجه می گیرد که گرد آمدن مردم به دور چنین مردانی نه نتیجه کمبود تربیت مردم برای استفاده از دموکراسی بود نه ثمره حيله این رهبران، پس باید دید به چه دلیل کسانی که پدرانشان در راه کسب آزادی می جنگیدند این چنین در راه گریز از آزادی مشتاق هستند؟ او در پاسخ این پرسش دشوار می گوید: «گذشته از دشواری های اقتصادی و اجتماعی که موجب ظهور و رشد فاشیسم شده، باید از عوامل درونی و روانی دلزدگی از آزادی و تمایل به سوی قدرت سخن گفت و دید چرا آزادی برای بسیاری هیفتی گرامی است و برای بعضی خطری بزرگ. آیا در نهاد انسان میل غریزی و جلی در باره تسلیم نیز وجود دارد و جاذبه پیشوا از همین علت نهانی سرچشمه می گیر د؟» به ویژه، سوال

نشاط

روزنامه‌های ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
تلفی صفری
سر دبیر
ناشر:الله شمس الله اعظمین
مدیر تحریریه
مدیر مدفاتی ارثی
معاون سردبیر
علی اکبر قاضی زاده
رئیس شورای سیاستگذاری
محمدرضا جلالی پور
مشاور کنترل کیفی
سید مرتضی مریدانه
مدیر پروژه
بازار ولی بیک
مدیر هنری
مکانر: سیمیا طبعی
نقد سراسریدیر
تایم سرمدی
پرسی صادقی

گروه دانشی
دبیر گروه - علیرضا جانی
معاون گروه - زامین رادانی
مکانران - عبدالله خاتمی فر - سها روحانی - محمد رضا سرداری - محمد قوچانی - محمد رفیر
گروه اجتماعی
مکانران - سیمیا سعیدی - ریحانه قاسم رشیدی
سرمد شماری خواجه - ملیحه محمدی - سعید اصغر زاده
گروه اقتصادی
دبیر گروه - کوروش رحیم خانی
مکانران - سیمیا رادمش - زهره خوش نمک
گروه فرهنگ و اندیشه
دبیر گروه - عبدالعزیز مژودشتی
مکانران - امیرحسین رنجبر - محمدقلی قزل سفلی
گروه ادب و هنر
دبیر گروه - لیلی فرهادپور
مکانران - حسن فرهادی
گروه بین الملل
دبیر گروه - حسن فتحی
مکانران - سلیلا زامانی - حبیله کاکریان - رضا یارویان

گروه ورزش
دبیر گروه - صدراالین کاتلی
مکانران - رضا کاتلی - مهین کرجی - وصال روحانی
گروه عکس
دبیر گروه - چشمدی یارماری
مکانران - ندا کشاورز - آرش محمدی - نازنین نور- نرینوشا تونکیان
طراح جدول
محمد حسین دیزجی
صفحه رانی: مهناز بزرگی - نوشین کربلایی - ندا دانش - مریم بوروش
راحه میر جعفری - رضا محبی
حروف چینی سرپرست: سید حمید انخزاریان
سونا حقانی - لیلی جعفری - علی نفی ژاد - شاپور ساج
اشرف ساربخانی - محمدحزین - حمیدعلی قنایان - حسن کرمی - ناصر سعیدیان - مرتضی غلامی - یاسر ولی بیک - احسان صابغ منقر
گروه تصحیح سرپرست: کیووش عوی
مکانران - امیر اکری - فرامرزبهار - حسن رحبی - صالح صادقی - مهین قدم - فرهنگ شهبازی - مهرنوش ناصری - محمد تقیضی
حذفیات: چوانکرصفاقی - سعید مفریز - امیر سانداری - خالد قاروری - الماسی - هدایت یوسفی - محمدرضا الله وردی - ضیام محمدی - تقی انبایش

فرهنگ و اندیشه

قوانین طبیعی، ثابت معنای دیگری نمی دهد. «تمدن هر چه بیشتر پیشرفت کند، بیشتر طبیعت بشری را به نمایش می گذارد، بالاترین درجه تمدن تمدنی است که در آن بیشترین سازگاری با طبیعت میسر باشد. پیشرفت تاریخی یک پیشرفت طبیعی است و در چنین حالتی تابع قوانین طبیعی می شود. «پس پیشرفت، همان سامان است». سامانی که در مراحل تاریخی خود به تناسب سن رشد بشریت معاصر آن و تا حدی که نظام مقتضیات آن اجازه می دهد کامل است به طوری که یک هماهنگی طبیعی، نه تنها در اجزای تشکیل دهنده طرح اجتماعی بلکه در امکانات بشری درون آن و تحقق این امکانات نیز وجود دارد به علاوه فراگرد سازگار ساختن نظریه اجتماعی با شرایط موجود، مستلزم این است که نظریه اجتماعی، جنبه ای نسبی گرا یافته باشد.. به همین لحاظ است که گرایش سامان نگری در جامعه غربی معاصرهمواره به دنبال «جایگزین ساختن نسبی به جای مطلق» در همه جا و همه زمینه ها است. زیرا بر آن است که دانش کامل مصادف با تکمیل پیشرفت علمی است و تا پیش از چنین تکمیلی هر دانش و حقیقتی به ناگزیر جزیی و متناسب با سطح تحول عقلی موجود، نسبی است و از آنجا که تحول اجتماعی اساساً به تحمل عقلی تفسیر می شود، نسبی گرایی بین جنبه ذهنی و روش شناسی و جنبه عینی محتوایی یک هماهنگی از پیش مستقر برقرار می کند. بر این اساس همه صورت ها و نهادهای اجتماعی موقت و به صورت نهادهای دیگر که متناسب با ظرفیت عقلی پیشرفته تری باشند، تبدیل می شوند. این مشخصه علاوه بر این که نشانه ای از نسی بودن آنها در جامعه است، ناشی از تکمیل نبودن نهادهای اجتماعی نیز هست. به علاوه با توجه به نظریه مثبت اقتدار در جامعه معاصر غربی «کوشش های انقلابی برای ایجاد و برقراری یک سامان اجتماعی نوین، جایی ندارد». «تألیفیه مثبت در غرب بر این هدف است تا سامان و پیشرفت را با هم آشتی دهد و ارضای مشترک نیاز به سامان و نیاز به پیشرفت را میسر سازد. «این کار تنها با نشان دادن این واقعیت می تواند انجام پذیرد که پیشرفت همان سامان است که نه با انقلاب بلکه با تکامل طبیعی صورت می پذیرد. از این روی، تحول تاریخی نیز به صورتی درمی آید که به جز یک تکامل هماهنگ سامان اجتماعی تحت

مشرکی است. از نظر مارکوزه هدف غایی این بنیاد درواقع تأیید و تحکیم سامان اجتماعی در غرب معاصر است، سامانی که به طور اساسی، چه به معنای اجتماعی و چه به معنای روش شناختی خود، محتوایی توتالیتر دارد. «قوانین پورتیوینیستی آن ایجابی و ثابت هستند و اساساً جامعه شناسی پوزیتیویستی به خاطر مفهوم سامان مبتنی بر ایستایی شناسی اجتماعی است و به دلیل مفهوم پیشرفت آن، پویایی شناسی اجتماعی است و با برقراری یک هماهنگی حقیقی و ثابت میان اوضاع گوناگون موجود در جامعه همساز است. از آنجا که این هماهنگی وجود دارد باید به سامان موجود در جهت اصلاح مقتضی اندیشید و نه در جهت بازآفریدن آن

اهل قلم / اهل کتاب

گفت وگو با اکبر افسری مترجم کتاب

جهان، متن، منتقد

نویسنده: ادوارد سعید

ناشر: توس

اشاره: در جهان معاصر معدودند متفکرانی که از شرق پر خاسته باشند و در عین اشراف به زوایا و پیچیدگی های فرهنگ شرق، جای خود را در فرهنگ غرب هم به خوبی باز کرده باشند. ادوارد سعید یکی از برجسته ترین آنهاست. با اکبر افسری، مترجم کتاب سعید، به گفت وگو نشستیم.



برای ما از شخصیت ادوارد سعید و افکار و اشخاصی که بر او تأثیر گذارده اند، بگوئید.
«ادوارد سعید منتقد ادبی، فعال سیاسی، چهره رسانه ای، استاد ممتاز و مدعو تعدادی از دانشگاه های معتبر جهان است. موافقانش از او به عنوان «پدیده ادوارد سعیده»، ناقد درجه اول سلطه طلیس غرب (سنجشگر، نه مخالف فرهنگ آن) و روشنفکری جهانی نام برده اند و مخالفانش او را مداخله کننده در تخصص ها، افراطی و تندرو نسبت به شرق شناسان و نظرهای آنان دانسته اند. البته صهیونیست ها به جد و هزل او را پرفسور ترور نامیده اند. در نقد، تأثیر گذاران بر او عبارتند از: بلاک مور [بلاکمر] استاد زمان تحصیل سعید در دانشگاه کمبلیا و از پیشروان نقد نو، گئورگ لوکاچ منتقد معروف در کلیات فرهنگ، ابن خلدون، ویکو و میشل فوکو و سی رایت میلز جامعه شناس.

شاید مهم ترین دلمشغولی سعید در این کتاب را چیست و جوی نسبت میان سه جزئی داشت که در عنوان کتاب آمده است: یعنی «جهان»، «متن» و «منتقد». به نظر سعید چه نسبتی میان این سه جزء وجود دارد؟
«سعید نقد ادبی را بازناب سه جزو جهان عینی، متن (ادبی، هنری، مذهبی و فرهنگی و غیره) و منتقد می داند. این سه از هم تفکیک ناپذیرند اما نقطه تعادل این هر سه، به قول خود سعید منتقد است. منتقد است که تدارک کننده «انقلاب زیبایی شناختی» است اما این منتقد در واقع نماینده یک جریان انتقادی به نام جریان «آگاهی انتقادی» است. این آگاهی مثل هوادر فضا مثل قانون در جامعه، بدون آن که چندان دیده شود در کل نظام فرهنگی و از جمله ادبیات در جریان است. کم و کیف، سبکی و سنگینی، ضعف و قوت آگاهی انتقادی بستگی به تلاش ها و استعداد فردی منتقد دارد.

آگاهی انتقادی به هیچ جزو اندیشی و ایسم و... وابسته نیست. نام دیگر این آگاهی نقد عرفی است. نقدی که در این جهان است (هم مادی و معنوی) و بیش از هر چیز مثل خود زندگی روزنه های شک بر آن باز است. این است که سعید در این کتاب می گوید من از چهار شیوه مسلط نقد بر جهان امروز: نقد روزنامه ای، نقد تفسیری، تاریخ ادبی و ارزشیابی آثار و بالاخره نظریه پردازی، تا آنجا که در توانم بود توشه برداشتم، اما سعی کردم که از این چهار، گامی فراسو نهم.

این کتاب چه نقش و جایگاهی در میان سایر آثار سعید دارد؟

«ادوارد سعید خود، آثارش را به دو دسته تقسیم کرده است: آثار عقیدتی - سیاسی (او هرگز از دفاع از فلسطین و شرق و تعهد نسبت به سیاست دست نکشیده است) مانند «شرق شناسی»، «اسلام در رسانه ها» و «مسئله فلسطین» و آثار فرهنگی و آکادمیک و به ویژه نقد ادبی مانند کتاب «سراغزها» و «ادبیات و جامعه» و «جهان، متن و منتقد» که مهم ترین آن ها در این زمینه است. پس به طور خلاصه جایگاه این کتاب در رأس هرم آثار اوست. کتاب دیگر را به نام فرهنگ و امپریالیسم تا حدودی در طبقه بندی اخیر قرار می گیرد. این که می گویم تا حدودی زیرا سعید این اواخر همین تقسیم بندی را قبول ندارد و می گوید: «همه مسئولیت ها را یکباره باید انجام داد!» می گوید: «من میان سیاست و موسیقی هم رابطه می بینم. سعید خود یک ناقد موسیقی است. کتاب «پرداخت های موسیقایی» او همین رابطه مقتضیات با جامعه موسیقی در قرن نوزدهم را شرح می دهد.

از اثر دیگر او که تصور می کنم شاهکاری از اختلاط «نقد» و «زندگی نامه شخصی» و «مقتضیات» باشد که بیوگرافی اوست به نام «سفری به درون» نیز باید نام برد، که با اوج گرفتن بیماری سرطان خون او به پایان خود نزدیک می شود و مؤسسه های انتشاراتی آمریکایی برای قرارداد انتشار آن با هم مجادله دارند! او ۶۴ سال پیشتر ندارد و امید است آنچه که استاد درخسته ادبیات تطبیقی آمریکاییترنر که مضامین آن از او در همین کتاب چاپ شده است، می گوید درست از آب درآید: «ما هنوز تا پایان دوران درخشش استعدادهای سعید بسیار فاصله داریم».

از قول ریوند و ویلیامز منتقد سرشناس فرهنگ در بریتانیا به طور خلاصه بگویم: «جهان، متن منتقد» نشان می دهد که «ادوارد سعید نه تنها به دقت مطالعه ای نه چندان ساده را انجام داده است، بلکه از مرز آگاه شدن و آگاهی دادن گذر کرد. و با نقد نظر دیگران راه های جدید فکر انتقادی را گشوده است. تصور می کنم همین جایگاه کتاب است که باعث شد در ۱۹۸۴ این کتاب بهترین جایزه نقد ادبی آمریکا را که به اسم «رنه ولک» منتقد معروف است، به دست آورد.

به نظر می رسد سعید منتقدان خاصی هم دارد. آثار و افکار سعید بیشتر از چه موضوعی نقد شده اند؟

«منتقدان سعید یا بر دخالت او در رشته های مختلف تخصصی اشاره دارند؛ به ویژه زانساناسیکه البته مفسران سعید در این مورد اشتباه کرده اند؛ چه سعید نه تنها ادعای تخصص ندارد بلکه سوءاستفاده از تخصص را یکی از اشتباهات و گمراهی های جهان غرب می داند. (اشتباه محاسبه های آمریکا درباره ایران در کتاب «اسلام در رسانه های» او نشان دهنده آن است که در برابر «مسئله فلسطین» سعید دولت از ناحیه بزرگان دانشگاهی و نظریه پردازان متخصص است) او از نتایج تخصص ها در علوم انسانی با ابزار «آگاهی انتقادی» استفاده کرده است و هر آدم مستقل الرای به دروغ همه متخصصان جهان حق آن دارد که اظهار نظری بکند! منتقدان دیگر سعید بر نظرهای او در «شرق شناسی» خرده می گیرند؛ مثلاً در بین غربیان بر نارد لوئیس، اثری به طنز دارد به نام «مسئله شرق شناسی» در برابر «مسئله فلسطین» سعید و در آن او را فرد برمدلی که خود را مسلط به فرهنگ و زبان عرب می داند، معرفی کرده است یا «زبانهارلو»، بی آن که از مخالفان سعید محسوب شود، درباره او گفته است: همه ایداهلی که ادوارد سعید به سخت کیشی مردانه سرعیتی گرفته است در مورد خود او صادق می کند. در حالی که طر فیداری سعید از نقد کمونیستی از هر منتقد دیگری با حرارت تر است! نیز «کلیفورد» نامی از مستشرقان جدید و یکی دو تن از مستشرقان ایتالیایی و حتی دو سه تن از هموطنان در مجلات فرنگی فضایی یافته اند و به این شرقی تبعیدی تاخته اند.

مهم ترین منتقد سعید از خود شرق است. پروفیسور اعجاز احمد از «مؤسسه مطالعات و پژوهش های معاصر هند» که مقاله ای در صد صفحه علیه شرق شناسی و به طور کلی اندیشه های ادوارد سعید نوشته که تصور می کنم اگر فرصت باشد شایسته ترجمه است. ولی تصور نمی کنم در برابر بزرگان قوی «ریوند و ویلیامز» مهم ترین منتقد ادبی امروز انگلیس، و هارولد بلوم، مطرح ترین منتقد ادبی آمریکا، که به ستاندگان ادوارد سعید هستند، مخالفان او چندان درخششی داشته باشند.

سازمان آگهی ها

مدیر گروه: علی اکبر فرناد همکاران: عباس غیاثوند، سید سعید هاشمی طباطبایی، امیربهمن علیخانی، محمدرضا جمال امیدی، حسین اولیا
هایده شریفیان، هرمز شریفیان، امیرحسام مدیری، شهذخت کرباسیان، علیرضا نوروزی، احمد کمالی، منصوره قزوینی، مریم حسینی
امور فنی و نظارت: محمدحزین، حمیدعلی قنایان، حسن کرمی، ناصر سعیدیان، مرتضی غلامی، یاسر ولی بیک، احسان صابغ منقر
نصرت الله رحمتی، خلیل آذر افکار، حسن شریفی، بهنام امینیان
گرافیک و کامپیوتر: زهرا روغنی، سوکند صدیقی، میثا عسکری

آدرس: دفتر مرکزی و سازمان آگهی های نشاط
خیابان ولی عصر دوروی جام جم - خیابان شهید طاهری پلاک ۱۵
تلفن: ۲۰۴۰۱۵۷ - ۲۰۴۰۴۲۲ - ۲۰۴۱۷۹ - ۲۰۴۱۷۹
شماره: ۲۰۴۰۴۲۲
امور توزیع: شرکت نشر کسپر روز، تلفن: ۸۸۶۲۵۲۰۴
امور چاپ: شرکت چاپ صنعت ۶۸۸۷۱ - شرکت نشر چاپ تهران ۶۶۳۳۱۷۸

بهای سنگین صلح در خاورمیانه

حسام الدین امامی



در واقع هدف اصلی حکومت های اسرائیل از ابتدا علم کردن فلسطینی در برابر فلسطینی بوده است هر چند عرفات در این راه از هیچ کوششی خودداری نکرده و از سال پیش بدین طرف به حماس اعلان جنگ داده ولی باز هم خیال اسرائیل آسوده نیست و تا یک نفر از مبارزان «حماس» یا انتفاضه زنده است، باز هم تضمین های عرفات را نمی پذیرد!

واشنگتن در بیشتر مواردی که اسرائیل در مذاکراتش با اعراب خارج از قوانین بازی های دیپلماسی رفتار کرده به عنوان ترمزی عمل می کرده است ولی حزب لیکود مدعی بود که اگر آمریکا دخالت نکند او می تواند با سیاست های خشن خود نظرش را بر فلسطینی ها تحمیل کند اما گذشت زمان بطلان این نظریه را به اثبات رساند

آدمی به هر درجه ای از دانش و هوشیاری برسد، باز هم ممکن است «ظاهر» اشخاص، اشیاء و اسامی او را فریب دهند و گمراه کنند. تصور می رود برداشتی که پاره ای از رهبران عرب از حزب کارگر اسرائیل، باراک و دشمنان مبهم و غیر شفاف او دارند، مصداقی از واقعیت بالا باشد. هر چند که «باراک» طی انتخابات ۲۷ اردیبهشت آن کشور اندک اشاره ای در مورد مسایل حساس فیما بین بیت المقدس، آوارگان، عقب نشینی از پاره ای از مناطق اشغالی مندرج در موافقتنامه «وای ریور» نکرد، ولی مبارک و اسد از وعده های او با انتظاری بیش از حد استقبال کردند و تعارفات و تحصیل هایی که میان آنها مبادله شد هرگز میان هیچ رهبر عرب (به جز سادات) با رهبران اسرائیل صورت نگرفته بود. یاسر عرفات را از این هم فراتر نهاده و باراک را دوست عزیز خطاب کردا چه بسا که مدتها قبل از روی کارآمدن باراک در پشت پرده مذاکراتی میان اسرائیل و پاره ای از رهبران عرب جریان داشته و در جایی منعکس نشده است.

اما ظواهر امر و سخنانی که باراک از زمان مبارزات انتخاباتی اش تاکنون بر زبان رانده همراه با اظهارات مشاوران او امید چندان را بر برنی انگیزد. وی طی مبارزات انتخاباتی اش بطور مبهم و به صورت «کلی گویی» از شروع مذاکرات سخن گفت ولی اندک اشاره ای به این مسأله نکرد که خطوط کلی برنامه صلح او بر چه منوال است طی دستورالعملی که به اعضای کابینه خود داده به مواردی اشاره کرده است که ممکن است در مذاکرات صلح به عنوان خطوط اصلی قرار گیرد منجمه:

۱- شهرک سازی را در غزه و

محافل مختلف اسرائیلی متوسل شده اند. تا دیروز حزب کوچکی به نام «راه سوم» وجود داشت که برنامه اش کمک به استمرار شهرک سازی و دفاع از ماندگاری شهرک نشینانی بود که به طور غیرقانونی در آن جا مستقر شده اند. خوشبختانه حزب یاد شده، در انتخابات اخیر هیچ کرسی بدست نیاورد و در به روی شهرک نشینان بسته است.

از قرار معلوم سوریه حاضر است برای بیرون رفتن اسرائیل از جولان نرملشی نشان دهد. بدین معنی که منطقه ای «حائل» را میان مرز مشترک دو کشور پدید آورد که قوای حافظ صلحی در آن مستقر باشند.

آینده لبنان

اما دشواری عمده سوریه در همان مواردی است که اسرائیل آن را تضمین های امنیتی می خواند. اسرائیل بیش از «جولان» نگران لبنان است. در لبنان «حزب الله» با عملیات پیگیر و مستمر خویش مز دوران اسرائیل را به ستوه آورده است. مسلماً هر نوع تضمین امنیتی در برابر اسرائیل شامل برون رفتن عناصر وابسته از خاک لبنان است و سوریه هم متقابلاً در کنار لبنان مجبور است، در مورد هنوز بین طرفین اختلافاتی در این مورد وجود دارد که اسد و رابین بر سر چه مسایلی توافق کرده بودند. این موضوع احتیاج به تفسیر دارد ...

ظاهر منظور از تفسیر تعیین تکلیف مشکلاتی است که اسرائیل خود موجب آن بوده است باید دانست که حکومت های گذشته اسرائیل در منطقه جولان هم برای خود «ایجاد حق» کرده و شهرک هایی پدید آورده اند. هم اکنون ۱۷۰۰۰ یهودی در شهرک های مزبور ساکنند که برای ماندگاری خود در آنجا به

عقب نشینی کامل

اسرائیل برای این منظور گفته است که باید معلوم شود که سوریه در مورد جولان، مسأله تقسیم آب، مرز دو کشور، بازگشایی سفارتخانه ها و ترتیبات امنیتی چه امتیازاتی خواهد داد. با تضمین کامل امنیتی مناطق شمالی اسرائیل از جانب لبنان است که اسرائیل طی یکسال قوای خود را از منطقه «حائل» میان دو کشور بیرون خواهد کشید.

روزنامه «الشوره» ارگان حزب حاکم بعث سوریه در برابر زمزمه های فوق هفته، پیش خاطر نشان ساخت که سوریه به چیزی کمتر از عقب نشینی کامل اسرائیل از جولان راضی نخواهد بود. صلح در برابر زمین شعار دیرینه است و بدون تخلیه کامل «جولان» که در قطعه نامه های شماره ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت مشخص گردیده، سوریه مذاکراتی را آغاز نخواهد کرد.

مذاکرات باید دنباله همان مذاکراتی باشد که با حکومت کارگری اسرائیل صورت گرفت و در ۱۹۹۵ با ترور اسحق رابین متوقف گردید. ولی دانی یاتوم مشاور امنیتی باراک می گوید:

هنوز بین طرفین اختلافاتی در این مورد وجود دارد که اسد و رابین بر سر چه مسایلی توافق کرده بودند. این موضوع احتیاج به تفسیر دارد ...

ظاهر منظور از تفسیر تعیین تکلیف مشکلاتی است که اسرائیل خود موجب آن بوده است باید دانست که حکومت های گذشته اسرائیل در منطقه جولان هم برای خود «ایجاد حق» کرده و شهرک هایی پدید آورده اند. هم اکنون ۱۷۰۰۰ یهودی در شهرک های مزبور ساکنند که برای ماندگاری خود در آنجا به

می کرد این بود که می گفت فلسطینی ها مواد موافقتنامه «وای ریور» را نقض کرده اند و ما هم متقابلاً مواد آن را اجرا نمی کنیم. باراک، هم ظاهرأ همین مسأله را با عبارت دیگری برزبان رانده و گفته است که وقتی به اجرای مفاد مزبور از جانب حکومت خودگردان مطمئن شود، او هم مواد قرارداد را اجرا خواهد کرد. در حال حاضر «حماس» و مبارزان آشتی ناپذیر آن، بزرگ ترین خطر را برای اسرائیل دارند. از سال گذشته بدین طرف حکومت «عرفات» در راه تأمین «تضمین های امنیتی» مورد تقاضای «تل آویو» تیغ خصومت را علیه «حماس» کشیده است. هم اکنون بیش از ۸۰۰ تن از مبارزان سرشناس «حماس» در زندان های «عرفات» در غزه و ساحل غربی هستند و هر روز بر تعدادشان افزوده می شود.

در واقع هدف اصلی حکومت های اسرائیل از ابتدا علم کردن فلسطینی در برابر فلسطینی بوده است. هر چند عرفات در این راه از هیچ کوششی خودداری نکرده و از سال پیش بدین طرف به «حماس» اعلان جنگ داده ولی باز هم خیال اسرائیل آسوده نیست و تا یک نفر از مبارزان «حماس» یا انتفاضه زنده است، باز هم تضمین های عرفات را نمی پذیرد!

عدم دخالت آمریکا

آنچه که بیش از همه خاطر رهبران خوشبین عرب را آشفته کرده، اصرار «باراک» به عدم

دخالت آمریکا در هر نوع مذاکره ای است. در بیانیه مشترک او و کلینتون در واشنگتن، امتیازات متعددی به نخست وزیر اسرائیل داده شد که: ۱- تحکیم بیشتر روابط استراتژیکی دو کشور ۲- تضمین امنیت اسرائیل از جانب آمریکا ۳- کمک مالی آمریکا برای ساختن موشکی قاره پیم - حدود ۲۰۰ میلیون دلار ۴- کمک ۱/۲ میلیارد دلاری برای اجرای مفساد موافقتنامه «وای ریور» کمک ها و تضمین های مزبور به منظور «حرف شنوی» باراک از آمریکاست که سیاست یکدنده «ثانیانو» اعتبار آن را میان کشورهای عرب به مخاطره افکنده بود.

واشنگتن در بیشتر مواردی که اسرائیل در مذاکراتش با اعراب خارج از قوانین بازی های دیپلماسی رفتار کرده، به عنوان «ترمزی» عمل می کرده است. ولی حزب «لیکود» مدعی بود که اگر آمریکا دخالت نکند، او می تواند با سیاست های خشن خود، نظرش را بر فلسطینی ها تحمیل کند. اما گذشت زمان بطلان این نظریه را به اثبات رساند.

شکست حزب «لیکود» و پیروزی بی سابقه حزب کارگر با ۵۶ درصد آرا و ۷۵ کرسی از ۱۲۰ کرسی پارلمان اسرائیل مبین خستگی مردم از حالت جنگی کشور و خصومت های ۵۰ ساله و

هواپیمابازی «انتبه» - اوگانادا خشونت زیادی نشان داد و به خاطر همین جساتش بیش از هر افسر اسرائیلی از نشان و تقدیرنامه برخوردار بوده است. در ۱۹۹۲ رابین او را برای جانشینی خود پرورش داد. چرا که هر دو به این نتیجه رسیده بودند که مذاکره برای قرارداد صلح، به جای ادامه اشغال، می تواند بهترین راه تأمین امنیت اسرائیل باشد.

آن ها هر دو معتقد بودند که چنین هدفی جز با سرکوبی فلسطینی ها احراز نخواهد شد و به همین دلیل بود که در همان سال هنگامی که قیام عمومی ملت فلسطین علیه اشغالگران به اوج خود رسیده بود، باراک با اعزام جاسوسان اسرائیلی به غزه و ساحل غربی و ترور سران زیرزمینی شورش توانست آن را سرکوب کند. عملی که از سوی سازمان بین المللی حقوق بشر به شدت تقبیح شد. با همه این ها «باراک» ۴۱۵ تن رهبران «حماس» را از فلسطین تبعید کرد. و بالاخره در ۱۹۹۳ برای سرکوب «حزب الله» دهکده های جنوب لبنان را با خاک یکسان کرده و ۱۲۷ تن را به قتل رساند. با توجه به چنین سوابقی، آیا «باراک» برای رسیدن به صلح، راهی جدا از اسلاف خود انتخاب می کند و یا ایسن که روح نظامی گریش برنامه های او را تحت الشعاع قرار خواهد داد؟ شرایط زمانی، راه مسالمت را به او تجویز می کند.

شرکت صنایع بتون شیمی مبنا (سهامی خاص)

نظر ادارات، ارگانها و سازمانهای دولتی، شرکتهای معظم انبوه ساز، پخش کنندگان کالا و عموم شهروندان گرامی را به آگاهی خود جلب مینماید.

اولین تولید کننده کنیتکس آ لکیدی (روغنی) ویژه نمای خارجی ساختمان و کنیتکس موولیت

(پلاستیک) ویژه نمای داخلی ساختمان و کنیتکس ضد زنگ ویژه سطوح پشت بامها و شیروانی ها

و کنیتکس عایق رطوبتی ویژه سطوح در معرض بارش باران در ۳۲ رنگ بسیار دیدنی بعلاوه

کنیتکس روغنی زرین (طلایی) و سیمین (نقره ای) با ۵ سال ضمانت واقعی، دارای پروانه بهره برداری

از اداره محترم صنایع استان مازندران بشماره ۴۸۴۵-۳۸۸ در بهترین کیفیت ممکن، مفتخر است

تا آ غاز تولید و بهره برداری خود را به اطلاع عموم مردم عزیز، سازمانها ارگانها و ادارات دولتی،

شرکتهای انبوه ساز، شرکتهای پخش کالا، پیمانکاران ارجمند، فروشگاههای رنگ در اقمی نقاط کشور

اسلامیمان ایران، با عرض ممیمانه ترین تبریکات و شایسته ترین درودها برساند.

ما افتخار میکنیم که قدمی هر چند کوچک در جهت رونق بخشیدن به صنعت ساختمان برداشته ایم.

محصولات ما را با نام مبنا کنیتکس بشناسید

تولید

اجرا

تلفن دفتر مرکزی و کارخانه مازندران: نور ۲۳۴۸۸-۰۱۹۶۴ دفتر فروش تلفکس: ۲۲۰۷۳-۰۱۹۶۴

با یک تماس تلفنی یا مکاتبه ما را از نزدیک بشناسید

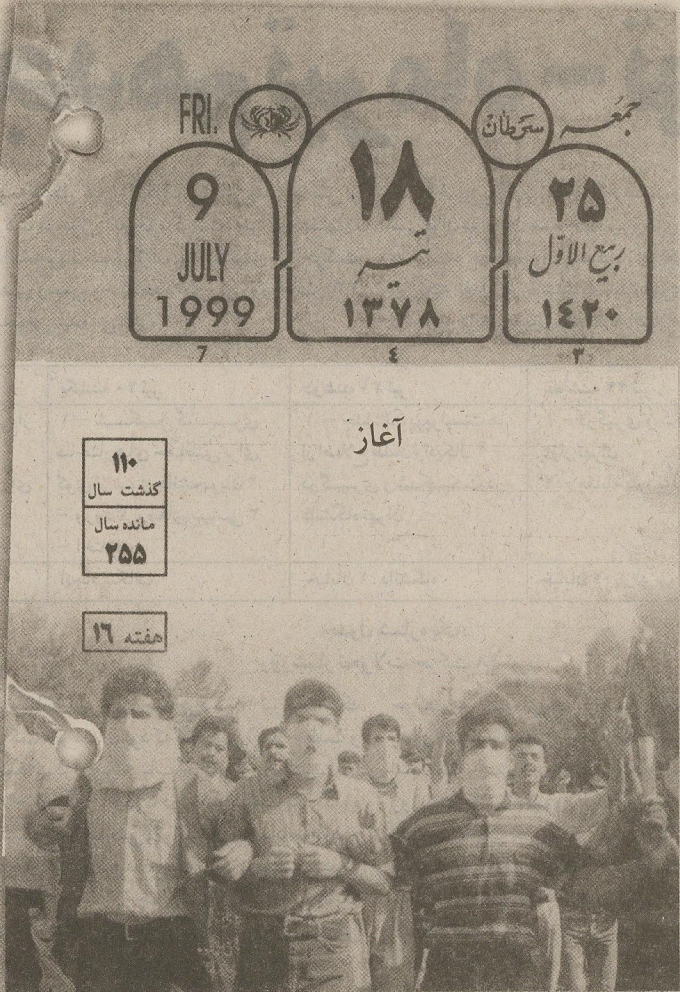
دوره کامل آموزش Max Studio
طراحی و انیمیشن سه بعدی
طراحی گرافیک PhotoShop
۲۵۳۸۷۹۲

مجموعه آموزش شی ورز شی طلیعه
جهت ترم تابستانی مرداد ماه
شامل آردوی تابستانی و کلاسهای آموزشی برای نوجوانان عزیز
همه روزه ثبت نام می کند
تلفن: ۲۸۳۰۱۳۳

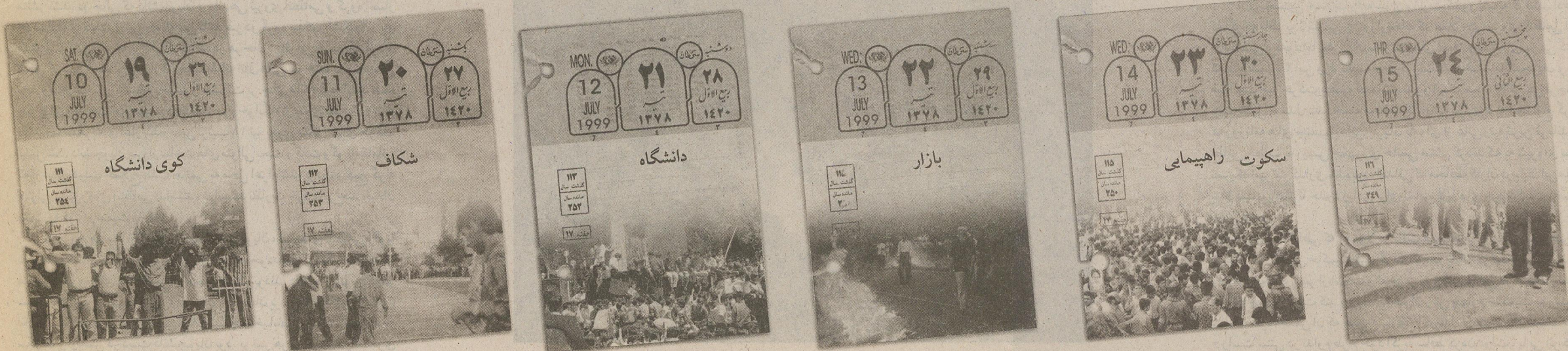
۱۳۶۶
مراکز دانشگاهی - آموزشی کشور
استادان دانشگاههای کشور
نویسندگان
مترجمان
ناشران و تولیدکنندگان کتاب
اگر می خواهید اثری را چاپ و منتشر کنید؛
سطح کشور توزیع نمایید؛
کتاب خود را به ما بسپارید
ما در چاپ و نشر و توزیع در کنار شما هستیم
شرکت مرکز تولید فنی کتاب ۷۲۴۸۸۳-۷۱۸۴۳۶-۰۲۵۱

ویژه نامه

روزه‌هایی قرمز سیاه یا سفید؟



عکس‌ها از: نیوشا توکلیان



با دانشجویان، با حاکمان

فرهاد بهیانی

می کردند» (اطلاعات ۲۴ تیرماه). آیا این سخن، ترویج بی قانونی و خشونت نمی‌کند؟ ما اگر قانون و ارکان اجرای قانون در این مملکت داریم، هیچ گروهی را نباید که با دریافت فرمان به خیابان‌ها ریخته و مردم را بکشد و اگر آن گونه نظام‌ها را اشاعه می‌دهیم که در این صورت سخن از قانون و ضوابط بی‌معناست. به علاوه این سخن معارض گفته انتهای ایشان است که قانون‌نگری و قانونمداری حرکت می‌کنیم!

۲- رئیس جمهوری گفته است که «با خشونت نیز می‌توان بدون خشونت برخورد کرد» که دوا و چاره بسیاری از مشکلات کشونی ما در همین سخن نهفته است. در این ارتباط لازم است که در درجه اول به نیروی انتظامی و مأموران امنیتی، تمرین تحمل رفتارهای نامأنوس و حتی اهانت‌آمیز داده شود. چنان‌که در کشوری مثل انگلستان به نیروی پلیس آموزش می‌دهند تا در برابر انواع فحاشی‌ها و تهاجم‌ها خونسرد و متبسم باقی بماند. فقط حملات را از خود دفع کند. اما ما نه تنها در این عوالم نبوده‌ایم، بلکه در برابر جمعیت بی سلاح، اسلحه به دست نیروی انتظامی می‌دهیم و مأموران خود را در استفاده از اسلحه آزاد می‌بیند! واقعا هیچ فکر کرده‌ایم که مقابله با جمعیت بی سلاح چه نیازی به اسلحه گرم دارد؟

۳- بالاخره به نظر می‌رسد که آقای هاشمی رفسنجانی به نحو مطلوب قضیه را جمع کرد که «کینه‌های جناحی از حد گذشته و عینیت‌تر شده‌است... اگر کار به جایی برسد که نتایج آن را در خیابان‌های تهران و برخی جراید خوشبختانه همسکاری‌ها و همدلی‌هایی در راهپیمایی مردم دیدیم که مایه امیدواری نظام شد... وارد صحنه شوند» (اطلاعات ۲۴ تیرماه). با این گفته باید امیدوار بود که به لطف خدا جناح‌ها به تفاهم رسیدند و از این پس - حداقل تا مدت‌ها - شاهد درگیری‌ها و لطامات خیابانی در سطح شهرها نخواهیم بود.

بجای مقدمه

هیچدم تیرماه واقعه ای است که گرچه نخست برخورد با آن را برخوردی از سر احساس و عاطفه، خشم و خشونت صورت می‌گیرد اما به هر میزان که از آن فاصله بگیریم به تجربه قابل تأمل‌تر تبدیل می‌شود. تجربه ای برای اصلاح طلبان و محافظه‌کاران، تجربه روزهایی قرمز، سیاه یا سفید؟ (کسی چه می‌داند؟) برای دانشجویان و حاکمان. تجربه هیجده تیر ماه هیچ گاه فراموش نمی‌شود حتی اگر چندان با آن بر سر مهر نباشیم. روزنامه نشاط در این ویژه نامه کوشیده است با نگاهی توصیفی و جامعه‌شناختی به هیجده تیر بنگرد با زاویه دید مستقل و البته انتقادی.

گروه داخلی - صفحه مسائل ایران

تربیون

تخریب دارند و به صورت زیرزمینی فعالیت می‌کنند یا در خارج از کشور فارغ از هر قید و اصولی هر سخنی به زبان می‌آورند، بسیار متفاوت است. ۲- مسلماً دانشجویان باید می‌دانستند که امکان نفوذ عناصر آشوب طلب بین آنان زیاد است و نمی‌بایستی که میدان مانور برای این عناصر فراهم می‌کردند. در این ارتباط ترک حریم دانشگاه و گشاندن دامنه اعتراضات به خیابان‌ها یک اشتباه بود. این، دقیقاً همان کاری بود که حریف انتظار آن را می‌کشید تا با اختلاط در صفوف دانشجویان و

داستان غم‌انگیز هجوم شبانه گروه‌های فشار و بخشی از نیروی انتظامی را به خوابگاه دانشجویان، همه می‌دانند و نیازی به شرح و تفصیل آن نیست. خوشبختانه همه مشخصیت‌های نظام این حادثه را محکوم کردند و بنابر اطلاعیه شورای امنیت ملی (خرداد ۲۰ تیرماه ۱۳۷۸) ابعاد و علل و عوامل پیدا و پنهان واقعه و برخورد با آن‌ها و همچنین جریان خسارات وارده به دانشجویان، در دست رسیدگی است. در این نوشته حوادث استثنایی که بعد از آن حادثه روی داد

چگونه انقلاب کنیم!

سیدمرتضی مریدیها

اثرگذاری آن محصول استقلال آن از جریان‌ها و جناح‌های سیاسی کار قدرت است؛ دانشجویان زمام خود را به دست هیچ کس (نه قهرمانان و نه ضد قهرمانان سیاسی) نمی‌دهند تا از پتانسیل آنان در جهت منافع حزبی سودجویی شود. این‌ها سخنان زیبایی است ولی یک خطای راهبردی جای در پشت آن روی نهان کرده است. استقلال جنبش دانشجویی وقتی معنا دارد که خواسته‌های آن صرفاً صنفی باشد. اگر خواسته‌ها، سیاسی - اجتماعی است (که ظاهراً هست) و اگر این خواسته‌ها مشترک و هماهنگ با کل پروژه اصلاح است (که دلیلی علیه آن در دست نیست) وصف استقلال برای این جنبش یک وصف منفی است. کمترین ره‌آوردش این است که جبهه اصلاح طلب برای به رسمیت شناختن این استقلال، پشتیبانی خود را از جنبش دانشجویی پس خواهد گرفت. پروژه اصلاح از پایداری به نام استقلال طلبی در ادبیات نیروهای ضد آزادی به حد کافی ضربه خورده است. دلیلی وجود ندارد که نیروهای آزادیخواه که جنبش دانشجویی جزء مهم آن است بر این مشکل بیفزایند. دانشجویان، برشی از مردم هستند و



طبیعتاً مثل مردم گرایش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت دارند.

وی همان طور که اکثریت قریب به اتفاق مردم، به طور کلی پشتیبان اصلاحات و هماهنگ با دولت و اجماع روشنفکران هستند، دانشجویان هم چاره‌ای جز این ندارند.

عواقب نامطلوب حادثه کوی دانشگاه نشان داد که استقلال طلبی جنبش دانشجویی راه را برای رادیکالیزه شدن آن و نادیده گرفتن ظرفیت‌های موجود برای تغییرات بازمی‌کند. اگر جنبش دانشجویی انقلابی را که از آن سخن گفتیم در خود صورت دهد، اولین نتیجه آن است که از آفت استقلال رها خواهد شد و بدون این که به یک اهرم سیاسی تبدیل شود، در هماهنگی با نخبگان سیاسی - فکری کشور عمل خواهد کرد. اگر چنین شد نتیجه دیگر این خواهد بود که از راه‌حل‌های کوتاه و سریع برای مسایل بزرگ و غامض دوزی خواهد جست و اجازه نخواهد داد زیبایی و دلربایی اهداف چشم‌ها را از بررسی علمی و عقلی ابزارها و روش‌ها ببیند.

در واقعه کوی دانشگاه از بعضی شعارها -ی بازگشت به عصر ایدئولوژی و میل به نفی یکباره واقعیت به نفع آرمان‌ها می‌آمد. این عصر، گذشته است.

از ادبیات انقلابی سازش‌ناپذیری باید کناره گرفت. هیچ جنگی نیست که سرانجام به یک قرارداد صلح منتهی‌مانده باشد. هیچ حرکت سیاسی معقولی نیست که هدف نهایی اش نوعی سازش نباشد.

ایدئولوژی‌ها و انقلاب‌ها به هم پیوسته‌اند. بسیاری از ایدئولوژی‌ها مروج انقلاب هستند و بسیاری از انقلاب‌ها با اتکا به یک ایدئولوژی یا به عرصه می‌گذارند. این ارتباط اتفاقی نیست و حاکی از رابطه‌ای زیرین میان این دو پدیده است. به تفکری ایدئولوژیک گفته می‌شود که آن قدر شیفته آرمان‌ها و اهداف عالیه می‌شود که بررسی علمی و عقلی ظرفیت‌های موجود را برای رسیدن به آن از یاد می‌برد. ایدئولوژی، اهداف بلندپروازانه‌ای را مطرح می‌کند و چون رسیدن به آن را مشکل می‌بیند، دشمنانی را فرض می‌گیرد که مانع تحقق آن اهداف هستند و چون عقل معمولاً از جنگ می‌گریزد، برای مبارزه با آن دشمنان، عاطفه را مخاطب می‌کنند و چون واقعیت‌ها در مقابل آرمان‌ها مقاومت می‌کنند، فتوی به تغییر واقعیت می‌دهد و این همان انقلاب است.

ایدئولوژی‌ها در جوامعی امکان رشد می‌یابند که از یک سو واقعیت به حدی بحرانی است که تحمل آن ناممکن می‌نماید و از سوی دیگر، رشد عقلانیت به حدی نیست که درپاید واقعیت‌ها در کوتاه مدت تنها اندکی تغییر دارند و نه بیشتر. برای همین هم انقلاب‌ها برای نسل خود شگفتی آور و برای دیگران عبرت‌آموز هستند.

در مقابل تفکر ایدئولوژیک، تفکر عقلانی نمی‌گذارد که شوق «چه باید کرد»، پرسش «چگونه باید کرد» را از یادها ببرد. رشد آموزش، قدرت محاسبه عقلانی را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود در هر کنش اجتماعی ابتدا ظرفیت‌ها، امکانات و توانایی‌ها بررسی شوند. اینک در پرتو این عقلانیت می‌دانیم که هر راه‌حل سریعی برای هر مشکل بزرگی مشکوک است. می‌دانیم که آزادی، به مقدار زیاد و عدالت به مقدار اندک، تضمین شده است و تمامی جوامع به آن خواهند رسید. تفاوت در چند دهه دیر و زود آن است. می‌دانیم که سختی واقعیت‌ها و دیرکرد ما در رسیدن به فرهنگ جهانی، نباید ما را به آفت ایدئولوژی دچار کند و آرمان‌ها چشم ما را بر ظرفیت‌ها ببندد. می‌دانیم که راه‌حل‌های انقلابی همه چیز را وارونه می‌کند و نه فقط آن چیزهایی که نامطلوب است. طرح شعارهای رادیکال و کنش عاطفه‌است. برای تشفی خاطر، شاید مؤثر باشد، اما مشکلی را حل نمی‌کند، پس چه باید کرد؟ باید انقلاب بشد.

اگر انقلاب دیگری در جامعه ما لازم باشد این است که ذهنیات خود را برهم بزنیم و یک بار برای همیشه تصمیم بگیریم که دیگر واقعیت را دور نزنیم، به راه‌حل‌های کوتاه و سریع اعتماد نکنیم، هوس وارونه کردن واقعیت و زیروریز کردن یکباره روابط را از خود دور کنیم، باور کنیم که دست ما در تغییرات گشاده نیست و حرکت افتان و خیزان به سمت مطلوب‌ها ناگزیر است، حتی اگر ناممکن بنماید. خراب کردن کامل برای دوباره ساختن قماری عاشقانه است که کار عاقلان نیست. عقلای قوم را به ترس، سازش، محافظه‌کاری و معامله‌گری متهم نکنیم و صراحت و شجاعت و صف شکنی را همه جا صفت حسن ندانیم. چنین انقلابی به ما کمک می‌کند تا به عصری وارد شویم که دیگر عصر انقلاب‌ها نیست، عصر محاسبه‌های محتاطانه و به رسمیت شناختن واقعیت و اصلاح آرام آن است. اما چگونه در خود انقلاب کنیم؟ این از سنخ انقلاب‌های مخملی است. انقلابی آرام و تدریجی که محصول تعلیم و تجربه است. نگرش تاریخی رکن راهیابی است. جنبش دانشجویی در دهه پنجاه به دلیل نداشتن تعلیم و تجربه در دام آرمان‌گرایی ایدئولوژیک افتاد و هوس کرد دنیا را از نو بسازد و نسبت به تمامی نظام‌های جهانی شعار «مرگ بر» سر داد و با هر مانعی یا فخر و به رو شد و همه چیز را نفی کرد و چشم‌ها را بست و مشت‌ها را گره کرد و... اما اینک از پس دو دهه به تأملی در رفتار خود نشسته است. درس‌هایی گرفته است و درس‌هایی نه. این را دریافته است که از هوس بازسازی عالم و حل یکجایی همه مشکلات دست بردارد، با واقعیت و ستبری و عیوسی آن هم آشنا شده است، مشت بر سندان نمی‌کوبد و شعار «مرگ» سر نمی‌دهد. اما هنوز هم گاه خشم او را از کوره به در می‌برد و نوستالژی قمارهای عاشقانه و کوتاه کردن راه او را رها نمی‌کند.

از جمله مهم‌ترین درس‌هایی که جنبش دانشجویی نگرفت و نه تنها خود آن بلکه مجموعه پروژه اصلاح را تهدید می‌کند، میل به استقلال است. جنبش دانشجویی همواره مفتخر بوده است که پیشتازی، شجاعت و

تحقیق

طرح موضوع

«آن جنگجویان... فاقد دلیری نبودند. آن چه فاقد بودند روشنی در روشن و سازمان رهبری متمرکز بود و بدین سبب مغلوب شدند.»

این جمله را لئو تروتسکی درواپسین صفحه کتاب خود: «کمون پاریس» (The paris commune) نوشته است. جمله ای که اینک پیش از هر

عبارتی درمورد حرکت ۱۸ تیر تهران

به کار می آید. این مقاله می کوشد با نگره‌ای جامعه شناختی و با اتکا به شاخص‌های بنیادی گونه شناسی تحولات سیاسی به بررسی حرکت ۱۸ تیر دانشجویان درتهران بپردازد. موضوع مورد بررسی مجموعه رخدادهایی است که طی یک هفته (۱۸ تا ۲۴ تیرماه) درتهران رخ داد. نقطه عزیمت آن چه به اختصار حرکت ۱۸ تیر خوانده می شود، یک راهپیمایی

دانشجویی درخیابان مشرف به خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران و در اعتراض به توقیف روزنامه سلام – یک روزنامه چپگرا – بود که در جریان بررسی کوشش می شود با در نظر گرفتن فرآیند ظهور و سقوط خیزش فهم دقیق تری از ابعاد آن به دست داده شود. بدیهی است که دراین بررسی آرایش نیروهای سیاسی و واکنش آن‌ها در برابر این حرکت جایگاه مهمی خواهد داشت. در پایان تلاش خواهد شد با عنایت به گونه های پرشمرده در تحولات سیاسی، گونه حرکت اخیر مورد توجه قرار گیرد.

۱-حرکت

نخستین شراره های حرکت ۱۸ تیر در شامگاه منتهی به جمعه هجدهم تیرماه در گرفت. راهپیمایی آرام دانشجویان از کوی (خوابگاه) به خیابان (امیرآباد) با شعارهای تند، گرم شد و پاسخ آن، هجوم نظامیان و شبه نظامیان به خوابگاه بود. درباره ماهیت این نظامیان و شبه نظامیان هیچ گزارش رسمی منتشر نشد. در حالی که دانشجویان فرماندهی نیروی نظامی و گروه انصار حزب الله را مسئول این حمله می داندند هر دو گروه مذکور آشکارا از بار مسئولیت این واقعه شانه خالی کرده اند. در هر حال در اثر این حمله یک فاجعه شکل گرفت. لحظاتی پس از آن حمله شبانه اتاق هایی سوخته، دانشجویانی مضروب و محیطی آکنده از خشم و خشونت بر جای مانده بود. اینک همه چیز برای یک اعتراض مهیا بود. با محاصره خوابگاه از سوی نظامیان و شبه نظامیان، سگریبندی آغاز شد و بدین ترتیب ۱۸ تیر به روز شکل گیری حرکت تبدیل شد. دانشجویان پس از ساعت های متوالی بحث و گفت وگو با مقاماتی که ازسوی دولت اصلاح طلب خاتمی به محل اعزام شده بودند و هیچ گونه کنترلی بر نیروهای انتظامی نداشتند، توانستند نظارت خود را بر چندت خیابان منتهی به کوی رسمیت بخشند.

با خروج مقام ها از کوی و از میان دانشجویان، نیروهای انتظامی (گویا به توصیه همان مقام ها) تا ساتعی از دخالت خودداری کردند. هرچندکه همچنان گروه های شبه نظامی در محل مستقر بودند. دانشجویان نیز که در شامگاه ۱۸ تیر به گروگانگیری از میان مهاجمان پرداخته بودند، (۳ نفر) آنان را رها کردند. یک روز پس از ۱۸ تیر چند خیابان از خیابان امیرآباد در سکوت و آرامش در دست دانشجویان بود. بر سر هر دو کوچه ای سنگری ازسنگ و آهن و آتش برپا شده بود که سنگربانانی صورت پوشیده داشت. آنان از ورود غیر دانشجویان (افراد نظامی و شبه نظامی) و هر گونه وسیله نقلیه جلوگیری می کردند و در صورت شناسایی کسانی که آنان را نفوذی می خواندند، ایشان را به کمپته ویژه ای تحویل می دادند که در مسجد خوابگاه مستقر شده بود.

پیش بینی های غدایی نیز افزون بر پیش بینی های قضایی و دفاعی طراحی شده بود. افزون بر غذای خوابگاه لقمه هایی نان و خرما دست به دست می چرخید و آب و شربتی که گاه هدیه همسایگان بود. بدین ترتیب هفته جدید در حالی آغاز شده بود که «اقتدار دانشجویی» بدون دستگاه رهبری سیاسی و به شکلی خودجوش ایجاد شده بود. ازاین رو اگر هجدهم تیرماه را بتوان روز اعتراض دانست، روز پس از آن راباید روز پیروزی (موقت) آن برشمرد.

در روز نوزدهم تیرماه دانشجویان منسجم تر شدند و دریافتند که می توانند مطالبات خود را برآورده سازند. آنان در برابر درخواست مقامات

برای ترک کوی مقاومت کرده و پیروز شده بودند. همین پیروزی غیر منتظره آنان را در موقعیتی آسیب پذیر قرار داد. بیانه روز یکشنبه شورای عالی امنیت ملی که در آن به شیوه ای غیر شفاف توجه به مطالبات دانشجویان مدنظر قرار گرفته بود بر غرور دانشجویان افزود. به گونه ای که بدون در نظر گرفتن شرایطی که دو روز آرام تر رابرای آنان به وجود آورده بود چانه زنی های اصلاح طلبان در سطوح فوقانی قدرت (به دستاوردهای به دست آمده غره شدند و کوشیدند بر سطح مطالبات خود بیفزایند.

نخستین شکاف از همین جا آغاز

شد. در شامگاه روز دوشنبه ۲۱ تیرماه با ورود رسمی تر گروه های سیاسی (دانشجویی و غیر دانشجویی) به عرصه حرکت و تلاش محسوس ویی برده آنان برای در دست گرفتن رهبری آن، اختلاف نظر ها آغاز شد. سطح این اختلافات از حد شعارها شروع شد و به سطح گزینش رهبری حرکت نیز تعیین استراتژی گسترش یافت.

در حالی که پاره ای از دانشجویان (که اکثریت قابل ملاحظه ای را تشکیل می دادند) با توجه به بیانه روز یکشنبه ۱۹ تیر شورای عالی امنیت ملی خواستار ورود به فاز قانونی تر در استیفای مطالبات بودند و بنابه همین باور می کوشیدند شعارهای تند را مهار کنند، گروهی دیگر به تشجیع دانشجویان پرداختند و بر حرارت مطالباتی می افزودند. در سطوح خردتر این شکاف مهم شکل گرفت که برنامه بعد حرکت باید کدام یک از این دو سرمشق را مورد توجه قرار دهد؟ گروه اول از دو جریان از سیاست بازگشت به خوابگاه، گزینش متخیان و مذاکره با مقامات بر سر مطالبات حمایت می کرد. در حالی که گروه دوم از سیاست پیش روی به خیابان ها و درگیر کردن دیگران دفاع می کرد. در این میان حتی برنامه پیشنهادی بخشی از گروه نخست که خواستار هم زمانی مذاکرات و دراختیار داشتن خیابان تحت استقرار دانشجویان بود، با بی رغبتی گروه دوم و اتهام که از شکارهای مواجه شد. به گونه ای که در یادداشتن این دو گروه از یکدیگر هواداران همگانی کردن حرکت و به خیابان کشاندن آن چندان مغرور شده بود که کوی را رها کرد و اتفاقاً از همین ناحیه حرکت اساسی ترین ضربه ممکن را دریافت کرد. درپی شکل گیری شکاف روز دوشنبه ۲۱ تیرماه پوپولیست ها (توده گرایان) از رادیکال ها جدا شدند و به خیابان ریختند. روز دوشنبه ۲۱ تیرماه درگیری های عمده ای در خیابان انقلاب و دانشگاه تهران به وقوع پیوست. بخش عمده پوپولیست ها در این درگیری بازی را باختند. نیروهای انتظامی و شبه انتظامی نه تنها با بستن دو سر خیابانهای منتهی به دانشگاه و استفاده از سلاح سرد و گاز اشک آور، دانشگاه را به کنترل خود درآوردند، بلکه با قیچی کردن نیروهای به جای مانده در کوی، اصلی ترین قلمرو آن را نیز از دست حرکت خارج ساخته اند. با وجود این بازماندگان لایه های پوپولیستی حرکت که اینک تعداد بسیار اندکی از آنان برجای مانده بودند، حرکت را تا روز سه شنبه ۲۲ تیر ادامه دادند. در این روز آنان پس از یک حرکت بسیار کم دامنه در بازار تهران پرانگنده شدند و عملاً با کشاندن نزاع به مناطق جنوب شهر، هر دو بخش مرکز (دانشگاه) و جنوب (بازار) در اختیار نیروهای انتظامی و شبه انتظامی منتسب به حرکت گنجانده شده بود. (زمنه های این حرکت در بحث های دانشجویی روز یکشنبه ۲۵ تیر در محل کوی وجود داشت که با مخالفت دانشجویان

مسائل ایران

بررسی انتقادی حرکت ۱۸ تیر دانشجویان در تهران

هیجدهم تیرماه – تهران

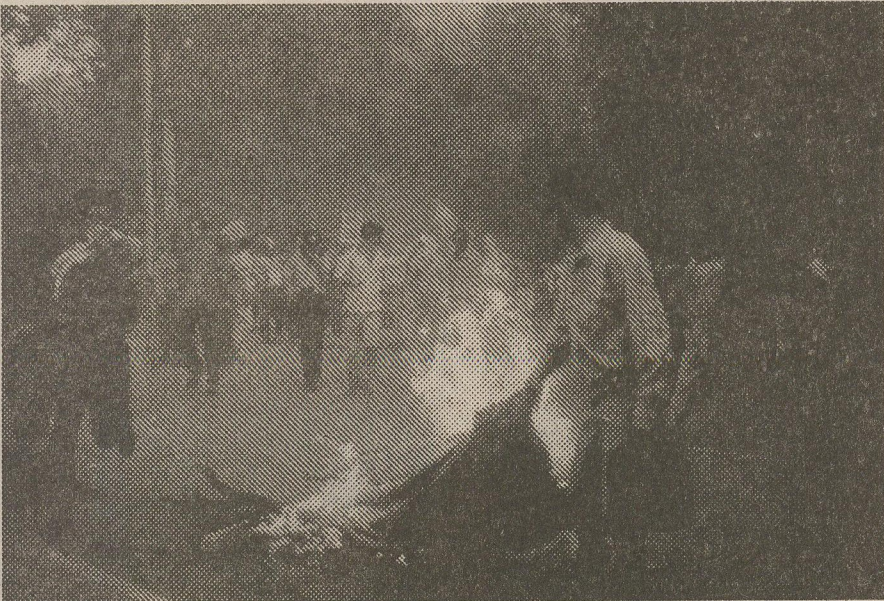
اصلاح طلب و رادیکال منجر به شکل گیری شکاف ۲۵ تیر شد) اما پس از وقوع، آشکارا شکل یک حرکت رموز را به خود گرفت. چرا که نه تنها با درگیری ۲۱ تیر عده و عده دانشجویان کمتر از آن بود که برای این حرکت لازم بود. بلکه بنابه گزارش های رسمی و مشاهده عینی در روز حادثه (۲۲ تیر) در بازار تهران کمتر دانشجویی دیده می شد.

زمان	جمعه ۱۸ تیر	شنبه ۱۹ تیر	یکشنبه ۲۰ تیر	دوشنبه ۲۱ تیر	سه شنبه ۲۲ تیر	چهارشنبه ۲۳ تیر	پنجشنبه ۲۴ تیر
رخداد	۱ – راهپیمایی ۲ – حمله به دانشجویان و کشته شدن آنان ۳ – مقاومت دانشجویان ۴ – گروگانگیری	۱ – ایجاد منطقه حفاظتی از سوی دانشجویان ۲ – صدور بیانه شورای امنیت ملی	۱ – شکل گیری ساختارهای حفاظتی برای کوی از سوی دانشجویان ۲ – ورود گروه های سیاسی – اختلاف	۱ – جدانشدن پوپولیست ها از اصلاح طلبان رادیکال ۲ – درگیری و شکست در دانشگاه تهران	۱ – درگیری و شکست در بازار تهران ۲ – مقابله با پوپولیست ها	۱ – ورود پوپولیست های هوادار حکومت ۲ – راهپیمایی علیه شورش	۱ – کنترل جنوب و مرکز شهر توسط نظامیان و شبه نظامیان ۲ – آرامش
جمع بندی	آغاز حرکت	پیروزی موقت	ایجاد شکاف	خیابان ۱: دانشگاه	خیابان ۲: بازار	ضدشورش	سکوت

جدول شماره یک:

روزشمار تحولات حرکت ۱۸ تیر

حرکت دومرحله ای هم از توسل به خشونت از سوی دانشجویان جلوگیری کند و هم با نمایندگی مطالبات دانشجویی از طرق مسالمت آمیز به کسب امتیازهای جدی از حاکمیت محافظه کار دست بزند. ازاین رو به تدریج از روز شنبه دفتر تحکیم وحدت وارد حرکت شد. با حرکت های نمادینی چون اعلام یک هفته عزای غیررسمی و پوشیدن پیراهن های سیاه و انتشار بیانه کوشید خود را در جایگاه رهبری حرکت قراردهد. اما به تدریج با مطالبات و شعارهای تندی مواجه شد که هیچ کس از دفتر تحکیم وحدت انتظار بیان آن ها را نداشت. در اینجا بود که امکان یک ریسک خطرناک برای این گروه



فراهم آمد. دفتر تحکیم وحدت می توانست با ارتقای سطح مطالبات معمول خود به سطح مطالبات حرکت ۱۸ تیر سر نوشت خود را به این حرکت پیوند بزند و می توانست با ثابت نگه داشتن سطح مطالبات معمول خود امکان بقا را بر امکان رهبری حرکت ترجیح بدهد.

دفتر تحکیم وحدت راه دوم را برگزید چرا که نه تنها پیروی از یک حرکت پوپولیستی را در تضاد با ایدئولوژی سیاسی و ساخت خود در قدرت نیز در جامعه می دید بلکه راه آزموده سومی را نیز پشت سر گذاشته بود که با شکست مواجه شد. طی دو روز حضور مؤثر دفتر تحکیم وحدت از حرکت (۱۹ و ۲۰ تیر) این گروه کوشش کرده بوده میان مطالبات رادیکال و روشهای مسالمت جویانه نوعی همزیستی برقرار سازد. ازاین رو کوشید به جای

شعارهایی که به شیوه مرگ بر...

ساخته شده بود از شعارهایی

ملایم تر مانند پاسخجویی مقامات

عالی رتبه استفاده کند. اما در تمام

مدت این گونه تلاش ها لایه های

پوپولیستی حرکت ۱۸ تیر به مقابله

با دفتر تحکیم وحدت برخاست و

کوشید با یادآوری سوابق این گروه

در همراهی با حاکمیت آن را از

مشروعیت ساقط کند و البته این

پاکنه ها در یک فضای بسیار پوپولیستی موفق بود. به گونه ای که به محض سردادن یک شعار رادیکال اما قابل دفاع در محاکم قضایی جمهوری اسلامی

در تحصن های رویه روی کوی، شعار دیگری سر داده می شد که از فرض رادیکالیسم به نوعی فحاشی آوارشیستی تبدیل شده بود.

روز دوشنبه با ورود دانشجویان پوپولیست به خیابان دیگر کار از دست اصلاح طلبان خارج شد. از این زمان بود که حتی دیگر مطبوعات اصلاح طلب نیز حساسیت چندانی در درج اخبار حرکت از خود نشان ندادند. و حتی گاه کوشیدند با کاستن از حجم اخبار بر هشدارهای خود بیفزایند. دولت اصلاح طلب محمد خاتمی نیز از همین زمان قدرت اجرایی خود را در شورای عالی امنیت ملی در این واقعه از دست داد و توانست با تکیه بر فشارهای پاپینی جامعه به چانه زنی در صحن قدرت بپردازد.

نه تنها اطلاعیه های بعدی شورای امنیت ملی که حتی سخنان بعدی مقام های عالی نیز لحنی متفاوت یافت و عملاً امکان سازش متنفی شد و امکان سرکوب افزایش یافت. به گونه ای که رییس جمهوری خاتمی نیز مجبور شد پیش از پیش بکوشد دامان خود را از حادثه کنار بکشد. روز چهارشنبه هنگامی که حکومت یک راهپیمایی سراسری برای دفاع از اقتدار محافظه کاران را اعلام کرد اصلاح طلبان نیز مجبور شدند حداقل در ظاهر از آن جدا کنند و تنها یک روز بعد از آن یک گروه رادیکال تر اصلاح طلب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی توانست با انتشار بیانه تندی توپ را به زمین حریف برده و در حالی که گروه های لیبرال – میانه رو بر عمیق سکوم خود می افزودند. مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب که در صحنه آوردند دفتر تحکیم وحدت نقش لجبستیکی بسیاری داشت، جنبه مشارکت ایران اسلامی و دیگر گروه های چپ در سراسر حضور در خیزش خود را تنها و بدون حمایت متحندان لیبرال – میانه روی خود در حزب کارگزاران ساز ندگی می دیدند. شگفتی آن که رهبر این حزب، اکبر هاشمی، بلافاصله پس از پایان ماجرا به راست غلتید.

۱ – جنبه نیروهای راست / محافظه کار:

واقعیت این است که اکبر هاشمی رفسنجانی مانند همیشه به بهترین سمت غلغشته است. محافظه کاران که از آغاز (برنامه ریزی شده یا برنامه ریزی نشده) به این ماجرا حرکت (۱۸ تیر) به مشابه فرصتی برای تصفیه حساب با اصلاح طلبیان (حاضر در قدرت) و پایگاه اجتماعی آنان (دانشگاه ها و مطبوعات) می نگریستند، در پایان به موقعیت قابل توجهی رسیدند. این در حالی است که حداقل با توجه به سطح واقعیت های در دسترس، بدنه اصلی راستگرایان تا روز دوشنبه ۲۰ تیر سکوت کرده بودند (راست ستنی) و پیاده نظام خشن و بی پروای خود (راست افراطی) را به میدان فرستاده بود. حتی در یک سخنان بسیار مهم آثار هراس جدی محافظه کاران از حرکت ۱۸ تیر دیده می شد. هراسی که به فاصله ۲۴ ساعت رنگ باخت و به شجاعت درو به شکست کشاندن خیزش تبدیل شد. پدایش این شجاعت مرداف شد، با ایجاد شکاف ۲۰ تیر و دقیقاً از این زمان بود که محنی بحث محافظه کاران اوج گرفت. مهم ترین نکته ای که ما را در فهم توفیقات محافظه کاران یاری می کند دقت آنان در استفاده از ابزارهایی است

محمد قوچانی

که کمترین هزینه سیاسی را بر آنان تحمیل کند. در حالی که به نظر می رسید راست افراطی با حضور مستمر خود در قالب گروه های فشار شبه نظامی از بی پرواترین شیوه های سرکوب استفاده کند، راست ستنی توانست زیرکانه استراتژی «نصریالعب» را به عنوان برنامه مشترک جنبه راست حاکم سازد. اگر در سه روز آغاز هفته راست افراطی عرصه دار میدان بر خورد با شورش

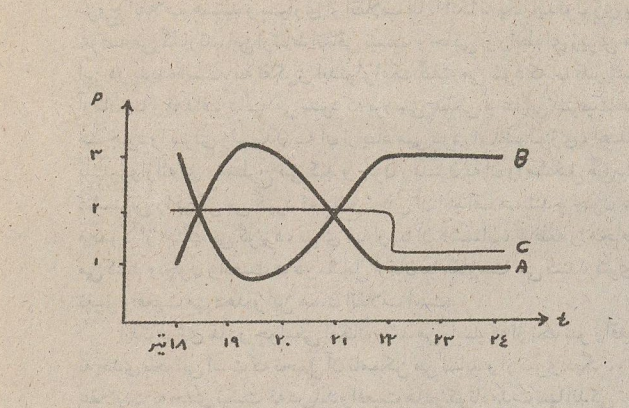
بود طی سه روز بعدی نقش آن به ابزار ایجاد ناامنی از طریق تحت تأثیر قرار دادن اعصاب و روان عامه مردم تقلیل یافت. در روزهای دوشنبه و سه شنبه گروه های راست افراطی بیش از آن که بر سلاح های سرد خود تکیه داشته باشند، باوجدت در شمالی و شعار و در قالب دسته های پنجاه نفری موتورسوار و پیاده به تکرار شعارهایی می پرداختند که بیش از آن که اثر عملی داشته باشد، اثر روانی داشت و رعب آور بود. دو

روز بعد در حالی که تمامی شهر (بوژه مرکز و جنوب) تحت تأثیر این فضای روانی در سکوت فرو رفته بود، نوبت راست ستنی بود که حلقه های یک استراتژی موفق را کامل کند و با ایجاد یک موج پوپولیستی قضا را در دست بگیرد. راست ستنی در ایجاد این جو روانی تکمیل کننده از حمایت رانتهای خود در حاکمیت نیز بهره جست. هنگامی که شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی آخر هفته را اعلام کرد نخستین پدیده ای که تأثیر پذیرفت تجمع بزرگ ۱۵ گروه اصلاح طلب در دفاع از دانشجویان بود. آن تجمع لغو شد و از آن پس این اصلاح طلبان بودند که به بازنده بزرگ تبدیل می شدند و از سوی دیگر در روز پنج شنبه مطبوعات محافظه کار پیش می تاختند در حالی که مطبوعات اصلاح طلب از هراس بر خورد در محاق فرو رفته بودند حتی اطلاعیه سازمان مجاهدین انقلاب مبنی بر خطر وقوع کودتا بر علیه دولت از بی پروایی محافظه کاران نکاست.

آنان نخستین حملات را به سوی وزارت کشور نشانه گرفتند. ادعایی که اگر چه ناظر بر ناکارایی این وزارتخانه که عملاً حتی نیروی انتظامی از آن فرمان نمی برد بود اما بیش از آن به تلاش های اصلاح طلبانه ای باز می گشت که مرد شماره ۲ این وزارتخانه برای رونشانندن خشم دانشجویان و حل مسالمت آمیز حرکت مصروف داشته بود و اینک همان تلاش بی فرجام به پاشنه آشیل او بدل شد. حمله محافظه کاران به دولت تا به آنجا اوج گرفت که روزنامه های منتسب به این جریان نامه ای از عالی رتبه ترین فرماندهان نظامی خطاب به رییس جمهوری خاتمی منتشر کردند که به شیوه ای بسیار تحریک آمیز تیر گزاری شده بود. اهدافی که محافظه کاران در پایان این ماجرا بدان دست یافتند تا حدود زیادی برای تمامی لایه های جنبه راست رضایت بخش بود:

– راست افراطی که معمولاً در بافت های نظامی، امنیتی، نیز صورت متحدان شبه نظامی حاکمیت قرار گرفته اند. در پایان حرکت ۱۸ تیر توانست با ادعای نجات شهر از آشوب و تفخر بر نیروهای دولتی در ایجاد آرامش، جایگاه خود را تثبیت کند و رسماً به عنوان رکن چهارم حاکمیت به رسمیت شناخته شود. ضمن آن که هیچ امتیازی را درعزل و نصب ها از دست نداد. – راست ستنی در تادام طرح خود اگر به ساقط کردن دولت، یا بی اثر کردن دو سال آینده ریاست جمهوری محمد خاتمی نتواند دست یابد، حداقل دستاوردی را که از آن خود ساخت، ضربه به اقتدار وزارت کشور و زمینه سازی برای برگزاری یک انتخابات بی دردس تر و خارج از مزاحمتهای افرادی چون مصطفی تاج زاده است. ضمن آن که مطبوعات این جنبه، قطعاً پیروزی خیره کننده ای که انتظار می رفت اصلاح طلبان در مجلس ششم به آن دست یابند با تردیدهایی جدی مواجه می شود و همین تردیدها برای محافظه کارانی که به آینده پارلمانی خود امیدبی ندارند کافی است.

(نمودار تصویری از سطح کامیابی سیاسی: کسب قدرت نیروهای سیاسی، در جریان خیزش ۱۸ تیر را نشان می دهد)



(جدول شماره ۲ با توجه به نمودار سیر توانایی نیروهای ۳ گانه: اصلاح طلبان، محافظه کاران و دانشجویان را در مهار بحران و کسب اقتدار نشان می دهد).

روابط قدرت	زمان
A>B>C	۱۸ تیر
B>C>A	۱۹ تیر
B>A>C	۲۰ تیر
A=B=C	۲۱ تیر
A>B>C	۲۲ تیر
B>C A	۲۳ تیر
B>C A	۲۴ تیر

جدول شماره ۲

آخر به دانشجویان متصل شده است.

۳ – سنجش

حرکت ۱۸ تیر بیش از هر چیز بر بدنه ای ناهمگون استوار بود. همین خصلت پوپولیستی حرکت را در طول کمتر از یک هفته حیات آن به گونه ای شکل می داد که گویا به تنها چیزی که نمی آیدنشید ایجاد سازمان و رهبری است. دو خصلتی که بعدها با تداوم آنها در قالب یک نقصان جدید یعنی فقدان برنامه حرکت را آشکارا به سوی حرکتی آتارشیستی سوق داد و از آن یک شورش سرکوب شده ساخت. واقعیت این است که حرکت ۱۸ تیر حتی اگر سرکوب نمی شد خود به بن بست می رسید. ضعف های بنیادین در نبود سازمان، رهبری و برنامه افزون بر ناهمگونی طبقاتی و امتناع ایدئولوژیک حرکت از آن یک قیام پوشانی می ساخت که حتی دوعای آتارشیستی آن فاقد زیرساخت های نظری بود. نخستین دستاورد مستقیم این نقصان های ذاتی را می توان در انشعاب ۲۰ تیر دید. در این مقطع دو جریان به طو مشخص از هم جدا شدند: در یک سو دانشجویانی قرار داشتند که با وجود مطالبات رادیکال با محاسبه هزینه سرکوب قابل پیش بینی و با مشاهده فقدان زمینه های اجتماعی برای ایجاد یک حرکت فراگیر تصمیم گرفتند، سطح مبارزه را به درون گنتمان قدرت برده و با ایجاد فرصت های چانه زنی برای اصلاح طلبان حاکمیت به فرآیند اصلاحات یک هژمونی اجتماعی ببخشند. در حقیقت آن دانشجویان تصمیم گرفته بودند با اتخاذ استراتژی «دو گام به پس یک گام به پیش» محافظه کاران را که در موقعیت روحی به شدت آسیب دیده ای به سر می بردند خلع کنند و با قرار دادن سطح مطالبات در اندازه مشخص و پرهیز از چپ روی های کودگانه به پاسخ های مشخصی دست یابند: برکناری فرماندهی نیروهای انتظامی و در اختیار قرار دادن آن دو دستان دولت خاتمی دو هدف بسیار کوتاه مدت این استراتژی بود که به دنبال خود نه تنها می توانست اهداف دیگری مانند افشاه گروه های فشار...

ادامه در صفحه ۱۱

گزارش

یا داستان؟

هفته‌گریبی بر ما و مردم و ایران گذشت. مثل همه چیز دیگر این بلا. هفته‌ای که به ناگه در میانه تابستان باران بارید. و حالا می‌گویند که چنند ده نفر هم در جای جای کشور رفتند و بازنگشتند.

و هفته‌ای که مردم در آن چنان برآشفتنند که از برف میانه تابستان هم ناباورانه‌تر بود. از این‌ها می‌گفتیم من و رفیقم در پیمودن مسافت و قرار بود چند ساعتی را در شهر به انتظار باشیم که برای رفیقم مسافری در راه بود. مسافر او آمد و همراهی من به پایان رسید و وداع کردیم با هم تا چند ساعت دیگر که معیاد ما در روزنامه بود. حالا دیگر اولین ساعت‌های روز شنبه را سیری می‌کردیم. من رهسپار خانه شدم.

بی‌گمان از هر مخاطره‌ای در میدان[...]. پس از دقایقی انتظار کسی مرا سوار کرد. میانسال مردی خسته که به منزل بازمی‌گشت. گفت که به منزل باز می‌گردد. از اتفاق ما فاصله‌ای بسیار نزدیک با خانه‌ام می‌توانستم مسافر او باشم که او هم با من هم محلی بود. چنین اقبالی را نیکو دانستم. به میدان[...]. که رسیدیم سر به چپ گردانم تا آستانه مسجد[...]. را ببینم که آیا هنوز هم محل تجمع است یا نه که، کسی نبود. خیابان، دیگر خلوت بود و ما به سوی میدان[...]. می‌رفتیم. از خیابان شاعر گذشتیم که دیدم به ما فرمان ایستادن می‌دهند. چند اتومبیل جلوتر از ما ایستاده بودند. آن‌ها گذشتند و نوبت به ما رسید. برادری از جمع برادران دیگر خارج شد و به ما نزدیک. سر فرود آورد و من را نظاره کرد و در کمال احترام خواست تا از ماشین پیاده شوم. راننده میانسال که مهمانش بودم گفت: برادر من راننده آژانسم و ایشان هم مسافر من است. جز سکوت، من چیزی نداشتم وبرادر بازمهم مؤدبانه خواست که پیاده شوم. پیاده شدم. از مجری نظم اجازه گرفتم که کرایه خود را پردازم که با اشاره سر این کار را بی‌اشکال دانست. ولی راننده نگرفت.

چند اتومبیل سواری و یک وانت در کناره خیابان بودند. مرا به سوی یک سواری که چراغ گردانی بر سقف داشت، راهنمایی کردند. جلوتر که رسیدم دانستم که آن خودرو تاکسی است و چراغی که بر سردارد، با قدرت آهن ربا بر سقف استوار است. سوار شدم. لحظه‌ای بعد که سربرگرداندم، دیدم راننده میانسال که چندی پیش مسافر او بودم کمی جلوتر ایستاده است. گویا انتظار مرا می‌کشید. هرگز تصور نمی‌کردم که انسانی آن شب نگران من باشد. چرا که به اقتضای زندگی کسی در این شهر نگران من نیست. حداقل این که اگر ناپدید شوم تا ظهر فردا روز که همکارانم مطلع شوند، کسی نخواهد فهمید و حالا می‌دیدم میانسال مردی را که فقط چند دقیقه در کنارش بودم بازگشت، مرا به انتظار نشسته است... و نگران.

برادری به سوی خودرو آمد. در را باز کرد و کنارم نشست. شب بخیر گفت و خسته نباشید شنید. بی‌هیچ تردیدی از من کارت دانشجویی خواست. هنگامی که گفتم من دانشجوی نیستم که کارت داشته باشم مکنی کرد و گفت: مطمئنی؟ پاسخی ندادم و رفت. سپس مرد جوانی آمد و خواست که

پیاده شوم؛ تندخو بود. باهم به سوی وانت خاموش رفتیم و پشت آن ایستادیم. بی‌هیچ پوزشی جیب‌هایم را گشت و به سراغ کیفم رفت. آن را گشود و هرچه بود بر روی کاپوت وانت ریخت. یک پوشه کاغذ، چند عکس و یک عکس قاب شده، چیزی بود که داشتم. عکس‌ها را دید و گفت این‌ها چیست؟ گفتم عکس فیلم است. کدام فیلم؟ جهان پهلوان و بعد قاب عکس را نگاه کرد که در تاریکی شب چیزی ندید. عکس کتاب سوخته‌ای است که دربالای آن نوشته شده «آزادی هیچوقت زیادی نیست». دوستی دارم عکاس است و شب پیش که پیش او بودم این عکس را به من داده بود، به هدیه. محتویات کیف را با اجازه جوان تندخو جمع کردم و ایستادم به فرمان برادران.

متوجه من که شدند، همان مهربان برادر گفت که به داخل اتومبیل بازگردم. و هنوز راننده میانسال منتظر بود. عادت دارم که هر گاه در چنین محیط‌های پراضطرابی گرفتار هستم از دانستن ساعت چشم پوشی کنم. به این سبب بی‌آنکه به عقر به‌های آن نبرگم، از میچ دست باز کردم آن را و در جیب نهادم. دیگر رها بودم. جز راننده میانسال کسی نگرانم نبود و خود را هم به دست آینده سپرده بودم. زمانی گذشت و خیابان بی‌رهگذر ماند. سه تن از برادران به سوی من آمدند که یکی همان مهربان‌ترین آنان بود. دیگری مردی فربه که بعد راننده ما شد و دیگرکس که سوالات زیادی را داشت تا از من بپرسد. نشستند. مهربان و فربه جلو و

خود را پایین بگیرم. تنها چیزی که دیدم آن بود که مرد فربه چراغ گردان را از سقف تاکسی جدا کرد و بر کنار خود نهاد و چراغ

خود را پایین بگیرم. تنها چیزی که دیدم آن بود که مرد فربه چراغ گردان را از سقف تاکسی جدا کرد و بر کنار خود نهاد و چراغ

اشاره

جاهایی هست که زبان

سیاست در گزارش

واقعیت به کار نمی‌آید

که هیچ، خطرسان هم

هست. در اینجاست که

باید از ادبیات کمک

گرفت. نویسنده این

داستان – گزارش هیچ

اصراری ندارد که آنچه

را نوشته است به زبان

واقعیت یا گزارش

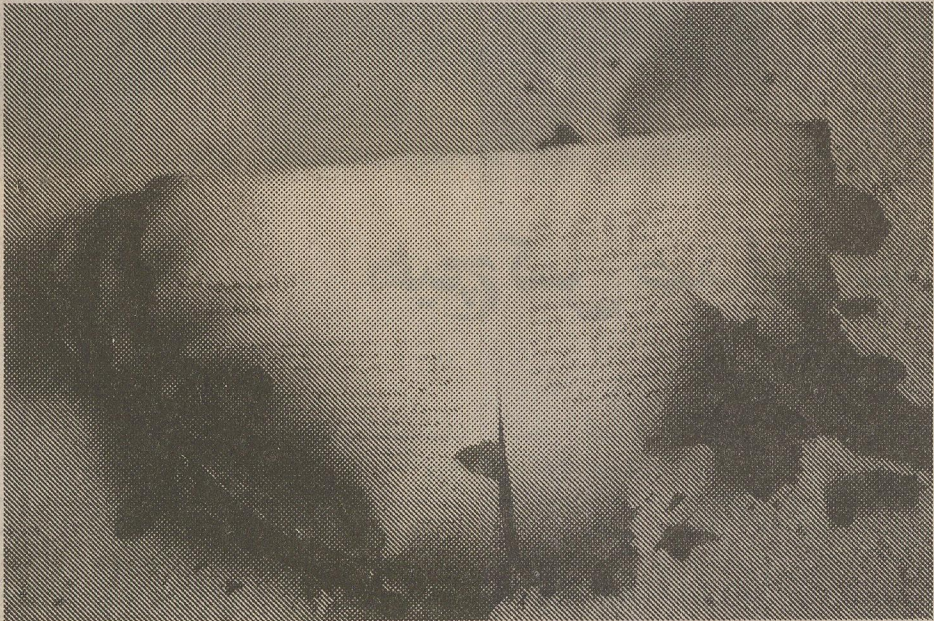
بخوانید. او می‌گوید

آنچه نوشته تنها یک

داستان است.

گروه داخلی

و یک میل که یک تنه سه تن را در خود می‌پذیرفت. میز میانه هم شیشه‌ای بود با پایه‌های فلزی، اولین چیزی که در اتاق جلب توجه می‌کرد، پنجره آن بود. پنجره جای شیشه، آینه داشت و تو خود را در


 بر سرلوحه این کتاب سوخته نوشته شده است :

آزادی هیچ وقت زیادی نیست

سرایشی افتاد. گفتند پیاده شوم. داخل پارکینگ بودیم. تاریک بود و فقط در دوردست لامپ کم نوری روشن بود. صدای قلم را با همه وجود، می‌شنیدم، گوشم گنگ شده بود و چشمانم درد می‌کرد. به طرف آسانسور رفتم. داخل آسانسور خود را در آینه دیدم. راضی‌کننده بود هنوز ترسم عینیت نیافته بود. برادر فربه چنان قبلش یک تماس با اهل منزل گرفته بود که نفهمیدم چندمن قر طبقه را برای رفتن گزیدم. در آسانسور که باز شد به داخل راه‌رویی رفتم که در آن به فاصله هر چند قدم، دری قرار داشت. اینجا دیگر کاملاً روشن بود. مقابل دری از درها برادران

پروانه‌ای می‌فهمیدی که تهویه ماشینش دارد. وقتی از دستشویی خارج شدم، فقط برادر فربه در اتاق بود. گفت اگربخوام می‌توانم استراحت کنم. پاسخی ندادم. ولی با همان هدف به طرف راحتی رفتم که سه نفر را می‌پذیرفت و بر روی آن نشستم. کیفم روی میز شیشه‌ای بود. حتی ذره‌ای هم جابه‌جا نشده بود. اتاق آرامش عجیبی داشت. گمان می‌کردی از هوای دیگری حتی تنفس می‌کنی. برادر فربه هم بی‌تفاوت نسبت به من روی میل دیگری نشسته بود و به نقطه‌ای ناپیدا نگاه می‌کرد. مدتی گذشت احساس سنگینی بر پلک‌هایم کردم. چشم بستم. دست‌هایی را مدتی بعد بر شانه‌ها احساس کردم. حتم دارم که خواب نبود. ولی در آن فضا تفاوتی بین خواب و بیداری نبود. چشم که گشودم دیدم دیگر نتشسته‌ام به حالتی بودم که در سفر بی‌آنکه بخواهی به کناردستی ات در اتومبیل متمایل می‌شوی و ناگهان با جنبش او از خلسه‌ای بیرون می‌آیی.

چشم که گشودم برادر مهربان لبخند زد با برادری دیگر بود که اولین بار او را می‌دیدم از برادر فربه و برادر پرسشگر هم اثری نبود. برادر مهربان گفت: همکارم چند سؤال داشت. پس از لحظه‌ای مکث گفتم: خواهش می‌کنم. این بار پرسشگر دوم پرسید. گفتید دانشجوی نیستید؟ بله – چه کاره‌اید؟ – نویسنده‌گی می‌کنم – یعنی چه خوب برای هر جا و مرکزی که پول بدهد. مطلب می‌نویسم. برادر مهربان با این پاسخ من خندید به گونه‌ای که من هم متوجه خنده او شوم و

و یک میل که یک تنه سه تن را در خود می‌پذیرفت. میز میانه هم شیشه‌ای بود با پایه‌های فلزی، اولین چیزی که در اتاق جلب توجه می‌کرد، پنجره آن بود. پنجره جای شیشه، آینه داشت و تو خود را در خود می‌دید. در زاویه دیگر اتاق دو در کنار هم بودند. یکی از آن‌ها در دستشویی بود که بعد فهمیدم. وارد که شدیم دعوت به نشستن کردند. لحظه‌ای از نشستن نگذشته بود که گفتم من باید به دستشویی بروم. به یکی از درها برادر مهربان اشاره کرد. وقتی به مقابلش رسیدم برادر فربه گفت این نه آن یکی. رفتم داخل یک چهار دیواری کوچک بود با کاشی‌های کاملاً سفید و یک توالت فرنگی در گوشه آن یک دستشویی هم در گوشه دیگر که وقتی در را می‌بستی تازه دیده می‌شد. آینه‌ای هم در مقابل نداشت. این اتاقک پنجره‌ای نداشت و فقط ازصدای چرخش

پرسشگر پرسید. – می‌شود کارت یا نشانه‌ای برای شغل خود به من نشان دهید. – من هیچ گونه اوراق هوت همراه خود ندارم. – کارت پایان خدمت سربازی یا گواهینامه – متأسفانه آن‌ها را هم ندارم. – پس سرباز فراری هستی – فکر نمی‌کنم. چون اسارتی در کار نبوده که فراری را به دنبال داشته باشد. من فقط سرباز رفته‌ام. هر دو شکرایی کردند و برخاستند که بروند و در این هنگام بود که فهمیدم در کنار در دستشویی به بیرون راه دارد. آنان رفتند و من این بار در اتاق تنها ماندم. هیچ صدایی شنیده نمی‌شد. تشنه بودم. برخاستم و به سوی دستشویی رفتم. در را باز

امیرحسین رسایل

کردم و نبستم. از شیر دستشویی آب خوردم. آب خنک بود. *** ساعت ها گذشت و من جرأت نکردم ساعت خود را از جیب بیرون آورم و زمان را دریابم. من برای این که از جابم برخیزم و یکی از دو در غیر از در دستشویی را بگشایم انگیزه نداشتم. با خود می‌گفتم آنان خوب می‌دانند که امکان گریز نیست. در این حال درها را قفل می‌کردند که چنین طرف پنجره بروم، هنوز چند متر فاصله داشتم که باز خود را در آن دیدم و تصمیم بازگشت به سوی راحتی را گرفتم. هنوز هم فکر می‌کردم صبر باید کرد. ***

برادران بازگشتند. برادر مهربان و فربه به یک برگ کاغذ در دست داشت این بار از همان دری که با هم آمده بودیم به اتاق آمد. برادر مهربان با مهربانی گفت می‌توانیم برویم. به کجا؟ نپرسیدم. فقط گفت که نشانی و شماره تلفن خانه‌ام را روی یک برگ کاغذ بنویسم و کاغذ را فربه به من داد. قلم همراهش نبود. روان‌نویس خود را از جیب پیراهن بیرون آوردم و نوشتم: دقیق بی هیچ مکالمه‌ای از اتاق خارج شدیم و برگ نشانی تاشده در دست برادر فربه بود. باز سوار آسانسور شدیم و این بار روی برگرداندم که پشتم به فربه و کلیدهای آسانسور باشد. نمی‌دانم مهربان چرا به این حالت من خندید. شاید هم این لبخند از اجزای صورتش بوده باشد.

در پارکینگ تنها یک اتومبیل بود یک جیب با تورو سفید رنگ از تاکسی هم خبری نبود. دعوت کردند که سوار شوم پشت نشستم. پنجره‌های ماشین پرده‌ای طوسی رنگ داشت که همه کشیده بود. به شیشه پشت هم برچسبی چسبانده بودند که مانع دیدن خارج می‌شد. محل توقف اتومبیل در پارکینگ هم به گونه‌ای بود که راه خروج معلوم نبود. یعنی سه طرف آن دیوار بود. بر یک دیوار در آسانسور و طرف چهارم هم دالاتی تاریک، سوار که شدیم برادر مهربان خواهش کرد به گونه‌ای بنشینم که بیرون را نبینم. روی برگرداندم به پشت و صندوق ماشین. گفتم، اگر بخواهید چشم‌هایم را می‌بندم، فقط لبخند زد.

اتومبیل حرکت کرد. در مقابل هیچ دری نایستاد، کوچه هم به گونه‌ای بود که ماشین مجبور به پیچیدن نشد. اما در خیابانی شلوغ بودیم. باید مرکز شهر می‌بود. ساعتی راه پیمودیم از صدای اتومبیل‌های دیگر و حرکت بدون توقف اتومبیل می‌شد فهمید که به بزرگراه رسیده‌ایم. در بزرگراه بودیم و از پیچیدن اتومبیل و سپس رفتن به روی پلی طولانی فهمیدم که مرا به جایی نزدیک خانه می‌برند. از پل که فرود آمدیم اتومبیل ایستاد و صدای برادر مهربان را شنیدم که گفت می‌توانم پیاده شوم. پیاده شدم. درست جاده زده بودم بر تقاطع خیابان منتهی به خانه‌ام و بزرگراه ایستاده بودیم.

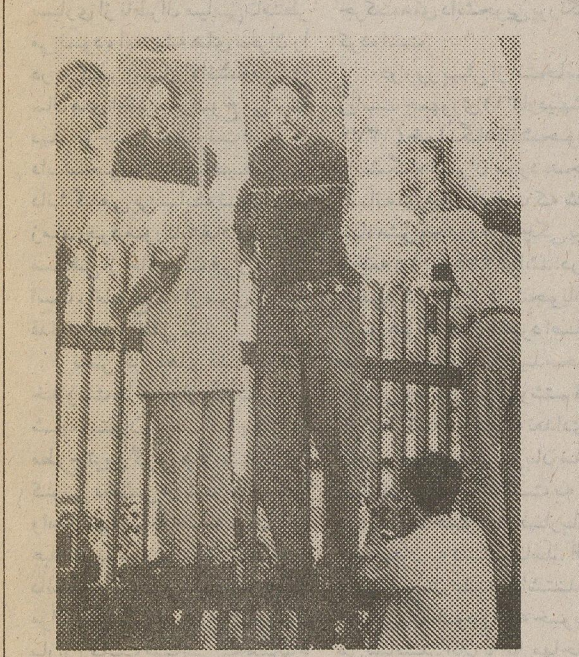
وقتی در اتومبیل را بستم برادر مهربان پرده پنجره خود را کنار زد و مرا نگاه کرد. هنوز لبخند بر چهره اش بود هیچ نگفتم. هیچ نگفت.

تیرماه

پیامدهای یک واقعه

تقی رحمانی

خشونت طلبان در روز جمعه ۱۸ تیرماه ۱۳۷۸ به کوی دانشگاه تهران به بهانه بی‌نظمی دانشجویان حمله کردند. این واقعه موجی از انزجار در جامعه ایجاد کرد. شدت این انزجار به حدی بود که بسیاری از دانشجویان را به واکنش واداشت. تحصن و سخنرانی در دانشگاه تهران و کوی این



دانشگاه به ماجرا ابعاد تازه‌ای داد. در روز شنبه مشخص شد که واقعه ایجاد شده توان ایجاد شورش را دارد. روز یکشنبه تحصن در کوی دانشگاه تهران، همانند شب شنبه به تظاهرات کشانده شد. در عمل رهبری و سازماندهی تحصن و تظاهرات از دست مسئولان آن بیرون آمد. روز دوشنبه تحصن در دانشگاه تهران پایان یافت. اما در حالی که چند دسته کوچک در اطراف خیابان‌های دانشگاه دست به تظاهرات زده بودند. به بهانه کنترل این تظاهرات، درست در زمانی که دانشجویان متحصن، مشغول انتخاب نمایندگان خود برای پایان دادن به تحصن بودند، با انبوهی از گاز اشک‌آور و محاصره شدن دانشگاه مواجه شدند.

بعد از چند ساعت دانشجویان با سختی از در شمالی دانشگاه بیرون رفتند. اما تنها راه عبور به سوی کوی دانشگاه تهران بود. نیروهای انتظامی و غیر نظامیان ملقب به انصار حزب الله به شکل هماهنگ با هر شعار و جمعیتی برخورد تحریک‌آمیز می‌کردند.

دوشنبه شب با تظاهرات پراکنده و برخورد تحریک‌آمیز خاتمه یافت. با این حال، در روز سه شنبه بعدازظهر، در چندین نقطه از شهر تهران تظاهرات همراه با تخریب روی داد که بزودی نیز خاتمه یافت.

روز چهارشنبه به دعوت سازمان تبلیغات اسلامی در سراسر ایران و بخصوص در تهران به حمایت از دانشجویان و محکوم کردن توطئه گران و سوءاستفاده کنندگان از وقایع کوی دانشگاه، تظاهرات و سخنرانی انجام گرفت.

سخنران این مراسم و رسانه‌های رسمی کشور بخصوص صداوسیما، بیشتر به محکوم کردن تظاهرکنندگان و عوامل شورش پرداختند و کمتر از واقعه کوی دانشگاه سخن گفتند.

از روز چهارشنبه تا امروز حملات سنگین به وزارت کشور، دفتر تحکیم، روزنامه‌های دوم خرداد و نیروهای مستقل بیرون از حاکمیت شروع شده است و از سوی دیگر جمعیت مؤتلفه موضوع بی‌کفایتی وزیر کشور را مطرح کرد و روزنامه‌های جناح تمامیت خواه، توطئه‌گر اصلی وقایع کوی دانشگاه را نیروهای دوم خرداد و دفتر تحکیم وحدت معرفی می‌کند. در حالی که در روز دوشنبه اقدام به پایان دادن تحصن از سوی دفتر تحکیم وحدت را در رسانه‌های تمامیت‌سنایش می‌کردند.

با این همه به نظر می‌رسد که خشونت طلبان، با ایجاد واقعه کوی دانشگاه و راندن آن به مسیر دلخواه سعی در اثبات ناتوانی دولت خاتمی در مواجه با بحران داشته‌اند.

با این حال چنین بحران زایی و هدایت غیرمستقیم به مسیری که خود می‌خواستند تایچی دیگری هم دربرداشته است.

۱ – فراموش شدن خودکشی سعید امامی که میان جناح تمامیت اختلاف انداخته بود.

۲ – در حالی که در جریان واقعه اخیر، جناح تمامیت خواه بسیار هماهنگ رفتار می‌کند.

۳ – توجیه روانی نیروهای مذهبی سنتی در حقانیت تمامیت‌خواهان، ایشان با نشان دادن وقایع بعد از کوی دانشگاه، به این افراد و شخصیت‌ها حالی خواهند کرد که باید به تمامیت‌خواهان اعتماد کند.

۴ – آزمون جدی خود در سازماندهی و بسیج نیروهای عملیاتی خود و از سویی دادن ثبیت این مهم که نیروهای فشار در کنار نیروهای انتظامی، به کنترل اوضاع بپردازند.

در خاتمه باید گفت که در جریان کوی دانشگاه تهران، جریان خشونت با توجه به مزیت استراتژیک، توان سازماندهی و قدرت بسیج نیروهای خود توانست تا حد امکان از این واقعه که می‌باید همانند قتل‌های پاییزی بر علیه او تمام شود، سوءاستفاده کند و به حدی از انسجام تحلیلی و رفتاری در میان گرایش‌های خود دست یابد.

بی‌گمان جبهه دوم خرداد می‌باید با مزیت استراتژیک استفاده از افکار عمومی از طریق مطبوعات و بسیج نیروهای روشنفکری و دانشجویی در انشای صحیح وقایع دانشگاه و رفتاری که با عزیزان این مرزومو شد، بکوشد. با توجه به همین مزیت استراتژیک یعنی تکیه بر افکار عمومی، با طرح مجدد پرونده قتل‌های پاییز ۷۷ و رابطه آن با حمله به کوی دانشگاه و طرح محدودیت برای مطبوعات و مخالفت آن با توسعه سیاسی اقدام کنند. بی‌گمان موقعیت خشونت طلبان به دلیل نداشتن حقانیت در افکار عمومی، فقط به دلیل برخورد درست از سوی جبهه اصلاح طلب خنثی و بی‌اثر خواهد شد.

ببرند؟ چرا توده‌های سرگردان هوادار تحول جذب دوم خرداد نمی‌شوند تا در یک مناقصه پوپولیستی جذب آنارشیست‌ها نشوند؟ چرا گروه‌های مدعی جبهه دوم خرداد و به طور مشخص دفتر تحکیم وحدت (اتحادیه دانشجویان) به حالی که از یک روشنفکرانه بدل نشده است و هنوز کسانی از شعارهایی که بوی خون می‌دهند، دریغ نمی‌ورزند؟ کرد که اگر به خشم و خون باشد محافظه‌کاران در خشونت استوارترند و اگر به عوام‌فریبی و پوپولیسم باشد آنان در این کار نیز استاد هستند. آیا نباید یک بار دیگر پیام دوم خرداد را – که چیزی فراتر از ورود به ساخت قدرت است – مرور کنیم؟

هیجدهم تیرماه، تهران

موضوع / گروه	اصلاح طلبان رادیکال	پوپولیست‌ها و آنارشیست‌ها
ارتباط با گروه‌های سیاسی	انجمن‌های اسلامی دانشجویان	فائدت‌نگشکل‌های دانشجویی رسمی و مشخص
گرایش سیاسی	چپ مذهبی	۱. حزب ملت ایران ۲۰۲. گروه طبرزدی ۳. گروه منوچهر محمدی
نماد سیاسی	سیدمحمد خاتمی	۱. ملی‌گرایی ۲. جریان‌های غیرمذهبی ---- (خاتمی سازشکار است)
مطالبات	۱. محکومیت و رسیدگی به عاملان حمله به کوی دانشگاه ۲. پاسخگویی دولت و حاکمیت (رئیس جمهوری و رهبری) ۳. برکناری فرمانده نیروی انتظامی و واگذاری نیرو به وزیرکشور ۴. محکومیت انصار حزب الله و گروه‌های قزاقونی فشار ۵. آزادی روزنامه سلام	دگرگونی نظام سیاسی کشور
فاصله زمانی اقتدار	روزهای ۱۹ و ۲۰ تیر	روزهای ۲۱ و ۲۲ تیر

جدول شماره سه:

نقاط تمایز دو جریان اصلی حرکت ۱۸ تیر که بر پی شکاف ۲۰ تیر از هم جدا شدند

گزارش

هر چند فاجعه حمله به کوی دانشگاه و متعاقب آن اعتراض دامنه دار دانشجویان ایرانی برای بسیاری از ناظران سیاسی نامنتظر می نمود، اما ریشه های بحران را در درگیری های دانشجویی سال های اخیر به وضوح می توان دید. برخورد خشونت آمیز با دانشجویان در محیط های دانشگاهی بی سابقه نبوده و در زمان خود موردانتقاد محافل مستقل از حاکمیت قرار گرفته است، اما هیچ گاه از سوی مراجع قدرت جدی تلقی نشد.

نقش گروه های فشار در این خشونت ها همواره آشکار بود. شاید بتوان گفت که یکی از مطرح ترین گروه های بنیادگرای کنونی بخشی از شهرت خود را وامدار تهاجم به جلسه سخنرانی عبدالکریم سروش در دانشکده فنی دانشگاه تهران و سپس در دیگر مراکز آموزشی است. با گرم شدن بازار رقابت سیاسی به هنگام انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی و هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، برخورد خشونت آمیز با دانشجویان شدت گرفت. این روند شاید به دلیل آن باشد که با جابه جایی گروه های مرجع در جامعه ایرانی، دانشجویان که آئینه ای از افشار گوناگون اجتماع هستند و تلفیق شور و شعور و آگاهی به حساب می آیند، جایگاه مهم تری یافته اند. حمله به این گروه مرجع، غالباً با سکوت و اغماض نیروهای محافظه کار و

حتی حمایت طیف تندروی آنان روبه رو می شد (یکی از درگیری های اخیر دانشجویی در سال گذشته، رسماً مورد حمایت تشکیلی قرار گرفت که پیوندهای خود را با محافظه کاران انکار نمی کند). بسیاری عقیده دارند که کاهش اقبال عمومی نسبت به محافظه کاران، همان گونه که آنان را به بی توجهی نسبت به افکار

جمهوری به آرامش و تأمل نیز آن را فرونشاند. برای به راه انداختن سرکوب دانشجویان و خود سری های بی پایان محفل های خشونت و فشار کافی بود. اما فاجعه زمانی قوت گرفت (و حرکت را به انحراف کشاند) که هیچ یک از نهادهای صاحب اقتدار برای پاسخگویی به مطالبات دانشجویان توان یا اراده لازم را نیافتند.

وزیر کشور دولت و جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی، آشکارا از فرمان دادن به یک واحد

پلیس ضد شورش ناتوان بود. معاون سیاسی وزارت کشور برای تأمین امنیت دانشجویان تنها می توانست از جان خود مایه بگذارد و پیشنهاد کند که در مقابل در ورودی کوی بایستند تا در صورت حمله احتمالی پیش از دیگران کشته شود. سر دبیر یک روزنامه اصلاح طلب وعده پیگیری مطالبات قانونی دانشجویان را در نشریه ای ارایه کرد که سرنوشت آن به مویی بند است. وزیر علوم، مقتدرانه ترین واکنش را اقدام به استعفا دید و

وزیر بهداشت که برای دلجویی آمده بود حتی یک آمبولانس در اختیار نداشت تا «عزت ابراهیم نژاد» را با فشار خون «۳» به بیمارستان شریعتی برساند. «مهاجمان مشکوک و ناشناس» تصویر سرتپ میراحمدی یا حاج کل های دولت، پشت سپر پلیس ضدشورش سنگر گرفتند و برای یک نماینده محافظه کار مجلس صلوات می فرستادند.

نهادهای رسمی در اعلامیه های خود عزل یک

سرتپ نیروی انتظامی را وعده



سه پرده و نیم از یک بازی ناتمام

بازی تمام شد؟

هوشیار انصاری فر

باشند – راستی چه شد که آن جمع کوچک دانشجویی انشعاب کرد و سر به خیابان گذاشت؟ چگونۀ آنان که جهانی را مهربان می خواستند، ناخواسته جاده صاف کن دیوان شدند؟ آنان که یکشنبه شب، دمدمای صبح، از کوی دانشگاه به خانه برگشتند، همگی دیدند که صرف نظر از معدودی، مابقی به خیابان رفتند چون نمی خواستند در سایه «دفر تحکیم وحدت»، یگانه تشکل رسمی و غیر فرامشی موجود، بمانند. گفتیم «حرف آنان که در مسجد هستند و با وزیر سخن می گویند، بسیار تندتر از شعارهای شماس است. چراہ آنان نمی پیوندید؟» گفت: «آنجا در تقسیم، بیرون زدیم تا مردم همه بشوند». گفتیم «با این همه خبرنگار دنیا صدایتان را خواهد شنید. با چند تن اهالی کارگر شمالی دل از چه خوش می کنید؟» گفت: «تحکیمی ها، وحدت حاصل از خون دوستان ما را شکستند. ما تنهاپیم. با که حرف بزئیم؟ از چه حرف بزئیم؟ اصلاً چه سود از حرف دیدہ ایم؟» گفتیم «پس مذاکره برای چیست؟ نمایندگان شما و نمایندگان آنان همه دانشجو هستند و زبان هم را می فهمید.» دیدم که نماینده ای ندارد، دیدم که بازو بند سفید تشکل مستقل دانشجویی بسته است، اما بازو سفیدهای دیگر را حتی به نام هم درست نمی شناسد و تنها وجه مشترکی که با دیگران دارد «اعتناق» است. به خانه برگشتم. پراز سؤال، چرا تمام صدهای مخالف، گیریم که در اقلیت باشند، باید از بلندگوی دفتر تحکیم بلند شوند؟ آیا این به سود جنبش دانشجویی، و حتی دفتر تحکیم است که در چند سال گذشته بیشکام توسعه سیاسی بوده است و در این راه حتی ناسزا شنیده و کتک هم خورده است؟ درست است که در میان تشکل های رسمی دانشجویی فقط دفتر تحکیم است که میان دانشجویان اعتباری برای خود دارد، فقط دفتر تحکیم است که صرفاً بخشی از طرح رسمی سازی دانشگاه محسوب نمی شود، اما شما که بقیه را، غیر رسمی ها از اقلیت می دانید، فکری برای ساماندنشان و قانون مند کردن این اقلیتها هیچ کرده اید؟ این چگونه توسعه سیاسی است که ساز و کاری برای به سامان درآوردن اقلیت، که بخش تفکیک ناپذیر و مخوم هر جامعه چندصدایی است، نیانداشته است؟ آیا اگر تحت عنوان «تشکل مستقل دانشجویی» یا هر عنوان دیگر، موفق به دریافت مجوز می شدند، باز هم سر به خیابان می گذاشتند؟ چگونه از آنان که حتی از به رسمیت شناختنشان هم دریغ شد، دعوت به ماندن و حفظ وحدت کردند؟ آیا این مصداق همان شعار معروف «همه با من» نیست که همه محکومش می کنیم؟ آیا در این شرایط نابرابر اساساً چیزی به نام «مذاکره» امکان پذیر هست؟ هزینه سنگینی را که جنبش دانشجویی در روزهای اخیر متحمل شد به پای که باید نوشت؟ راستی چرآن روز که دیگران بامی کاشتند، فکر روزی را نکردید که توفان را شما باید روز کنید؟ چرا؟

«ساحت غفلت» که گفتیم، همین ساخت «تک صدایی» است (و آن روی سکه آن «ودصدایی»). «جنبش دانشجویی» و دفتر تحکیم وحدت، در مقام نوک پیکان توسعه سیاسی، فرآوری از این ساخت استبدادی را ابتدا باید درونی

خودش کند تا در گام بعدی بتواند در مقام راهکار، آن را به جامعه ارائه دهد. بارها آزموده را آزموده ایم، بار آخر همین چندروز پیش. این بار...

پرده ای دیگر ... این بار، اگر تاریخی در کار باشد، اوست که با ما سخن می گوید. همو که قلم به دست گرفته است و منتظریم همه تا ببینیم این پرده آخر را چگونه آیا رقم خواهد زد، پرده ای که می توان آن را پیش بینی کرد، یا این و یا آن، همین و بس.

کردن این اقلیتها هیچ کرده اید؟ این چگونه توسعه سیاسی است که ساز و کاری برای به سامان درآوردن اقلیت، که بخش تفکیک ناپذیر و مخوم هر جامعه چندصدایی است، نیانداشته است؟ آیا اگر تحت عنوان «تشکل مستقل دانشجویی» یا هر عنوان دیگر، موفق به دریافت مجوز می شدند، باز هم سر به خیابان می گذاشتند؟ چگونه از آنان که حتی از به رسمیت شناختنشان هم دریغ شد، دعوت به ماندن و حفظ وحدت کردند؟ آیا این مصداق همان شعار معروف «همه با من» نیست که همه محکومش می کنیم؟ آیا در این شرایط نابرابر اساساً چیزی به نام «مذاکره» امکان پذیر هست؟ هزینه سنگینی را که جنبش دانشجویی در روزهای اخیر متحمل شد به پای که باید نوشت؟ راستی چرآن روز که دیگران بامی کاشتند، فکر روزی را نکردید که توفان را شما باید روز کنید؟ چرا؟

«ساحت غفلت» که گفتیم، همین ساخت «تک صدایی» است (و آن روی سکه آن «ودصدایی»). «جنبش دانشجویی» و دفتر تحکیم وحدت، در مقام نوک پیکان توسعه سیاسی، فرآوری از این ساخت استبدادی را ابتدا باید درونی خودش کند تا در گام بعدی بتواند در مقام راهکار، آن را به جامعه ارائه دهد. بارها آزموده را آزموده ایم، بار آخر همین چندروز پیش. این بار...

پرده ای دیگر ... این بار، اگر تاریخی در کار باشد، اوست که با ما سخن می گوید. همو که قلم به دست گرفته است و منتظریم همه تا ببینیم این پرده آخر را چگونه آیا رقم خواهد زد، پرده ای که می توان آن را پیش بینی کرد، یا این و یا آن، همین و بس.

هیچ کس صدای تبریز را نشنید

مهرداد خلیلی

شده بودند. دانشجویان، مجروحان را به داخل دانشگاه انتقال دادند و به مداوای آنان پرداختند. خبر که به استاندار رسید، او خود را به دانشگاه رساند اما موفق به سخنرانی نشد. فرماندار نیز از سخنان خود بهره ای نگرفت. اما صحبت های دکتر پزشکیان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی آرمش نسبی را به دانشجویان بازگرداند. دانشجویان پس از قرائت قطعنامه ای قصد خوابگاه ها و خانه های خود را کرده بودند که خبر رسید گروهی از دانشجویان را در بیرون دانشگاه

شده بودند. دانشجویان، مجروحان را به داخل دانشگاه انتقال دادند و به مداوای آنان پرداختند. خبر که به استاندار رسید، او خود را به دانشگاه رساند اما موفق به سخنرانی نشد. فرماندار نیز از سخنان خود بهره ای نگرفت. اما صحبت های دکتر پزشکیان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی آرمش نسبی را به دانشجویان بازگرداند. دانشجویان پس از قرائت قطعنامه ای قصد خوابگاه ها و خانه های خود را کرده بودند که خبر رسید گروهی از دانشجویان را در بیرون دانشگاه

هنگامی که دانشجویان دانشگاه های تهران در پی بازپس گیری حقوق و رفع اهانت های وارد شده و شناسایی عاملان هجوم بودند، همه نگاه ها خیره به تهران و وقایعی بود که در آن می گذشت فریادهای بلند

چندان از هر سوی بلند بود که دیگر هیچ کس ناله

دانشجویان تبریزی را نشنید

دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار داده اند. این خبر کاسه صبر همه را لبریز کرد و دانشجویان را به دل دایمی برد که پرایشان گسترانده شده بود. بیش از پیش تحریک می کردند. اگر چه با دیدن این صحنه اکثریت دانشجویان به داخل محوطه بازگشتند ولی عده ای در بیرون دانشگاه با گروه های فشار درگیر شدند. مهاجمان با لباس شخصی و چوب و چماق دانشجویان را می زدند و آنان که در داخل دانشگاه مانده بودند در حمایت از هم صفشان خود با سنگ به مقابله می پرداختند.

شراه ای که همه چیز را سوزاند

در اولین دور درگیری ها گفته می شد که ۸۰ نفر زخمی شده است. بیشتر آنان با چوب یا چاقو مجروح و در محاصره نیروی انتظامی و گروه فشار افتادند. چند نفر از اعضای گروه فشار با موتورسیکلت در میان دانشجویان ویراژ می دادند و آنان را بیش از پیش تحریک می کردند. اگر چه با دیدن این صحنه اکثریت دانشجویان به داخل محوطه بازگشتند ولی عده ای در بیرون دانشگاه با گروه های فشار درگیر شدند. مهاجمان با لباس شخصی و چوب و چماق دانشجویان را می زدند و آنان که در داخل دانشگاه مانده بودند در حمایت از هم صفشان خود با سنگ به مقابله می پرداختند.

شده بودند. دانشجویان، مجروحان را به داخل دانشگاه انتقال دادند و به مداوای آنان پرداختند. خبر که به استاندار رسید، او خود را به دانشگاه رساند اما موفق به سخنرانی نشد. فرماندار نیز از سخنان خود بهره ای نگرفت. اما صحبت های دکتر پزشکیان، رئیس دانشگاه علوم پزشکی آرمش نسبی را به دانشجویان بازگرداند. دانشجویان پس از قرائت قطعنامه ای قصد خوابگاه ها و خانه های خود را کرده بودند که خبر رسید گروهی از دانشجویان را در بیرون دانشگاه

سینا مطلبی

حاکمیت و حتی اپوزیسیون، گرفتار پاک کردن دامان خود از آلودگی پیامدهای فاجعه ۱۸ تیر هستند. محافظه کاران اصلاح طلبان را متهم می کنند بی آن که به یاد بیاورند جریان خشونت و تشنج پرورده اغماض آنان است، اصلاح طلبیان افراطی گرایان را مقصر می دانند، بی آنکه باور کنند. پروژه اصلاح و توسعه سیاسی در جامعه ما هنوز برای حل تضادهای اجتماعی مستقر نیافتاده است. افراطی گرایان به وابستگی های خارجی اقرار می کنند و از براندازی دم می زنند، بی آن که بینند عملکردشان همسو با تاندروترین محافظه کاران گشته است و گروه های فشار (آغازگران خشونت) همانجایی نهان هستند که همیشه بوده اند؛ پشت پرده.

تأزمانی که پیامدهای بحران، اهمیتی بیش از ریشه های آن داشته باشد، تا زمانی که به «خیابان» بیش از «کوی» اندیشیده شود، زمینه برای تبلور بحران های آتی فراهم است. مستندات وجود دارد، که ثابت می کند مهاجمان کوی، نه تنها از نفوذ فرصت طلبان به داخل جنبش دانشجویی استقبال کرده اند بلکه خود نیز همراه آنان شدند تا به فرصت طلبی، افراطی گری و انحراف مجال بیشتری بدهند. اکنون به لطف همین انحراف، عوامل بحران را از هر آسیبی مصون گشته اند تا باتداوم خط خشونت، کیته ها را انباشته تر و تضادها را عمیق تر کنند. ریشه یابی و ریشه کنی این عوامل و محفل های بحران آفرین به عزم ملی و عمومی نیاز دارد.

باور کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

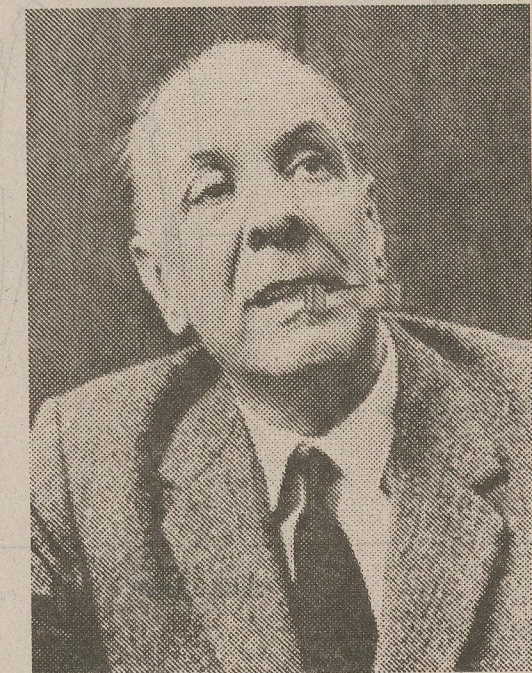
بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

بازر کنیم سرود دانشجویان را که در شامگاه ۱۸ تیر و در تیرس «شلیک های مشکوک» می خواندند: همراه شو عزیز/ تنها مرو به دشت / کاین درد مشترک / هرگز جدا جدا/ درمان نمی شود.

گفت وگویی متفاوت با بورخس

از همه آن چه نوشته‌ام پشیمانم

هفت روز، هفت عصر و هفت شب است که افسوس هزار توها، احساس کوچکی و آینه‌ها از درون آثار خورخه لوئیس بورخس شکوفامی شوند، جایی که در رویاهای خواننده چهره لئوپولد لوگونس پدیدار می شود. یا در جایی که می شود شخصیت ظریف و لوئد اولریکا را دیدار کرد. بیاییم لختی با بورخس به سر بریم. مجبوریم خیالاتمان را رهاسازیم. زیرا آنچه در باره وی می نویسیم مضحک و ناچیز به نظر می رسد. پس بیاییم به او رو کنیم. او جدا از سایر چیزها به ما آموخت که خود را شبیه به زمان سازیم که بهترین طریق رهایی از یک متن، نشر آن است. پس اینکه زمان آن فرارسیده است تا همه یا تقریباً تمام آنچه را که درباره اش صحبت کرده‌ایم. برای این که شما هم بتوانید در آن سهم شوید عیان کنیم شاید این یکی از آخرین آن‌ها باشد. چون بورخس خود می گوید: کتاب مقدس ۷۰ سال زندگی را توصیه می کند و من ۹ سال زیادی در قید حیات بوده‌ام. اگر آبا گذشته کلیسا در قید حیات بودند، از آنان برای یک سال عمر اضافه، تقاضای فراغت می کردم تا بتوانم آنچه را که نوشتم، ام بنویسم. از او درباره عشق می پرسیم:
● آیا بورخس عاشق شده است؟
□ من یک مرد ۸۰ ساله‌ام.
● مگر در ۸۰ سالگی نمی توان عاشق شد؟
□ متأسفانه نه، برای دیگران دیر است، اما نه برای دیگری.
□ رومانستیک بودن، شکلی از حسن زندگی است. در عین حال که آدم ممکن است در قبال عشق، بی حفاظ و بی دفاع باشد.
● اما عشق پیش و پس از ناپیایی چگونه پایدار می ماند؟
□ یک نفر عشق را در دیگری می بیند. مطمئنم که به خوبی عشق را می بینم. کسی عشق را در شخص به خصوصی تصور می کند. یکی دیگر چون چشمهایش نمی بیند، عشنش تغییر نمی کند. عشق را آن طور که هست احساس کند.
□ با این حال هستند کسانی که می پندارند در زندگی شما عشقی وجود ندارد.



«دو کلام پیش از مرگ» عنوان کتابی است حاوی چهارده گفت وگویی موضوعی که خورخه لوئیس بورخس نویسنده وشاعر نابینای فقید آرژانتینی طی فرصت های مختلفی با مصاحبه گران متعددی انجام داده است. این مجموعه در سال ۱۹۹۴ با مقدمه ای به قلم فرناندو ماتو گردآوری و سپس از سوی ناشر ال سی در آرژانتین منتشر شد. از دیگر گفت وگوهای این مجموعه می توان به بورخس و نهودیان، بورخس و زنان، بورخس، فرشته و شیطان و... اشاره داشت. مصاحبه زیر متن آخرین گفت وگویی است که در پایان همین کتاب از سوی آلیسیا باربوس با بورخس صورت گرفته است و مستقیماً از زبان اسپانیولی به فارسی تقدیم علاقه مندان به ادبیات آمریکای لاتین می شود.

می رسیدم. ناپیایی مرا از این وحشت بی پایان رها ساخت.

به یاد هزار توها می افتم؛

● چرا اینقدر از آینه‌ها وحشت داشتید؟

□ نمی دانم. این‌ها چیزهایی هستند که در تخیلات بچه‌ها به غول تبدیل می شوند و بعدها هم هیچ گاه از خاطر محو نمی شوند. برای آلیس در سرزمین عجایب همان حالت اتفاق افتاد. یک بار میان ویکتوریا او کمپو و لوئیس کارول [نویسنده آلیس در سرزمین عجایب] نکته بسیار جالبی روی داد. ویکتوریا بسیار تحت تأثیر کتاب آلیس قرار گرفته بود و به لوئیس نوشت که سایر آثارش را نیز برایش ارسال کند. کارول فوراً درخوابش را اجابت کرد، اما به جای تهیه کتاب های آلیس، کتاب های ریاضیاتش را چون

نامیدکننده و نسبت به سلینجر بسیار توهین آمیز بود. منتقدان دیگری نیز سلینجر را به نداشتن مسئولیت در قبال جامعه، تیرگی ذهن، علاقه به فلسفه شرق (!)، دید بسته به زندگی و به شکست در بیان مفاهیم و ارزش هایی که منتقدان خود آنها را موجه می دانستند متهم کردند. این حمله ها اغلب به جاشی خصومت شخصی نیز آلوده بود، تا جایی که منتقدان از اصطلاح «صغیر» برای اشاره به سلینجر و آثارش استفاده کردند.

اما حقیقت، همان طور که جیمز ئی. میلر نیز در یادداشتش بر سلینجر آورده (این یاداشت همراه ترجمه فارسی رمان هست)، این است که سلینجر به هیچ وجه «صغیر» نیست. سلینجر خود مدت هاست که از نوشتن برای عموم دست کشیده و نوعی زندگی در انزوا را بر مواجهه با مردم ترجیح داده، اما آنچه بر جای گذاشته در زمره آثار ادبی متعالی است. دیدگاه سلینجر در آثارش چنان جدی است که تو جویی جدی نیز می طلبد.

منتقدان به ارزش و معنی واقعی آثار سلینجر اذعان نداشتند، اما همه اعتراف می کردند که این آثار الگویی روایی پیچیده و خوش ساختی دارند. داستان های اولیه سلینجر که اغلب در مجله های کم اهمیت چاپ می شدند از نظر تاریخی یا تکنیکی چندان قابل توجه نیستند و سلینجر خود کوشیده آنها را محو و نابود کند و نمونه هایی را که تشخیص داده ارزش ماندن دارند از ۱۹۴۷ به بعد منتشر کرده است. اما شکی نیست که بهترین آنها «ناتوردشت» است. «ناتوردشت» داستان مواجهه قهرمان داستان، معصوم است اما ساده دل نیست؛ از شرارت باخبر است، آن را می شناسد، اما به آن آلوده نشده. داستان او یک اودیسه است؛ یعنی گریز و جستجو. اودیسه، که بعدازظهر شبیه «دوروبر کریسمس گذشته» در

چون آنتونیلی از مقامی که هولند به او بخشیده بود سقوط می کند، هولند در واکنش خود افراط می کند. این الگو، که مشخصه روابط نوجوانان با دنیای اطرافشان است، در رابطه هولند با نلی هیز و احساس او در مورد برداشش د.ب. و پدرش نیز تکرار می شود. هولند متوجه دلبرت نیروهایی که علیه

دیگری باقی نمی ماند که این هم شکلی از انحطاط است. در عوض ماها (ارژانتینی ها) خیلی قدرت بزرگی نیستیم. اما همچنان به دنبال بزرگ بودن هستیم.

● اگر این فرصت و امکان را می داشتید که همچون رابینسون کروزوه در جزیره ای در تنهایی زندگی کنید، آیا می پذیرفتید؟
□ من خودم اهل پلدر هستم. اما بوئونوس آیرس دیگر شهر من نیست، قبلاً خیابان های کوریتش، پاراگوئه، سوییاچا، خانه های کوتاهی داشتند. من دیگر اینجا زندگی نمی کنم، چرا که همه چیز را به گونه ای دیگر احساس می کنم. دوستم ماسترو ناردی دیگر در بین ما نیست و در گذشته است. با او خاطرات مشترکی داشتم. حالا دیگر گویی در یک جزیره پرت واقع شده‌ام.

● آیا شهرت، شما را می آزارد؟

□ راحت نیستم. می خواستم مرد نامریی «ولز» باشم. جدای از این، تاکنون هیچ کاری ابرای این که مردمی باشم، انجام نداده‌ام. بلکه برعکس شاهد این مطلب این است که به سهم خود هیچ نقشی در این باره نداشته‌ام، این است که فقط کتاب نوشتم.

عشق، ادبیات اروتیک و بورخس در یکی از کتاب های عشقی خود تحت نام «اولریکا» می نویسد: اولریکا دیگر لباسهایش را از تن درآورده بود. مرا با نام واقعی خودم «خاویر» ندا داد. احساس کردم که برف دارد به شدت می بارد. دگر نه میل و نه آتش را به باقی نهماند بود. میان ما دو نفر هیچ چیزی وجود نداشت. مانند یک ساعت شنی، زمان سپری می گشت. قرن نه سایه، عشق را به جریان انداخته بود برای اولین و آخرین بار از سیمای اولریکا لذت بردم.

● اما اولریکا کمی وقیح است...
□ چه خوب که شما اولریکا را می شناسید. این یکی از داستان های مورد علاقه من است. اما کسی را نمی رنجاند. خیلی لطیف و ظریف است. کسی به من گفت که هرزه

مترجم: رضا زنگنه

است، اما این طور نیست. از اینکه دیگران چنین قضاوتی داشته باشند، دلم به درد می آید.

● اولریکا کیست؟

□ هرگز نخواهم گفت. و از او درباره زندگی و احساسش پیش از مرگ می پرسیم:
● یکی از اشعارتان چنین می گوید: بدترین گناهی را که آدم می تواند مرتکب بشود، مرتکب شده‌ام، این که خوشبخت نبوده‌ام...

□ ادامه ندهید، چون این شعر را که «ندامت» نام دارد، دوست ندارم. برخی حتی پرسیده‌اند که به چه دلیل شعری که موقعیت را بدتر می کند و به شهر تم لطمه وارد می سازد منتشر کرده‌ام. من به آنان گفتم در سن و سال من، شهرت و دیگر چیزها برایم اهمیت چندانی ندارد. الفونسو ژرس می گفت: وقتی کسی کتابی به چاپ می رساند، برای آن است که زندگی را سپری نکند. این شعر را سه یا چهار روز پس از مرگ مادرم سرودم. مساعدترین زمان برای سرودن شعر، هنگامی است که آدم از آن لحظه در رنج است. برای یادآوری آن زمان، نه فقط بازیگر نیست، بلکه تماشاگر هم نیست. من حق نوشتن نداشته‌ام اما به هر حال آن را انجام دادم. از مرگ مادرم خرد و خمیر شده بودم. به نظر نمی آید این شعر را من نوشته باشم. نه خلق و خوی مرا دارد، نه تلاطم مرا. نمی خواهم چندان خشن باشم و علت این که در نهایت مورد خوشایند خیلی ها واقع شده ان نیست که چیزی در بطن خود دارد.
● از مرگ می هراسید؟

□ نه، از درد تن وحشت دارم.
● و اگر بورخس بخواد دو کلام پیش از مرگ بگوید...
□ از تمام آنچه نوشتم، ا بشیمانم.

● واقعا؟

□ می دانید که بیماری؟ بایستی از تمام کتاب هایم توپه کنم... اما از این مطمئن هستم که اگر کسی یکی از کتاب هایم را لمس کند آدمی را لمس کرده است و همان طور که ویتمن می گوید: خواننده می داند وقتی که شب فرا می رسد، ما هر دو با هم تنها هستیم.

قصه

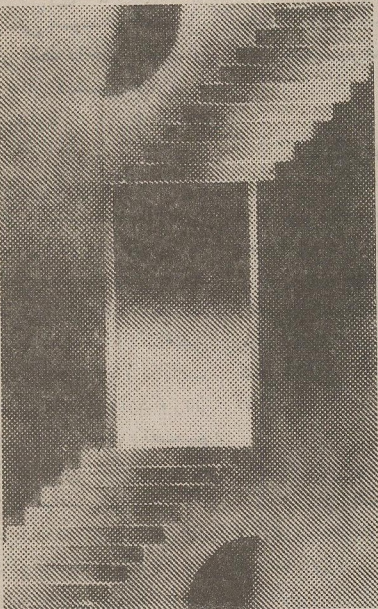
بورخس و من

خورخه لوئیس بورخس
ترجمه: احمد میرعلایی

اشاره:

بورخس در ایران با ترجمه هایی از احمد میرعلایی شناخته شد. خیلی ها معتقدند که اصولاً بورخس را میرعلایی به همگان معرفی کرده است. زاون قو کاسیان منتقد فیلم می گوید: «مسعود کیمیایی فیلم غزل خود را از روی داستان مزاحم بورخس ساخته بود و من در مجموعه «نقد و معرفی آثار مسعود کیمیایی» از راهنمایی های میرعلایی در مورد بورخس بسیار استفاده کردم». متن زیر از کتاب «یاغ گلر گاه های هزار پیچ» انتخاب شده است. این کتاب از اولین آثار بورخس است که میرعلایی را ن ترجمه کرده بود.

گروه ادب و هنر



آن چه اتفاق می افتد برای آن مرد دیگر، برای بورخس، اتفاق می افتد. من در خیابان های بوئنوس آیرس قدم می زنم، گاه به گاه – شاید از سر عادت – می ایستم تا به تاقماتی یک سر در قدیمی یا به دری آنگاه نگاه کنم، از خلال نامه‌ها از احوال بورخس با خبر می شوم و نامش را در فهرستی از نام های کمیته استادان دانشگاه یا در تذکره ای از احوال شاعران می بینم. علاقه ای خاص به ساعت های شنی، نقشه های جغرافیا، نسخ چاپی قرن هیجدهم، ریشه لغات، بوی قهوه و نژاستوئسن دارم. آن مرد دیگر در این علایق سهمی است. اما به شیوه ای متضاهرانه آن‌ها را تبدیل به اطواری تماشاخانه ای می کند. اگر بگویم که با هم اختلاف داریم راه اغراق پوییده‌ام: زندگی می کنم و می گذارم زندگی کند تا بورخس بتواند اشعار و افسانه هایش را به هم بافد و این اشعار و افسانه ها دلیل وجود من است. اذعان این مطلب برایم دشوار نیست که او توانسته است چند صفحه با ارزشی بنویسد. اما این صفحات نمی توانند مرا نجات دهند.

شاید به این دلیل که آن چه خوب است دیگر به فرد تعلق ندارد – حتی متعلق به آن مرد دیگر نیست – هم بلکه به سخن و سنت تعلق دارد. به هر حال سر نوشت من این است که به یکباره و برای همیشه از میان بروم و تنها لحظاتی از من در آن مرد دیگر زنده بماند. به تدریج همه چیز را به او تسلیم کرده‌ام، هر چند شواهدی از عادت پیگیر او در مبالغه و مغالطه دارم. اسپینوزا معتقد بود که همه چیزها سعی دارند خودشان باشند؛ سنگ می خواهد سنگ باشد و بیر می خواهد بیر باشد. من در بورخس باقی خواهم ماندنه در خودم (اگر کسی باشم)، اما خویش را بیشتر در کتاب های دیگران یا در کوک کردن های پر زحمت گیتار می یابم تا در کتاب های او. سال ها پیش، کوشیدم که خویش را از او برهانم واز اساطیر محلات پست شهر به بازی بازمان و ابدیت را آوردم. اما آن بازی ها اکنون جزیی از وجود بورخس اند و من باید به چیزهای دیگر رو کنم. بدین ترتیب زندگی من سراسر فرار است و همه چیز را از دست می دهم، همه چیز را به نسیان یا به آن من دیگر می بازم. نمی دانم اکنون کدام یک از ما این صفحه را می نویسد.

آخرین پاراگراف داستان می گوید: «دیگه چیزی برای نوشتن نیست و من حسابی از این وضع خوشحالم، آخه آگاهی می دونستم کتاب نوشتن چه عذاییه، اصلاً سراغش نمی ردم». این دو پاراگراف محدوده آگاهی ها که نسبت به مخاطبانش و نقش خودش به عنوان راوی مشخص می کند – مگر این که بخواهم عبارت های ناگاهی چون «می دونی» را نیز نشانه هایی از این آگاهی تعبیر کنیم. سلینجر نیز از چارچوب مشابهی در «ناتور» بهره می برد. هولند خود را در پاراگراف اول معرفی می کند و در سه پاراگراف آخر نیز به نقش خود به عنوان راوی توجه آشکار دارد. اما آگاهی هولند به نقشش، برعکس آگاهی ها که، به کلی در طول داستان محو نمی شود. او همچنین به نقش خود و حضور مخاطبش آگاه است. گرچه هولند به اندازه ها که ساده دل نیست، به اندازه سلینجر – و خوشبختانه خوانندگان داستان – تجربه ندارد و از طبیعت کهن الگویی اودیسه و وضعیت های مواجه اش با تجربه خیری ندارد و به اندازه مخاطبش از تجربه هایش نمی آموزد. د.ب. از او می پرسد درباره داستانش چه نظری دارد. هولند به ما می گوید: «راستش روبخوای، دوستم نظرم درباره اش چیه» اما سلینجر به ما اطلاعات کافی داده تا بدانیم چه نظری داشته باشیم.

آگاهی هولند نسبت به خود ضعیف چارچوب داستان نیست، بلکه منبعی است برای قدرت و جذابیت خارق العاده اثر همین آگاهی است که تجربه هولند را چنان برایش در دنا که هولند را برای ها که دردناک نیست، محدود بودن امکانات زبانی هولند اهمیت بسیاری دارد چون به کنایه ای دردناک می انجامد: بین عظمت رنج انسان و فقر ابزارهای او برای فهم یا حتی بیان این رنج فاصله تراژیک پس بزرگی هست.

ناتور دشت

نوشته جی. دی. سلینجر
ترجمه محمد یحیی
به همراه تصاویر نقاشی زنگنه و آنا سلینجر



برای من خواننده رمان و علاقه مند به ادبیات بسیار خوشحال کننده است که ترجمه رمانی به چاپ دوم – و احتمالاً بزودی به چاپ سوم نیز – برسد. آن هم رمان «ناتور دشت» که به عنوان یکی از بهترین رمان های قرن انتخاب شده، از تاریخ انتشارش توجه بسیاری از منتقدان و ادیبان را در سراسر جهان جلب کرده، سالانه حدود پانصد هزار نسخه در آمریکا چاپ می شود و از دهه ۱۹۵۰ به بعد هم در سراسر جهان بسیاری آن را خوانده و از آن لذت برده‌اند.

نام سلینجر، نویسنده رمان، هم برای جماعت علاقه مند به ادبیات نامی ناآشنا نیست. از داستان های اولیه او که بگذریم، مجموعاً چهار اثر دارد: یکی همین «ناتور دشت» شاهکارش، مجموعه «نه داستان»، دو داستان «تیرک بام را بالا بکش» و «نچارها» و «سمور»؛ یک مقدمه در یک جلد و «فرنی و زوئی» که این دو تایی آخر هم از پرفروش ترین داستان های جهان هستند. (باخبر شدیم که مترجم فارسی «ناتور» این دو مجموعه را هم در دست ترجمه دارد و در آینده نه چندان دور آنها نیز به چاپ می رسند).

داستان های سلینجر در حدود دهه ۱۹۴۰ منتشر می شد، اما تا انتشار «ناتور دشت» (۱۹۵۱) به طور جدی به آثار او توجهی نشده بود. در سال ۱۹۶۳ کتابی در نقد آثار سلینجر منتشر شد که از دیدگاه اصول نقد،

ناتور دشت

دبیرستان پنسی آغاز می شود و دوشبه در باغ وحش شهر نیویورک پایان می پذیرد، چارچوبی گذشته نگر دارد. هولند داستانش را چند ماه بعد در کالیفرنیا، طی جلسات درمانی با روانکاو روایت می کند.

کشمکش محوری «ناتور» کشمکش ستنی مصصوبیت و تجربه است. هولند حسی مسیحایی دارد: او خواهد انسان را از گناه برهاند. اما مانند اغلب شخصیت های مسیح گونه شکست می خورد. می آموزد که نمی تواند ناتوردشت باشد و معصومان را از هیوط در تجربه بازدارد. چارچوب داستان مشخص می کند که این روایت هم مطالعه ای موردی و هم مکالمه ای درمانی است.

همان گونه که خاص ادبیات مکالمه – درمانی است، «ناتور» ملو از بیزاری های هولند است. هولند بویژه از تقلب و حقه بازی بیزار است. از نظر هولند همه آدم های داستان جز خواهرش فیبی متقلب و حقه بازند و وانمود می کنند کس دیگری هستند. هولند با همه این آدم ها با مهربانی و سخاوت برخورد می کند، اما هنگامی که می خواهند تماسی بدنی یا احساسی با او ایجاد کنند او خود را عقب می کشد. واکنش او به نوازش آقای آنتولینی، معلم سابق و پدر تعمیدی اش، از این نمونه عقب نشینی ها است. وقتی هولند به سلامت از آپارتمان آقای آنتولینی خارج می شود و بر ترسش غلبه می کند می گوید: «منظورم اینه که فکر کردم شاید اشتباه کرده‌ام که خیال کردم داره باهام لاس می زنه. گفتم شاید دوست داره وقتی یکی خوابه، سرش رو نوازش کنه» و نتیجه همچنان مبهم باقی می ماند.

چون آنتولینی از مقامی که هولند به او بخشیده بود سقوط می کند، هولند در واکنش خود افراط می کند. این الگو، که مشخصه روابط نوجوانان با دنیای اطرافشان است، در رابطه هولند با نلی هیز و احساس او در مورد برداشش د.ب. و پدرش نیز تکرار می شود. هولند متوجه دلبرت نیروهایی که علیه

معتصوبیت و راستی عمل می کنند می شود و می فهمد جدال علیه این نیروها تنها پیروزی آنها را به تعویق می اندازد. هنگامی که در موزه منظره خواهرش فیبییی است، می پندارد فیبی نیز در موزه همان را تماشا می کند که خود سالها پیش دیده. اما در صحنه ای که به مقبره وارد می شود و چشمش به ناسازی

امید شهبازی

همیشگی و معروف می خورد به اوج شناخت می رسد: «نمی شه به جای قشنگ و آرامش بخش پیدا کرد چون همچنین جایی وجود خارجی نداره. می شه تصور کرد که همچین جایی هست، ولی وقتی به اونجا می ری و حواست نیست، یکی یواشکی میاد و درست بغل گوشت می نویسه «دهنت رو...» یه بار امتحان کن. حتی فکر کنم وقتی بمیرم و بیرم قبرستون و چالم کن و یه سنگ قبر هم برام درست کنن که روش نوشته «هولند کالیفلد» سال تولد و وفاتم رو ذکر کرده‌ن، زیرش هم نوشته «دهنت رو...» در واقع مطمئنم که این طوری می شه. اینجا هولند می آموزد که کشمکش گریز ناپذیر و همیشگی است و بعداً هنگام تماشای فیبی و بچه های دیگر بر چرخ و فلک می فهمد: «وقتی یه بچه ای می خواد میله رو محکم تو دستش بگیره، نباید سربه سرش گذاشت و چیزی گفت. اگه هم پرت شه، پرت شده، ولی نباید چیزی بهش گفت».

معتصوبیت جاودان نیست و به همین دلیل زیبا و تلخ است. همین حقیقت هولند را هنگام تماشای فیبییی بر چرخ و فلک از فرط خوشحالی به مرز جیغ زدن می رساند؛ آهنگی که هنگام گردش چرخ و فلک نواخته می شود «دود می ره تو چشمت» نام دارد و باز به این حقیقت اشاره می کند.

سلیاسه «ناتور دشت» با «هاکلبری فین» – اودیسه دیگر ادبیات آمریکا – ناگزیر می نماید. مهم ترین شباهت های این دو اثر چارچوب روایی، ساختار تک پرده ای، سبک معاوره ای و انتقاد اجتماعی است.

هاک در ابتدای داستان، خود را به عنوان راوی معرفی می کندو در

تفسیر سیاسی هفته:

تمام آنچه درباره چماق باید بدانید

شهرام شکبیا

تهاجم فرهنگی همه جانبه نوعی چماق خوردنی دیگر هم رواج پیدا کرده که به آن نان باگت می گویند. معروفترین نوع این چماق باگت فرانسوی است که گویا هضم بهتری دارد.

چماق در مسیر تاریخ

از همان روزی که شخصی شاخه ای که خود بر آن نشسته بود را برید، چماق در سرنوشت بشر داخل شد و اندک اندک جای خود را در زندگی وی گشود وحرکت تاریخی را آغاز کرد و ولی هرگز متحول نشد، چرا که خودش متحول کننده بزرگی بود، چنان که چندین بار تاریخ را متحول کرد و حتی مسیر آن را تغییر داد. در همه جای دنیا چماق مسیر حرکت تاریخ را از «راست به چپ» تغییر می دهد. الا در این مرز پر گهر که چماق معمولاً مسیر تاریخ را از «چپ به راست» عوض می کند.

کارهای دیگر چماق

علاوه بر آنچه گفتیم چماق خیلی کارهای دیگر هم انجام می دهد که در اینجا فهرست وار به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱- می نویسد.
۲- می خواند.
۳- راه می رود.
۴- مصاحبه می کند.
۵- منتشر می شود.
۶- شلیک می کند.
۷- در وزارت اطلاعات نفوذ می کند.
۸- وزارت اطلاعات را دور می زند.
۹- نویسندگان را می کشد.
۱۰- چماق «نیمه پنهان» خیلی چیزها را آشکار می سازد و «هویت» خیلی چیزها را روشن می کند.
۱۱- دانشجو له می کند.
۱۲- به راه راست هدایت می کند.

را معمولاً با ضربه چماق از بینی افراد خارج می کنند که چندان دیدنی نیست. ولی معمولاً نتایج شیرینی دارد. چماق و مغز چنان ضدیتی باهم دارند که یکی از بزرگترین چماقداران این مرز و بوم، را «شعبان بی مخ» می خواندند. معمولاً لازمه استفاده از چماق استفاده غیر ضروری از مغز بود.

بزرگترین کلید

بنابر عقیقه برخی از ناظران آگاه به مسائل خیلی مهم، چماق بزرگترین کلیدی است که بشر تاکنون ساخته است و با آن درهایی را باز کرده یا درهای بازی را بسته که هیچ کس فکرش را هم نمی کرده است.

چماق در ادبیات داستانی

«... و آنان چوب به دست می دویدند تا ...» (چوب به دستان ورزیل، غلامحسین ساعدی)

چماق در ادبیات کودک و نوجوان

چماق خوب

یه چوب دارم این قدیه دشمن دوی خردادیه می زنم تو کله همه حال می کنم به عالمه این چماقو نداشتم مشقامو خوب نوشتم سردبیر به هم عیدی داد یه چوب این قدی داد امتیاز یه روزنامه چهار رنگ دیگه هم بهم داد. (برگرفته از کتاب درسی دوم دبستان چاپ بعدی)

چماق و باگت فرانسوی

چماق یکی از سفت ترین خوردنی های بشر است. چماق برای خیلی ها نان دارد. حالا هم که مدتی است طی یک

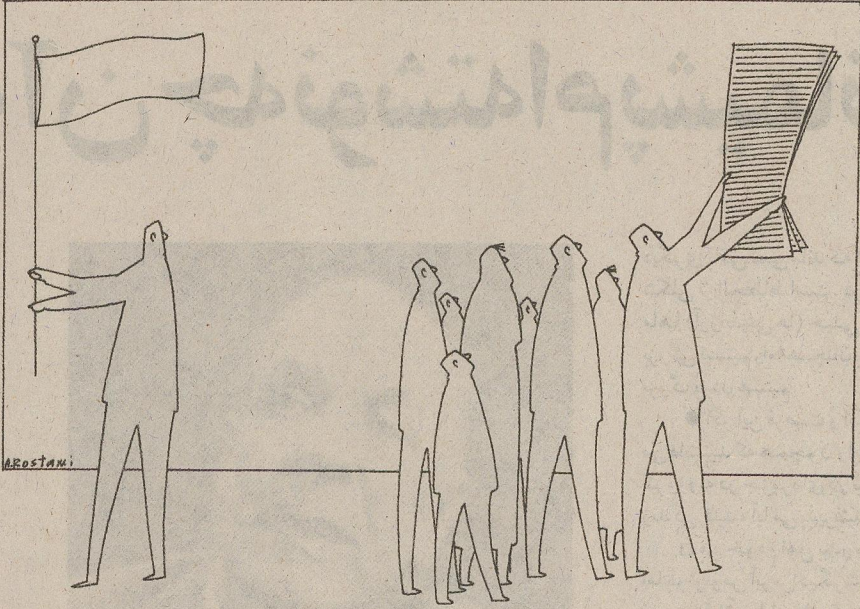
«چماق» بر وزن «الاغ» یکی از آلات و ابزارى است که دارندگانش از خود آن مهم تر هستند. چماق استعمال خارجی ولى چماقدار استعمال داخلی دارد. چرا که چماق را باید از مخفیگاه خارج کرد و به کار برد. ولى میدان عمل چماقدار فقط داخلی است و در خارج از کشور کاربرد چندانی ندارد.

اولین گروه فشار

بنابر مستندات تاریخی اولین چماق وقتی به کار گرفته شد که کسی مصمم شد تا به یک نفر فشار زیادی وارد کند. اما چون متوجه شد که آن شخص طرفداران زیادی دارد و دریافت که به تنهایی قادر به وارد آوردن فشار موردنیاز نیست، تصمیم گرفت تا گروهی تشکیل بدهد. بنابراین از میان اپنای بشر آنان را که مغزشان در کوچترین حد ممکن قرار داشت گزینش کرد و همه را به باغی بزرگ برد و هرکدام را اره به دست بر شاخه ای نشانند و بعد با چماقش محکم به یک پیت حلبی خالی کوبید. همه شاخه سواران شروع بر بریدن شاخه ها کردند و بعد هم یکی یکی مثل برگ های پاییزی فرود آمدند. تیم جراحی مستقر در محل نیز یکی یکی چماق ها را برید. از آن به بعد «این گروه خشن» هرکس را که قرار بود فشرده کند، باهم فشار می دادند ... و از آنجا بود که اولین «گروه فشار» شکل گرفت.

چماق و مغز

چماق و مغز از قدیمی ترین و کلاسیک ترین دشمنان یکدیگر هستند. معمولاً چماق زمانی وارد می شود که قرار است مغز خارج شود. مغز



طرح از اردشیر رستمی

چند پند

سیدابراهیم نبوی

- همواره دعا کنید: خدا یا ما را نجات بده، بقیه را نابود کن.
- تا می توانید از مرفهین بی درد بگریید، بدهیده به مرفهین بآدرد.
- بر متهم سخت بگریید تا محکوم شود و زندان خالی نماند که زندان خالی در حکم زمین بایر است.
- بی دشمن نمانید که هرکس بی دشمن بماند بیکار شود و گرسنه بماند و مجبور شود که کار کند.
- مکرر تلویزیون تماشا کنید تا عقل از شما زایل شود و به مراتب عالی در پول و مقام برسید.
- مردم را با چوب بزنید و از آنان کتک بخورید تا نیرو در شما افزونی یابد و تناسب اندام پیدا کنید.
- کار هرکس را به آمریکا نسبت دهید تا همگان بدانند که آمریکا فعال مایشأ و مردمان بوق اند.
- سعی کنید فریب عناصر مسئله دار بخورید تا ارشادکنندگان خلق الله بیکار نمانند.

- رفقایشتان را از حمقا انتخاب کنید تا فریب نخورید و معتاد نشوید.
- دعا کنید تا خداوند کوه ها - بخصوص درکه و دربند- را از بین ببرد تا دخترها و پسرهای جوان نتوانند بروند به کوه و کارهای بدید کنند.
- داروی نظافتت بخورید تا مسئله دار از دنیا نروید.
- از عقل استفاده نکنید تا به شک دچار نشوید، فریب نخورید و خیانت نکنید.
- هر چه شما می بینید یک چیز دیگر است، در عوض هر چه تلویزیون نشان می دهد همان است که شما باید قبول کنید.
- اعتمادبه نفس نداشته باشید تا به هوای نفس دچار نشوید.
- تا می توانید اسرار مردم را افشا کنید تا شیطان تنها نماند.
- از خدا بخواهید تا هر رنگی که در جهان است - جزروژه گارودی - بمیرد.

بارادکس

از گلستان من نکن ورقي

فرض کنید سعدی علیه الرحمه آمده باشد به روز چاپ کردن کتابش را داشته باشد و اوضاع ارشاد چنان مهاجرانی بود، یا پس از وی خواهد شد. آیا ما بدست شاعر، علیرضا عالی پیام است، متخلص به «هاله» گردن خودش، خواب دیدم شیخ سعدی آمده روی زمین صدگره بر ابروان، چین و شکن ها بر جبین ایستاده در صف مرغ و کوبن را می فروخت ناسزا می گفت باری بر زمان و بر زمین گفتمش چونی برادر باغ شیرازت چه شد؟ گفت داری یک اتاق اوزان و مستاجر نشین؟ گفتم آیا هیچ اوضاعی چنین را دیده ای در عراق و هند و شامات و حلب، یا روم و چین اشک از دیده فشرده و خون دل را قورت داد آه جانشوزی کشید و گفت بالحن حزین «زینهار از دور گیتی و انقلاب روزگار» «در خیال کس نیامد کان چنان گردد چنین» رفته بودم تا گلستان را کتم تجدید چاپ گفت با من یک جوان هیجده ساله سنین اولاد در سیرت شاهان چرا گفتی سخن ثانیأ عشق و جوانی چیست ای پیر لعین باب درویشان ببند و باب تسلیم و رضا یا قناعت یا تواضع یا توکل را گزین گفتمش آهسته: ای سعدی سواری پیش کش همچو «هالو» خویش را محکم بنه بر قاچ زین

شعر و يك شاعر

سیدعبدالرضا موسوی از نویسندگان و شاعرانی است که گه گاه دست به کار طنز می شود و از این باب نیز اندکی مشغول است. دو شعر زیر را از وی می خوانید و انشأالله در آینده نیز این همکاری با او ادامه خواهد داشت.

سیدعبدالرضا موسوی تصحیح دیوان «واقف لاهوری» را زیر چاپ دارد که انشأالله پس از روشن شدن ماجرای قتل های اخیر منتشر خواهد شد.

فرشته خبرچین

تا دید فرشته خبرچین جرمم فی القور نمود بُتیش و راهی شد گفتم: اخوی، مرو، خدا می بخشد آن وقت تو این وسط کُف خواهی شد

احمد عزیزی

در توصیف دست خط عزیزی سروده شد:

شاه اقلیم مهملات فصیح میرزا احمد غریب سرشت ثُلث را خوش نمی نویسد لیکن خط میخی کسی چو او ننوشت

سازمان آگهی های روزنامه نشاط در نظر دارد جهت همکاری بیشتر با تولیدکنندگان و سازمانهای خدماتی و معرفی تولیدات و خدمات آنان تسهیلات ویژه ای به شرح زیر و در طول سال ۷۸ در اختیار آنان قرار دهد.

(با معرفی خود در پر مخاطب ترین نشریه، در واقع کوتاه ترین راه جهت ارتباط با مصرف کنندگان را انتخاب کرده اید.)

گام اول
کلیه شرکت ها و سازمان هایی که برای اولین بار با روزنامه نشاط ارتباط برقرار می نمایند و معرفی کالا و خدمات خود را به ما می سپارند، در اولین قرارداد (به هر تعداد و اندازه) از ۵۰٪ تخفیف ویژه برخوردار خواهند شد.

حرف اول
روزنامه نشاط به مناسبت اعیاد مذهبی و روزهای ملی به شرکتها و سازمانهایی که حرف اول نام آنها و حرف اول روزهای فوق مطابقت داشته باشد

یک روز قبل و یک روز بعد از آن ۵۰٪ تخفیف در حوزه پیام بازرگانی ارائه می نماید

تاریخ	مناسبت	حرف اول	تاریخ	مناسبت	حرف اول
۳/۲۰	روز جهانی صنایع دستی	ج-ص	۸/۱۵	مبعث حضرت رسول اکرم ص	م-ج-ز-ا
۳/۲۵	هجرت حضرت رسول اکرم ص از مکه به مدینه و میدا تاریخ اسلام	ه-ج-ز-ا-م-ت	۸/۲۱	ولادت حضرت امام حسین ع روز پاسدار	و-ج-ا-پ
۳/۲۷	روز جهاد سازندگی	ج-س	۸/۲۲	ولادت حضرت ابوالفضل العباس ع روز جانباز	و-ج-ا-ع-ج
۴/۵	میلاد حضرت رسول اکرم ص و آغاز هفته وحدت	م-ج-ز-ا-ه-و	۸/۲۳	ولادت حضرت زین العابدین ع	و-ج-ز
۴/۱۰	میلاد حضرت رسول اکرم ص ولادت حضرت امام جعفر صادق ع	م-ج-ز-ا-و-ج-ص	۸/۲۴	روز کتاب و کتابخوانی	کلیه انتشارات
۴/۳۱	ولادت حضرت امام حسن عسکری ع	و-ج-ا-ع	۹/۳	ولادت حضرت قائم ع روز جهانی مستضعفان	و-ج-ق-ج-م
۵/۹	روز اهدای خون	ا-خ	۹/۱۲	تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	ت-ق-ا-ج
۵/۱۰	روز جهانی شیر مادر	ج-ش-م	۹/۱۶	روز دانشجو	د
۵/۱۲	سالگرد نهضت مشروطیت	ن-م	۹/۲۶	روز حمل و نقل	کلیه شرکتهای حمل و نقل
۵/۲۶	ولادت حضرت زینب س روز پرستار و بهووز ورود اولین گروه آزادگان به میهن اسلامی	و-ج-ز-پ-ب-ا	۱۰/۱	روز کشاورزی	ک
۶/۲	آغاز هفته دولت	ه-د	۱۰/۳	ولادت حضرت امام حسن مجتبی ع	و-ا-ج-م
۶/۴	روز کارمند	ک	۱۰/۴	تولد حضرت عیسی مسیح ع	ت-ج-ع-م
۶/۱۳	روز تعاون	ت	۱۰/۱۹	عید سعید فطر	ع-س-ف
۶/۳۱	آغاز هفته دفاع مقدس	ه-د-م	۱۰/۲۲	تشکیل شورای انقلاب به فرمان حضرت امام خمینی	ت-ش-ا
۷/۵	شکست حصر آبادان	ش-ج-ا	۱۱/۱۲	بازگشت حضرت امام خمینی به ایران آغاز دهه فجر انقلاب اسلامی	ب-ج-ا-خ-د-ف
۷/۹	ولادت حضرت فاطمه زهرا س روز زن - تولد حضرت امام خمینی	و-ج-ف-ز-ت-ا-خ	۱۱/۱۸	ولادت حضرت معصومه س	و-ج-م
۷/۱۹	ولادت حضرت امام محمد باقر ع	و-ج-ا-م-پ	۱۱/۲۲	پیروزی انقلاب اسلامی	پ-ا
۷/۲۲	روز جهانی استاندارد	ج-ا شرکتهای دارنده مهر استاندارد	۱۱/۲۸	ولادت حضرت امام رضا ع	و-ج-ا-ر
۷/۲۸	ولادت امام محمد تقی ع	ت-م-ت	۱۲/۵	روز درختکاری	د
۷/۲۹	روز صادرات	ص	۱۲/۱۴	روز احسان ، نیکوکاری	ا-ن و کلیه کالاهای خدماتی که به مناسبت این روز با تخفیف ویژه عرضه کردند
۸/۱	ولادت امیرالمؤمنین حضرت علی ع	و-ا-ج-ع	۱۲/۲۷	عید سعید قربان	ع-س-ق
۸/۸	روز نوجوان	ن-ج	۱۲/۲۹	ملی شدن صنعت نفت ایران	م-ش-ص-ن-ا

سینما

● به نظر می‌رسد واکنش منتقدان درباره فیلم دو زن نسبت به دوره جشنواره تفاوت‌هایی کرده است. به نظر شما این طور نیست؟

– جو جشنواره معمولاً طوری است که خیلی شتاب‌زده و با عجله فیلم‌ها را می‌بینند و به نظر من خالص‌ترین حسن را در برخورد با یک فیلم مطرح می‌کنند. فکر می‌کنم در جشنواره بیش از نود درصد منتقدان موافق فیلم بودند. چون جایزه ویژه بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه را طی مراسم زیبایی به «دوزن» دادند. نقدهایی که نوشته می‌شد، خیلی کوتاه بود. و از کلماتی نظیر جسارت‌آمیز، خیلی روشنگر شگفت‌انگیز، غافلگیرکننده و غیرمنتظره استفاده کردند. بعد از اکران قضیه بازتر شد، بعضی حتی چند بار به دیدن فیلم رفتند تا بتوانند مطلب بنویسند. عده زیادی هنوز هم همان موضع را دارند. یک عده دیگر که به نظر من از قافله هم عقب مانده بودند یعنی در واقع نمی‌شود به آنان منتقد نام داد، بلکه باید گفت سیاسی نویسن، اصلاً با فیلم به عنوان فیلم برخورد نمی‌کنند. در واقع با ایدئولوژی فیلم برخورد می‌کنند و می‌گویند این فیلم ضد مرد است، مردستیز است.

روزنامه‌ها و مجلاتی که بیشتر سینمایی هستند، هنوز هم روی موضع خود هستند، شاید موضع هفته‌نامه سینما یک کم به روزنامه‌های سیاسی نویسن نزدیک باشد، بعضی روزنامه‌ها مثل آریا موضع جالبی داشتند، یک روز یکی می‌آمد فیلم را به عرش می‌برد، روز بعد یکی می‌آورد به فرش، و این موضوع ادامه دارد. برای من خیلی جالب بود انگار نویسندگان این نشریات با هم دارند بحث می‌کنند.

● فیلم شما در ابتدا طوری با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند که او را تحت تأثیر قرار می‌دهد – و ما شاهد این واکنش در هنگام اولین نمایش آن در جشنواره هفدهم بودیم و فیلم را با عنوان جسور نام می‌بردند.

ولی وقتی فیلم اکران عمومی شد و خیلی‌ها برای بار دوم فیلم را دیدند و دیگر تأثیر اولیه مطرح نبود، این موضوع مطرح شد که فیلم به جای جنبه‌های ظرفرداری از زنان، جنبه‌های ضد مرد می‌دارد.

– من این را قبول نمی‌کنم. ندیده‌ام به این شکل برخورد شده باشد و بگویند فیلم ضد مرد می‌است بعضی می‌گویند در حق مردان یک مقدار کم لطفی شده و در شخصیت‌های منفی مرد غلبه شده است. من هم می‌گویم راست می‌گویند. من غلو کرده‌ام. ولی درست در جهت عکس آن چیزی که شلاق فکری می‌کنید. من اگر می‌خواستم یک مرد واقعاً بد رفتار و خودخواه را «بدنه‌نشان بدهم، باید خیلی خشن تر و بی‌رحم تر از آن چیزی که شما بر روی پرده می‌بینید، نشان می‌دادم، واقعیت‌های اجتماعی ما خود را نشان نمی‌دهد زنان ما آدم‌هایی نیستند که حرف بزنند یا مشکلات خود را بروز بدهند. عبارتی به نام آبرو همیشه سڑ راه بیان لخت حقایق است. بنابراین هیچ‌آمار رسمی از تعداد زنان کتک خورده و شکنجه شده در ایران وجود ندارد. در کشورهای پیشرفته هم همین طور است. یک بخش این موضوع مربوط به این است که طرف «تابلو» می‌شود. انگشت نما می‌شود، حالا یکی در محدوده خاندان و یکی در محدوده اجتماع. تنها اتهامی که در این فیلم به من زده‌اند این است که چرا مردهای فیلم این قدر خشن و بی‌منطق هستند؟ وقتی یک فیلم را می‌سازیم، برای ما مفهوم مهم است، اصلاً هدف کلی ما از ارایه، این فیلم چیست؟

من می‌خواهم راجع به نفی هویت نبی از جامعه حرف بزنم. این که جامعه به چه ابزارهایی متوسل می‌شود تا هویت یک آدم را از او بگیرد، من راه‌هایی را می‌روم تا به طرح این پرسش و به شما نشان می‌دهم که «فرشته» از درون با استعداد است، توانمند است و مجموعه عواملی که او را پایین می‌کشد به نمایش می‌گذارم. در نهایت باور می‌کنید او همان زن است. ولی در عین حال آن زن هم نیست، دو تا زن است، دو زن کاملاً متفاوت، این «من» که هست و آن «من» که جامعه به او تحمیل کرده کیست؟ قبول کنید که جامعه ما جامعه تحمیل است. به مردان هم تحمیل می‌شود. ولی به زنان تحمیل مضاعف است. یعنی از نظر قانون، پوشش، محدودیت شغلی و ... همه تحمیل است. یعنی با وجودی که خیلی از سازمان‌ها و مجالس



قانون‌گذاری سعی می‌کنند این حقوق را احیا کنند، باز هم جامعه ما زن ستیز است. من در این راهی که می‌رفته‌ام نمی‌توانسته‌ام نشان بدهم شوهرش او را تاز و نوازش می‌کند. تنها آن بخش‌های خشنوت‌آمیز را حذف کردم. شما اصلاً جایی نمی‌بینید که احمد در را به روی زنش قفل کند. یا زن را به شدت کتک بزنند. در حالی که خیلی از آدم‌ها این کار را می‌کنند. اگر این کار را شب به شب نکنند، امور آنان نمی‌گذرد. یعنی بخشی از خشم خود را به این طریق برون فکنتی می‌کنند. من این‌ها را حذف کردم. چون هدفم این بود که تماشاگر هیچ‌آن زده نشود. من سعی کردم بیان (یعنی آزار یا کلام) و یک ایدئولوژی عقب افتاده این حصار را دور این زن ببندم و این حسن را با فضا سازی به تماشاگر بدهم که در فیلم ما اتفاق خاصی نمی‌افتد. من چرا که من چهره خیلی خوبی از مر دان «د» و زن آزار نشان داده‌ام.

یعنی سعی کرده‌ام حتی دل ما برای آنان بسوزد.

● اما در این غلو چنان پیش رفته‌اید که هیچ چیز خوبی نه فقط از زاویه مردان که از زاویه هر آن چه اطراف زن هست دیده نمی‌شود جامعه این زن کاملاً محدود است. در این فیلم مثلاً صحنه آرام غذا خوردن نداریم و به همین خاطر به نظر می‌رسد. فیلم کاملاً جهت دار است.

– مهم این است که با یک فیلم چه هدفی را دنبال می‌کنید. نشان دادن غذا خوردن کمکی به آن مفهومی که من گفتم نمی‌کرد اما مفاهیمی هست که نشان می‌دهد این زن مضطرب مالی ندارد. رخت و لباس طلاق آبر و میز و صندوق را در خانه دارد. لازم نبوده همه این‌ها در یک سکانس جدا شکل بگیرد، بچه‌های او مرتب لباس پوشیده‌اند، شوهرش مردی است که به رخت و لباس او اهمیت می‌دهد. فرشته اول فیلم لباس‌های خوش رنگ می‌پوشد کم کم از این کاسته می‌شود تا به سیاهی می‌رسد. هر فیلمی برای خود ریتمی دارد. بعضی فضا سازی‌ها ریتم را خراب می‌کنند. از لحظه‌ای که ساعت زنگ می‌زند و فرشته وارد زندگی احمد می‌شود تا ساعت زنگ می‌زند و از زندگی احمد بیرون می‌آید، در واقع زمانی را از دست داده است به قعر هم رفته، فروغ شعری دارد که می‌گوید: «تو پیش نرفتی، تو فرو رفتی» یعنی باید کلی انرژی بگذارد بالا را از این لجن بیرون بکشد تا به آن نقطه صفر برسد که اگر امکان‌شان بود، دوباره رشد کند. درست است که فیلم نامید تمام نمی‌شود ولی نمی‌شود امید چندان‌ی هم به زندگی این آدم داشت.

● دقیقاً این فضا سازی خوب است که این موضوع را نه تنها مطرح می‌کند بلکه تماشاگر کاملاً حس می‌کند که فرشته کم کم هویت خودش را از دست می‌دهد ولی شما در این مورد بر عکس روشی که «بد» نشان دادن مرد داشتید فضا سازی و روند داستان را کافی

ندانستید و حتی فرشته درادگاه سخنرانی می‌کند که «من هویت خودم را از دست داده‌ام» در واقع کل آن فضا سازی‌ها دوباره در قالب یک سخنرانی بیان می‌شود.

– وقتی یک فیلم می‌سازید، یک ملت داور شما می‌شود و اگر فیلم خیلی موفق باشد چند ملت. فرض کنید من همین الان صحنه دادگاه را حذف کنم. اولین سؤالی که به ذهن تماشاگر می‌آید این است که چرا تقاضای طلاق نداد؟ چرا برای طلاق اقدام نکرد؟

● حذف نکنید! حرف‌های اضافه آن صحنه را حذف کنید.

– حرف اضافه ای نیست. همه اش دو سه جمله سه چهار خطی است، در واقع قاضی دادگاه به او اجازه حرف زدن نمی‌دهد و فرشته شورش می‌کند. آن سکانس مانیفست من نسبت به جریان زنان در کتک بزند. در حالی که خیلی از آدم‌ها این کار را می‌کنند. اگر این کار را شب به شب نکنند، امور آنان نمی‌گذرد. یعنی بخشی از خشم خود را به این طریق برون فکنتی می‌کنند. من این‌ها را حذف کردم. چون هدفم این بود که تماشاگر هیچ‌آن زده نشود. من سعی کردم بیان (یعنی آزار یا کلام) و یک ایدئولوژی عقب افتاده این حصار را دور این زن ببندم و این حسن را با فضا سازی به تماشاگر بدهم که در فیلم ما اتفاق خاصی نمی‌افتد. من چرا که من چهره خیلی خوبی از مر دان «د» و زن آزار نشان داده‌ام.

به خانه آنان می‌آید، شوهر فکر کند فرشته با او مسأله دارد. ولی میل داشتم همان طور که تماشاگر توی سالن نشسته بگوید چه قدر بی‌معنی! چه قدر مضحک! زنش کتاب می‌خواند و او جتال برپا می‌کند!

● اتفاقاً بعضی از تماشاگران می‌گویند این مرد چرا این قدر

بی منطق است. واکنش‌های احمد بیمار گونه است تماشاگر هم از این نوع بی منطقی زجر می‌کشد. – اما تماشاگر رابطه برقرار می‌کند. چون واقعی است، میل دارم پیام‌های یک روز پیام گیر تلقن من را بشنود. واکنش زنان بسیار عمیق است خنمی زنگ زده بود و او را نخواهد پذیرفت. حرفی هم که می‌زند کاملاً معمولی است. شعار نمی‌دهد می‌گویند من چیز زیادی نمی‌خواهم. می‌خواهم راجع به این که کجا بروم و با کی حرف بزنم، چه بخورم، چه پوشم، خودم تصمیم بگیرم. او نیاز بسیار اولیه یک انسان را مطرح می‌کند و همان از او دریغ می‌شود می‌گویند دلائل تو برای نان و آب و میز و صندوق را در خانه نداری! همین طور زار زار گریه می‌گوید عیب فیلم) این است که

ایران است. آن تئوری که من اعتقاد دارم. به ما اصلاً اجازه صحبت داده نمی‌شود. باید فقط با پر خاش حرف‌های خود را بزنم، تا یک جا در بچه‌ای باز شد خود را تند تند خالی کنیم. در واقع آن جافرتص بشتوید. واکنش زنان بسیار عمیق است خنمی زنگ زده بود و او را نخواهد پذیرفت. حرفی هم که می‌زند کاملاً معمولی است. شعار نمی‌دهد می‌گویند من چیز زیادی نمی‌خواهم. می‌خواهم راجع به این که کجا بروم و با کی حرف بزنم، چه بخورم، چه پوشم، خودم تصمیم بگیرم. او نیاز بسیار اولیه یک انسان را مطرح می‌کند و همان از او دریغ می‌شود می‌گویند دلائل تو برای نان و آب و میز و صندوق را در خانه نداری! همین طور زار زار گریه می‌گوید عیب فیلم) این است که

در ادامه نظر سنجی از تماشاگران فیلم‌های روی پرده، این هفته خبرنگاران گروه ادب و هنر از بینندگان فیلم «دوزن» نظر سنجی کردند. این نظر سنجی از بینندگان فیلم در سینما عصر جدید تهران و چند نقطه دیگر شهر صورت گرفته است.

۱- ۷۵ درصد از زنان شخصیت فرشته را کاملاً باور کرده‌اند و ۵۶ درصد از مردان شخصیت فرشته باور پذیر دانستند. ۵۶ درصد از زنان فیلم را کاملاً با واقعیت‌های امروز ایران هم‌زمان منطبق خواندند ۴۳ درصد مردان آن را با واقعیت منطبق دانسته‌اند در مجموع نبی از جمعیت مورد پرسش هم زن و هم مرد فیلم را منطبق با واقعیت جامعه دانسته‌اند.

۴۷ درصد از پرسش شوندگان زن، مردان تصویر شده در فیلم را واقعی پنداشته‌اند و ۴۴ درصد از مردان هم آنها را کاملاً منطبق با واقعیت ندانسته‌اند.

در مجموع آمار مربوط به باور پذیری و واقعی بودن مردان فیلم نزد مردان و زنان تماشاگر یکسان است.

۲- فرشته و حسن در نزد تماشاگران مرد و زن به طور یکسان از جذابیت برخوردار هستند که البته جذابیت شخصیت فرشته برای همگان بیشتر از شخصیت حسن است. ضمن آن که هیچ کدام از شخصیت‌های فیلم برای ۱۰ درصد مردان جذاب نبوده است.

۳- در مورد بر حق بودن مردان فیلم، زنان و مردان با میانگین

گی با تمهینه میلانی در مورد دوزن، زنان و مردان

جامعه ما جامعه تحمیل است به مردان هم تحمیل می‌شود

باشد و تماشاگر اصلاً فراموش می‌کند که داستان، یک مرد خوب هم داشته است آدم سر به زیر آرمی در حد پنج دقیقه. در نتیجه تماشاگران مرد با مردهای فیلم جلو نمی‌روند.

– فیلم را این طوری نبینید که مردها بد هستند، زنان خوب. این

صحنه‌ای را می‌گذاشتم. از نظر من درست بود و کمک می‌کرد، من یک شخصیت زن ده تر به شما ارایه کنم. – اما از نظر اجتماع به کار من صدمه می‌زد، با آن پیش دآوری‌هایی که در جامعه هست، این دختر جلف می‌شد. این‌ها وجوه حقیقی انسان است. سینما نه به دلیل سانسور خود

طوری بیند که یک انسان هویت اش در جامعه نابود شده است ما راجع به او فیلم می‌سازیم آدم مثبت که نمی‌تواند هویت کسی را نابود کند شما وقتی می‌گویید نفی هویت بخش دیگران آدم‌هایی هستند که این نفی هویت را انجام می‌دهند. من طوری نشان بدهم آنان آدم‌های نازنین هستند؟ فیلم من راجع به نفی هویت است، عده زیادی از مردان از فرشته نه عنوان یک زن ایده‌آل خوششان می‌آید. چون او می‌خواهد خانواده‌اش را نجات بدهد. به خواستگارش جواب رد می‌دهد و می‌گوید الان وقت ازدواج نیست، به مسائل سیاسی اجتماعی – باترس و اضطراب – علاقه مند است، دختر پاکسی شده حتی با یک مزاحم خیابانی مستقیم برخورد می‌کند. در عین حال آبرودار هم هست. من

نظر سنجی از بینندگان دوزن

یک فیلم و جامعه در حال گذار

۴۶ درصد شوهر رویا را بر حق ترین مرد فیلم می‌دانند. البته ۳۷ درصد از زنان هیچ کدام مردان را بر حق ندانسته‌اند.

۴- ۷۶ درصد از زنان عامل ساخته شدن فیلم را طرح منطقی مشکلات زنان دانسته‌اند. اما تنها ۴۰ درصد مردان این موضوع را دلیل ساخته شدن فیلم می‌دانند و پس از آن، ۲۱ درصد از آنان رواج اندیشه‌های فمینیستی را عامل اصلی ساخته شدن فیلم می‌دانند.

۵- ۲۹ درصد از زنان حرف اصلی فیلم را نقد جامعه ستی و ۲۴ درصد از آنان مظلومیت زنان دانسته‌اند. از میان مردان نیز ۴۱ درصد از آنان نقد جامعه ستی را مهم ترین حرف فیلم و ۱۴ درصد از آنان نقد قوانین مربوط به خانواده را حرف اصلی فیلم می‌دانند. تنها ۱۱ درصد از مردان مظلومیت زنان را حرف اصلی فیلم می‌دانند.

۶- بسیاری از زنان در اظهار نظر درباره فیلم به حس همذات پنداری خود با فرشته اشاره کرده بودند. ضمن آن که یکی از آنان گفته بود: فیلم دور از واقعیت نبود. ولی مردان را زیاد از حد واقعی نشان می‌داد. مردان نیز در ابراز نظر خود گفته‌اند که جامعه در حال گذار ما بیش از هر چیز نیازمندان گونه فیلم هاست و بهتر است فیلم از شبکه سراسری سیما پخش شود. در عوض بعضی از تماشاگران مرد فیلم را بزرگ نمایشی یک مورد خاص یا فمینیسم لجام گسیخته دانسته‌اند. مردان در عین حال به مؤثر و پر کشش بودن فیلم در عین ضعف‌های ساختاری اشاره کرده‌اند این نظر سنجی از ۱۲۶ تماشاگر زن و مرد (به طور یکسان) صورت گرفته است. اکثر پاسخ دهندگان بین سنین ۲۰ تا ۳۵ سال و دارای تحصیلات لیسانس هستند.

تمام فیلم‌های شما هستند، این فرشته‌ها را از کجا آورده‌اید؟ – فرشته‌ها واقعی هستند. سالی که من به دانشگاه رفتم سال انقلاب بود و بعد از یکی دو ترم دانشگاه به مدت سه سال و نیم به خاطر انقلاب فرهنگی بسته شد، سه سال و نیم خیلی بدی بود. بعد که دانشگاه دوباره باز شد، تعدادی از بچه‌ها شهید شده بودند. یک عده توی زندان مرده بودند، یک عده رفته بودند خارج، بعضی از دخترها هم شوهر کرده بودند، چون سه سال و نیم زمان

ناگزیر شده‌ام یک فرشته صیغلی بسازم که مردانی که فیلم را می‌بینند، از این دختر خوششان بیاید. یاد می‌کنند، زیبایی، استعداد، مشکلات از طرف پدر و ... هر زنی می‌تواند یک نقطه را پیدا کند که با او همراهی کند. ولی مردان چه طور؟ تنها مردی که نقش مثبتی دارد شوهر رویا است، بعضی می‌گویند تصور شما از مرد می‌خندند، فقط کافی بود یک چنین

تمام فیلم‌های شما هستند، این فرشته‌ها را از کجا آورده‌اید؟

– فرشته‌ها واقعی هستند. سالی که من به دانشگاه رفتم سال انقلاب بود و بعد از یکی دو ترم دانشگاه به مدت سه سال و نیم به خاطر انقلاب فرهنگی بسته شد، سه سال و نیم خیلی بدی بود. بعد که دانشگاه دوباره باز شد، تعدادی از بچه‌ها شهید شده بودند. یک عده توی زندان مرده بودند، یک عده رفته بودند خارج، بعضی از دخترها هم شوهر کرده بودند، چون سه سال و نیم زمان



زیادی بود. درس که نمی‌خواندند، توی خانه هم بیکار بودند. پس ازدواج کرده بودند تا دوباره دانشگاه باز شود. در آن میان دختری بود که خصوصیات فرشته را داشت. فرشته «دیگه چه خبر» را هم از او برداشت کردم. او دانشجوی دانشگاه تهران بود. ما دبیرستان با هم همکلاس بودیم. او برگشت. رفته بود به یک شهرستان کوچک بعد که من رفتم نشانی او را به من ندادند یا نخواستند بدهند. سال‌ها گذشت تا یک روز او را دیدم. شده بود یک زن خیلی جاق، بی حوصله، یک مدایی به پاداشت و لخنخ می‌کرد. اصلاً باورم نشد، خیلی هم دختر سیاسی بود و اصلاً آشنایی او با حسن سرنیز گروه‌های سیاسی بود. حسن کسی بود که می‌رها را برهم می‌ریخت. در متن اول فیلمنامه این‌ها بود. ولی سال هفتاد و دو دو وزارت ارشاد گفت باید حذف شود.

موضوع مهم این جاست که این دوره تاریخ کشور گم شده است، هیچ وقت کسی نگفته پیامدهای انقلاب فرهنگی چه بود؟ می‌گویند ما تاریخ را تکرار می‌کنیم چون کسی نیست تاریخ را جمع بندی کند. آن دوره تاریخی دردناک بود، برای من بد نبود. من فیلم‌ساز شدم. ولی برای همه سال‌های خوبی نبود، این دختر یکی از قربانیان آن سال هاست. من به چشم خود دیدم این دختر نابود شد. الان هم آرایشگر است، سه تا بچه دارد و شوهرش هم مرده است. کسی هم او را نکشته، بیماری قلبی داشت.

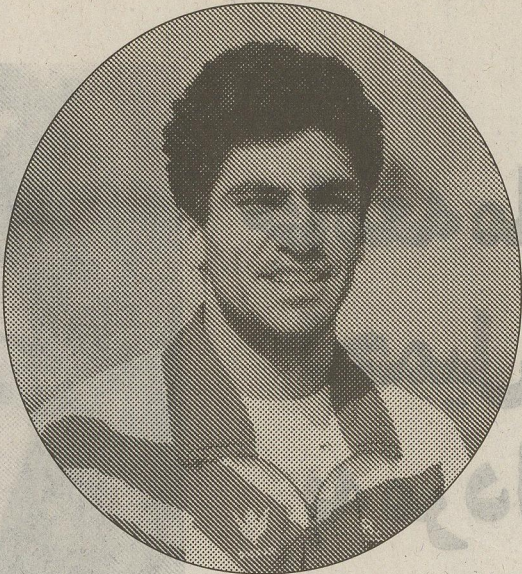
● نقش زنان در انقلاب نقش فعالی است. ولی شما در فیلم این نقش را کم کرده‌اید. آیا دست به خودسانسوری زدید؟

– البته که دست به خودسانسوری زده‌ام! من می‌خواستم سرودهای انقلابی که آن سال‌ها توی دانشگاه باب بود را در فیلم بگذارم. همسر من گفت صدای این‌ها را بالا ببر بگذار صحنه واقعی باشد. همان طوری که بود، باور کنید تمام تن من می‌لرزد و همسر من گفت فضا واقعی در نخواهد آمد. باور کنید فکر کردم نکند فکر کنند من جهت گیری سیاسی کرده‌ام. این اضطراب‌ها وجود دارد. به شما می‌گویم من به هیچ گروه، دسته یا حزبی اعتقاد ندارم هیچ کس را کورکورانه قبول نمی‌کنم. چرا که بر این باورم دیگر هیچ کس و هی گروهی نمی‌تواند صدرصد درست فکر کند. از ترس این که از آن انگ‌ها به من نجسباندند، خودسانسوری کرده‌ام. همین که فیلم گفته می‌شود «کتاب جلد سفید می‌خوانی؟» یا «فردا میتینگ است، می‌آیی؟» من که می‌روم؟» می‌گفتم محال است اجازه بدهند. ولی اجازه ندادند.

● به نظر شما حسن چه الگوهای تربیتی داشته است؟ آیا چنین عشقی را در اطرافش دیده که این قدر راحت جلو می‌رود؟

– شما حسن را آدم می‌بینید ولی حسن یک جریان فکری است. مثل احمد و مثل فرشته و مثل رویا. این‌ها بین تیپ و شخصیت هستند، هدف من فقط تعریف قصه نبود، هر چند برای آن دسته از تماشاچسانی که دنبال قصه و سرگرمی هستند سعی کرده‌ام قصه را بی نقص تعریف کنم. هیچ اهمیتی هم ندارد که مادر حسن رخت شوی باشد یا پندرش قاچاقچی، او در جامعه یک تفکر است. فرشته یک زن آرمانی است که به هیچ تبدیل می‌شود. او عاشق کتاب، مطالعه و کلاً معاصر است. سعی می‌کند خودش را بالا بکشد، کتاب جلد سفید می‌خواند، میتینگ می‌رود، خرج خودش را با درس دادن در می‌آورد. یعنی استقلال هم دارد. این طیف وسیعی از زنان کشور

گفت و گو با علیرضا امامی فر



فرشید اصل‌پایز

صعود ادامه دارد

رفاقت

هست

ماجرای فوتبالیست شدن را از زبان خود تو باید شنید ...

– مثل اکثر مردم، از بچگی فوتبال بازی می کردم. در محله، زمین های خاکی، فرقی نمی کرد، هر کجا که می شد بازی می کردیم. در سال های دبیرستان برای مرصاد شیراز بازی می کردم. ولی وقتی دیپلم گرفتم برای تحصیل در رشته کاردانی کنترل هوایی به تهران آمدم. اما امان از دست این توپ گرد. در دانشگاه به عضویت تیم پرواز درآمدم و با این تیم در رقابت های دسته سوم تهران شرکت کردم. یک روز با تیم معادن بازی داشتیم. در آن دیدار تنها گل بازی را من زدم. آن روزها عایدینی مریی معادن بود. عایدینی من را به معادن برد و سال بعد به رهبری حسن روشن و بازحمتای وی پیشرفت قابل ملاحظه ای کردم. بعد از معادن در تیم های فجر تهران، فجر سیاسی و حالا هم چند سالی است که در پرسپولیس بازی می کنم.

بدین ترتیب دانشکده را رها کردی و فوتبالیست شدی؟

– بله، البته فوق دیپلم کنترل هوایی را گرفتم و بعد تحصیل را رها کردم.

به جز فوتبال به چه رشته ورزشی علاقه داری؟

– ژیمناستیک. جوان تر که بودم ژیمناستیک کار می کردم.

تو عضو تیم ملی دانشجویان بودی. الان دانشجویی چه رشته ای هستی؟

– بله. مدیریت دولتی می خوانم و دانشجوی دانشگاه شیراز هستم.

کمی از رقابت های قهرمانی دانشجویان جهان در اسپانیا بگو؟

– این دوره از رقابت ها در سطح کیفی مطلوب تری برگزار شد. تمامی تیم های شرکت کننده قهرمانی را نشانه گرفته بودند و معلوم بود تدارک وسیعی دیده اند. تیم ایران هم با قدرت ظاهر شد و اگر حق ما را ضایع نمی کردند به مکانی بهتر از پنجمی دست می یافتیم. علاوه بر این چمن مصنوعی زمین هم برای ما مشکل ساز بود که این مشکل به مرور زمان حل شد و بچه ها به بازی در آن عادت کردند.

از توضیح حق صحبت کردی. چه حقی؟

– اسپانیا میزبان این دوره از بازی ها برای کسب قهرمانی دست به هر کاری زد از جمله خریدن داور. بچه های اسپانیا در بازی ماقبل فینال در مقابل برزیل، دو پناثلی گرفتند. البته نه به حق بلکه مساعدت داور. در بازی مقابل تیم ایران هم اگر اسپانیا شکست می خورد، از دستیابی به مکان های اول تا چهارم محروم می شد. اسپانیایی ها وقتی در نیمه اول نتوانستند دروازه ما را باز کنند در نیمه دوم دست به کارهای حاشیه ای زدند و از این طریق با یکمک داور دو بازیکن ما اخراج شدند و در نهایت اسپانیا به خواسته خود رسید.

در بین بازی هایی که در اسپانیا کردید، کدام بازی مهم تر بود؟

– همه بازی ها برای ما اهمیت داشت. اما دیدار آخر مقابل کره جنوبی چیز دیگری بود. ما برای این که نشان دهیم فوتبال ایران در آسیا اول است، باید در نبرد دو تیم آسیایی این رقابت ها پیروز می شدیم که باهمت بچه ها به خواسته خود رسیدیم.

در آن بازی ها گل هم زدی؟

– نه! من در تمام بازی ها در نقش هابک در ترکیب تیم جای می گرفتم، ولی چند پاس گل دادم.

برای رفع خستگی، یک سؤال خصوصی. اخلاق امامی فر در خانه هم مثل زمین خوب است؟

– فکر می کنم خوب باشد. خانواده من تأیید می کنند. تا دیگران چه بگویند.

از اینکه فوتبالیست شدی راضی هستی؟

– البته، به نظر من هر کسی باید مسیری را برای پیمودن انتخاب کند که در آن استعداد دارد. من هم خوشحالم از این که در زندگی مسیر صحیح را انتخاب کردم. اگر روزی صاحب پسر شدی به او اجازه می دهی فوتبالیست شود؟

– باید شرایط را دید. اگر علاقه و استعداد ابتکار را داشته باشد خوشحال هم می شوم.

تجربه بازی در تیم های مختلفی را داری. چه فرقی بین پرسپولیس و استقلال با سایر تیم ها وجود دارد؟

– تیم های استقلال و پرسپولیس سرآمد فوتبال ایران هستند و به خاطر محبوبیت زیادی که بین طرفداران فوتبال دارند، همواره مورد توجه همگان حتی شما روزنامه نگاران بوده اند. برای پیشرفت، بازی در این دو تیم لازم است. چرا که بازیکن در این تیم ها چشم های فراوانی را به خود می بیند و همواره سعی می کند تا نقاط ضعف خود را بر طرف کند.

از کار در پرسپولیس راضی هستی؟

آیا می دانستید مصدومیت

شما این همه طول می کشد؟

– از آغاز آسیب دیدگی آدم متوجه شدت ماجرا می شود، اما تا زمانی که پزشکان را ندیده است، از طول مدت غیبت خبردار نمی شود. آنان به من گفتند که بهبود من تا این حد زمان خواهد برد. اما در همه حال می دانستم که نباید عجله ای داشته باشم. از یک طرف هم زمان آسیب دیدگی من چندان بد نبود، چون به جز شش هفته پایانی فصل گذشته را که از دست می دادم، تمام تابستان را برای درمان و غلبه بر این عارضه در اختیار داشتم. البته یک وجه بد موضوع دور ماندن من از دو مسابقه مهم تیم ملی انگلستان طی خردادماه (در برابر سوئد و بلغارستان) بود که خیلی دلم می خواست در آنها شرکت داشته باشم. من تا به حال هرگز زیر نظر کوین کیگان بازی نکرده ام و امیدوارم به دو مسابقه شهریورماه انگلستان در

اشاره

گذاشته ام.

اما آیا ناکامی های فصل پیش لیورپول را از یاد برده اید؟

– البته هنوز همه اعضای باشگاه لیورپول از این بابت ناراحت هستند. به خصوص که ما ثابت کردیم در روزهای خوب قادریم هر حریفی را در لیگ برتر شکست دهیم. اما باز از داشتن تداومی که برای فتح جام ها و مقام ها مورد نیاز بود، محروم ماندیم. به طور کلی نمی توانم گفت که تمام جام ها به یک تیم تعلق می یابد و لیگ انگلستان نیز هر روز توأم با رقابتی شدید و دشوارتر می شود. ولی ما هم باید صاحب تداوم بیشتری شویم تا بتوانیم پا به پای منچستر یونایتد و آرسنال برای تصاحب جام های قهرمانی رقابت کنیم.

درباره بازیکنان جدید و خریدهای تازه لیورپول که از قضا هر ۸ نفر هم خارجی هستند، چه نظری دارید؟

– فکر می کنم بر اثر آمدن آنان

رقابت بین نفرها برای راهایی به ترکیب ثابت تیم، شدیدتر و بیشتر شود. اما چون این موضوع طبعاً باعث بالا رفتن کیفیت کار همگان می شود، من مخالفتی با آن ندارم.

همواره به این فکر می کنم که چقدر

خوش اقبالیم که پایه این حرفه

«مایکل اوون» از دلتنگی ها و بازگشت خود می گوید

بسیار خوش اقبالم

با این که دو سال و نیم از ظهور مایکل اوون مهاجم ۱۹ ساله و بسیار کارساز تیم فوتبال لیورپول انگلستان می گذرد، همچنان یک پدیده نامیده می شود که ۵۰ میلیون دلار قیمت برای او تعیین کرده اند. این مبلغ برابر با قیمت انتقال چندی بیش کریستین ویه ری از لازیو به انترمیلان ایتالیا است و شاید الزام های بازار و مسائل روز حتی قیمت او را در روز انتقال از مرز ۶۰ میلیون دلار هم عبور دهد.

از اواسط فصل ۹۷ – ۱۹۹۶ گاه به گاه در ترکیب لیورپول بازی کرد، در حالی که ۱۷ سال بیشتر نداشت. در فصل ۹۸ – ۱۹۹۷ که تقریباً چهاره ثابت لیورپول شد، با بازی های مقتدرانه خود چشم ها را بیشتر خیره کرد و سپس در جام جهانی ۹۸ آن گل از یادرفتنی را در برابر آرژانتین زد. هرچند خاطراتش از آن جام با توجه به حذف شدن انگلستان به تلخی گرایید.

شاید کار اوون در فصل ۹۹ – ۱۹۹۸ از همه مهم تر بود. چون به رغم آسیب دیدگی شدید مفاصل و مایهجه های ران و به واقع قبل از بروز این مشکل، ۱۸ گل زد تا مقام آقای گلی مشترک لیگ برتر انگلستان را به دست آورد و ثابت کند که در خشش گذشته او تصادف نبوده است.

اما آن مصدومیت پنج ماه اوون را حاشیه نشین کرد و او تازه در آستانه شروع مجدد تمرینات سنگین و بازگشت به صحنه است و می خواهد دلتنگی های خود را با درخشش تازه در میدان معو کند.

در مصاحبه ای که مقابل خود دارید، اوون راجع به تمام موضوع های قبلی و رخدادهای پیش رو حرف می زند

نتیجه نمی گیرد، بدیهی است که

مربیان و مسئولان به دنبال خرید

نفرهای جدید بروند و با این شرایط جای کمتر کسی در ترکیب تیم لیورپول قطعی و ثابت است و همه باید تلاش کنیم تا به این ترکیب راه

یابیم و باید هم این طور باشد.

اما فکر نمی کنیم این موضوع برای شخص شما صدق کند و شما با نام و قدرت خود حتماً جای ثابتی در تیم دارید.

– خیر، اگر من هم خوب بازی نکنم، مرا در آرایش ثابت تیم نخواهند گذاشت. مهمترین چیزی که در فوتبال حرفه ای یاد گرفته ام، این است که واقع بین باشم و هیچ چیز را برای خود قطعی ندانم. بسیار شاکرم که افراد و دوستانی را دارم که مرا نصیحت می کنند و راه را به من نشان می دهند.

من بسیار منطقی هستم، اما در این ورزش باید انتظار هر اتفاقی را داشت. می توان یک لحظه قهرمان و ستاره بود و لحظه بعدی ممکن است زیادی باشی و مغفور شویید و مردم تشنه خون شما خواهند بود! چیز دیگری که به آن پی برده ام، این است که نظر و حتی تعریف و تمجید مطبوعات را باور نکنم و جدی نگیرم. هر چقدر هم که تحسین کنند، ممکن است این فضا در یک چشم برهم زدن عوض شود.

با شهرت فراوانی که دارید،

چطور کنار می آید؟

– آدمی یاد می گیرد که آن را بپذیرد و به آن عادت کند. من، چنان به سرعت مشهور شدم که وقت فکر کردن درباره آن را هم پیدا نکردم.

بسیار جالب است که تماشاگران لباسی را به تن کنند که نام من بر پشت آن ثبت شده باشد. اما این هم جزئی از ورزش است و در محدوده آن روی می دهد. من با چشمانی کاملاً باز قدم به صحنه این ورزش گذاشتم و از آغاز می دانستم که در صورت کسب موفقیت توجه زیادی به من خواهد شد. اما من هنوز از این نظر مثل دیوید بکهام نشده ام. در همه حال، این کار سختی است. بخصوص برای من که به خلوت و راحتی در زندگی خصوصی خود بسیار نیاز و دلستگی دارم.

منچستریونایتد بر خلاف آنچه شما می گویند، فصل پیش هر سه جام داخلی و خارجی را برد. برای این که جلوی این روند را بگیرید، چه فکری کرده اید؟

– بالاخره دوره باخت های منچستری ها هم می رسد. نه فقط به خاطر این که پیتر اشمیکل دامنارکی رفته باشد، بلکه به این سبب که قدرت و اشتیاق حریفان زیاد است و منچستر هم اشباع از

– ناراضی هم نیستم. وقتی مربیان از کار من رضایت داشته باشند، یعنی کارم را خوب انجام دادم و این برای من کافی است. هر چند می دانم که باید بهتر از این باشم.

اگر روزی مربیان پرسپولیس گفتند دیگر به تو احتیاج ندارند، چه می کنی؟

– اگر آنان بگویند، چاره ای ندارم جز این که به تیم دیگری ملحق شوم و کارم را در جای دیگری ادامه دهم.

مثلاً ممکن است به تیم استقلال بروی؟

– نه، اصلاً هرگز این همه چرخش نمی کنم. من از بچگی به پرسپولیس علاقه داشتم و اگر روزی قرار باشد از جمع سرخ پوشان جدا شوم دوست دارم با خاطره خوش جدایی صورت گیرد و پرسپولیس همواره خانه من باشد.

از پرسپولیس گشتی، حالا کمی هم از پروین بگو. چه چیزی پروین را با دیگری

مربیان – حداقل برای پرسپولیس – متمایز می کند؟

– علی آقا از پرافتخارترین مردان فوتبال ایران است. مردی که افتخارات بیشتری را در کارنامه بازیکنی و مربیگری خود داشته باشد بدون شک تأثیر گذارتر از سایر مربیان خواهد بود. دقیقاً مثل آقای پروین. ما وقتی او را مسئول تیم می بینیم صاحب انگیزه بیشتری می شویم. علاوه بر این ها علی آقا عقاید خاصی در نظم و انضباط تیمی دارد و با همین فکرهای منحصربه فرد به پرسپولیس حیات دوباره ای بخشید.

پرسپولیس با مت کوچیج شروع خوبی نداشت. علت چه بود؟

– مت کوچیج مربی جوانی بود و اصولاً مربیان جوان در تیم های پرسپولیس و استقلال سخت به نتیجه می رسند.

پس معتقدی مربی مثل حمید درخشان هم نمی تواند تیم بزرگی مثل پرسپولیس را به سر منزل مقصود برساند؟

– نه سو متفاهم نشود. منظور من مربیان جوان خارجی بود.

چرا می گویی مربیان خارجی نمی توانند؟

– خارجیان با روحیه ما ایرانیان آشنا نیستند و همین عامل برای آنان مشکل ساز می شود. البته باز هم می گویم منظور من مربیان جوان بود.

با آمدن پروین به پرسپولیس حرکت صعودی شما شروع شد و به دو جام معتبر فوتبال ایران رسیدید. فکر می کنی تا کی می توانید به این حرکت صعودی ادامه دهید؟

– با کسب در جام قهرمانی نه تنها ما بی انگیزه نشدیم بلکه حالا مسئولیت خود را سنگین تر احساس می کنیم. ما قهرمانی در جام باشگاه های آسیا را نشانه گرفته ایم و همه بچه ها برای آن که پرسپولیس در آسیا نماینده شایسته ای از ایران باشد تلاش می کنند. علاوه بر این قهرمانی در لیگ ۷۸ هم از اهداف پرسپولیس است که به یاری خداوند و با همت بچه ها به دست خواهد آمد. بنابراین در جواب سؤال شما باید بگویم تا وقتی که اتحاد و دوستی در پرسپولیس وجود دارد، حرکت صعودی هم ادامه خواهد داشت.

از تیم ملی صحبت نکردیم. چرا امامی فر در تیم ملی دوام نمی آورد؟

– از بخت بد! در تورنمنت کویت همراه تیم بودم. ولی قبل از سفر به کانادا مصدوم شدم و آزمایش نشدم و از جمع ملی پوشان کنار رفتم.

الان چه طور؟ امیدوی به ملی پوش شدن داری؟

– صددردص، در تیم دانشجویان خیلی خوب کار کردم. فیلم بازی ها هست و می تواند گواهی دهد. در پرسپولیس هم بر تلاش خود اوام افزایش داد و بار دیگر نظر مربیان تیم ملی را جلب کنم و این بار اگر بخت یار باشد جای ثابتی برای خود پیدا می کنم.

به لژیونر شدن فکر کردی و آیا دعوت نامه ای برای سفر به فرنگ داری؟

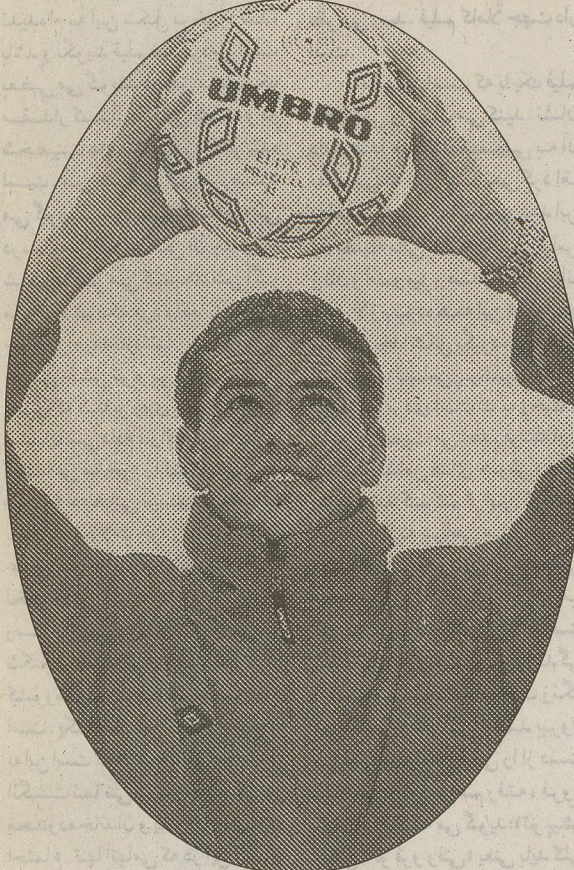
– اگر تا به حال لژیونر نشدم، شاید به خاطر این بوده که هنوز احتیاج به تلاش و کار بیشتری هست. به اعتقاد من اگر بازیکنی می خواهد در اروپا کند باید آن قدر آماده باشد که در آن تیم ها جایی برای خود پیدا کند نه این که تنها به نیمیکت نشینی دل خوش کند.

من وقتی می بینم بازیکنان راهی کشورهای اروپایی می شوند، در می یابم که من هم می توانم مسافر فرنگ باشم. ولی برای رفتن باید حوصله داشت.

طبق گفته آقای عایدینی من هم چند دعوت نامه از کشورهای عربی و اروپایی دارم. ولی او صلاح می داند تا همچنان در کنار پرسپولیس بمانم.

آخرین سؤال. بعد از فوتبال چه برنامه ای داری. مربی می شوی یا به کار دیگری می پردازی؟

– هنوز تصمیم نهایی را نگرفته ام. ولی برنامه هایی دارم که الان نمی توانم بگویم.



موجود بسازیم.

اما این موضوع شاید حسنی هم داشته باشد و آن این است که تیم

ما ناگزیر تمام حواس خود را معطوف به میدان های داخلی می کند و بیشتر خواهد درخشید و مشغولیت های جانبی نخواهد داشت. ضمن این که می توانیم مجوز شرکت در رقابت های فصل

بعدی اروپا را نیز بیابیم.

سرانجام بگویند برنامه و اهداف شما برای درازمدت چیست؟

– خواست من این است که به هر افتخار ممکن دست یابم. می خواهم پیشرفت کنم و به تمام

اهدافم برسم. اگر هم نرسم، غصه نمی خورم. چون می دانم تمام تلاشم را مصروف داشته ام. از کوشش شدید در این زمینه هم ایایی ندارم. زیرا از آغاز می خواستم به همین حرفه بپردازم و مهمترین می خواهم موفقیت های من با لیورپول باشد و برای این تیم جام های زیادی را به ارمان پیآورم.



برابر لوکر امبورگ و لهستان برسم تا به این خواسته دست یابم.

مگر هنوز امیدوارید که تیم انگلستان به دور نهایی جام ملتهای اروپا برسد؟

– بله و همین طور خودم نیز امید دارم که سهمی در این روند داشته باشم. امیدوارم پس از سالم و آماده شدن به مسابقات برسم. این دیدارها بسیار مهم است و نهایت تلاشم را می کنم تا در آنها حضور

ایران و روسیه قراردادهای ۸ میلیارد دلاری امضا می کنند

گروه اقتصادی - نیکلای اکسیننکو معاون اول نخست وزیر روسیه اعلام کرد که مسکو و تهران در حال بررسی امضای موافقتنامه های همکاری به ارزش حدود ۸ میلیارد دلار هستند.

اکسیننکو دیروز در مسکو به دنبال دیدار اسحاق جهانگیری وزیر معادن و فلزات جمهوری اسلامی ایران با وی در یک مصاحبه مطبوعاتی این مطلب را اعلام کرد.

معاون اول نخست وزیر روسیه خواستار افزایش همکاری های اقتصادی و تجاری همکاری های دو کشور شد و گفت: اجلاس این کمیسیون به منظور افزایش همکاری های اقتصادی و تجاری باید هر چه زودتر تشکیل شود.

به گفته اکسینونکو ایران مناقصه امروزی کردن کارخانه ذوب آهن اصفهان را اعلام کرده است و شرکت های روسی نیازپروم اکسپورت، زاروویژ چرمت، گپرومیز و گپروکوکس علاقه مندی خود را به شرکت در این مناقصه اعلام کرده اند.

وی اضافه کرد: چند شرکت

دیگر روسیه نیز آمادگی خود را برای مشارکت در یک سرمایه گذاری بین المللی در صنایع معدنی ایران اعلام کرده اند. وی گفت: نشست بین المللی برای بحث در مورد این سرمایه گذاری اوایل پاییز در تهران تشکیل می شود و نمایندگان شرکت های روسو زاروویژ گیلوگیا و تیاژپروم اکسپورت در آن حضور خواهند داشت.

در دیدار روز چهارشنبه اسحاق جهانگیری وزیر معادن و فلزات با نیکلای اکسینونکو معاون اول نخست وزیر روسیه در مسکو، دو طرف عزم راسخ خود را برای گسترش همکاری در همه زمینه ها بویژه صنعت و معدن اعلام کردند.

به گزارش ایرنا، اکسینونکو با اظهار خرسندی از روند روابط دو کشور گفت: روسیه مایل است روابط و همکاری های فیمابین دو کشور بیش از پیش توسعه یابد.

وزیر معادن و فلزات ایران نیز با مفید و سازنده خواندن این مذاکرات گفت: روند مناسبی در توسعه روابط دو کشور در زمینه معادن و منابع

از ابتدای سال جاری

۳۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی به سیستم آبیاری نوین مجهز شده است



گروه اقتصادی - از ابتدای اجرای سیستم آبیاری نوین، ۲۷۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی کشور به آبیاری قطره ای و بارانی مجهز شده است.

معاون فنی و زیربنایی وزیر کشاورزی به ایرنا گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون ۳۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی زیر پوشش سیستم آبیاری نوین قرار گرفته است.

به گفته وی تجهیز ۷۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی به سیستم آبیاری نوین در برنامه سال جاری قرار دارد.

وی مشکلات تجهیزاتی، عدم آموزش بهره برداران و کیفیت نداشتن آب از نظر

املاح و شوری را از مشکلات اجرای سیستم آبیاری نوین دانست.

سازمان آگهی های روزنامه نشاط

دفتر مرکزی ۲۰۱۳۵۰۰ - ۲۰۱۳۳۷۳ - ۲۰۱۳۰۰۷

دفتر انقلاب

۶۴۱۷۱۱۵ - ۶۴۱۲۹۰۴ - ۶۴۶۰۱۸۷

دفتر سید خندان

۸۶۳۸۵۶ - ۸۶۰۱۳۷۴

دفتر میدان توحید

۹۲۶۳۵۲

یزد

۴۱۷۷۳ - ۳۳۷۵۴

ارومیه

۲۳۵۱۴۱ - ۲۲۵۰۶۰

دفتر میدان محسنی

۲۲۲۱۰۸۱ - ۲۲۵۴۹۷۶

۲۲۲۱۹۰۲ - ۲۲۵۴۹۷۸

دفتر پل مدیریت

۲۰۸۶۶۵۶

دفتر میدان امام خمینی

۳۹۱۶۹۷۲ - ۳۹۱۶۷۰۲

دفتر بلوار کشاورز

۶۵۱۹۵۰ - ۶۵۰۳۶۲

همدان

۵۲۳۰۰ - ۳۵۴۵۳

رودسر

۸۷۸۶ - ۰۱۴۲۶۲۲

مشهد

۸۳۶۳۴۳

اصفهان

۲۳۸۰۰۷



امضا برسد.

از سوی دیگر در نخستین مذاکرات اسحاق جهانگیری با «ویکتور اولف» وزیر منابع طبیعی روسیه، همکاری دو کشور در معدن کیمیاپ گفت و گوهای سازنده ای داشته اند. وی با اشاره به طرح بازسازی و توسعه ذوب آهن اصفهان گفت: تاکنون بیش از ۳۵ شرکت خارجی از جمله کنسرسیومی از شرکت های روسی نسبت به شرکت در این طرح اظهار علاقه کرده اند و دو طرف در مورد تشکیل یک شرکت فعال در امور معدنی و صنعتی به توافق اصولی رسیده اند و این احتمال وجود دارد که روز جمعه آینده یادداشت تفاهمی در این زمینه به

گروه اقتصادی - مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران برای تأمین تقاضای آب مشترکان تهرانی در سال جاری باید ۹۳۰ میلیون مترمکعب آب توزیع شود که نسبت به سال قبل (۹۱۴) میلیون مترمکعب افزایش می یابد. به گزارش ایرنا، محسن نریمان در نخستین همایش بهینه سازی مصرف آب گفت: سالانه ۵۶۰ تا ۵۷۰ میلیون مترمکعب آب از منابع سطحی شامل سدهای کرج، لار و لتیان تأمین می شود، در حالی که میزان برداشت از منابع زیرزمینی در نهایت ۲۵۰ میلیون مترمکعب است. وی افزود: بیا وجود رشد جمعیت و محدودیت منابع آب برای انتقال به تهران بهینه سازی مصرف آب در تهران ضروری است، این در حالی است که میزان مصرف آب در تهران با همکاری مشترکان روز گذشته (۵/۵/۷۸) در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲/۴۴ درصد کاهش یافت که در تاریخ فعالیت این شرکت بی نظیر است. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران اضافه کرد: میزان ذخیره آب سد کرج روز گذشته به ۱۰۱ میلیون مترمکعب رسید،

شناسایی معادن و نیز همکاری های علمی و تحقیقاتی مربوط به معادن مورد بررسی قرار گرفت. در این دیدار خرید قطعات فولادی از روسیه و تولید آلومینا و احداث کارخانه تولید تیتانیم با همکاری روسیه در ایران مورد بررسی قرار گرفت.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب

بهینه سازی مصرف آب در تهران ضروری است

میزان ورودی آب رودخانه کرج اکنون ۴/۵ مترمکعب در ثانیه و خروجی آن ۱۲ مترمکعب در ثانیه است و بدین ترتیب برای جابجایی به نیاز مشترکان از ذخیره آب این سد برداشت می شود.

به گزارش ایرنا، غلامرضا شافعی وزیر صنایع با اعلام این مطلب افزود: باتوجه به آنکه دولت تسهیلات ارزی و ریالی یارانه ای ندارد، صنعتگران باید با استفاده از این روش ها به توسعه فعالیت های

در سال جاری

ایران تاکنون مواد غذایی از آمریکا نخریده است

گروه اقتصادی - در پی انتشار اخباری از سوی برخی از رسانه های خارجی مبنی بر فروش غله و مواد غذایی از سوی آمریکا به ایران مدیر کل روابط عمومی وزارت بازرگانی ضمن تکذیب این اخبار، خاطر نشان کرد: جمهوری اسلامی ایران تاکنون هیچ گونه قراردادی در زمینه خرید مواد غذایی با آمریکا منعقد نکرده است.

هاشم ساعدی در گفت و گو با ایرنا افزود: با وجود تحریم آمریکا، جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با درایت کامل کالاهای مورد نیاز خود را به صورت رقابتی و با کیفیت مناسب از سایر منابع تولید خریداری کرده است.

وی خاطر نشان کرد: تحریم های اقتصادی آمریکا علیه ایران در عمل با شکست مواجه شده است، چون این آمریکاست که به بازار ایران نیاز دارد.

از سوی وزیر صنایع

روش های تازه برای جلوگیری از رکود صنعت اعلام شد

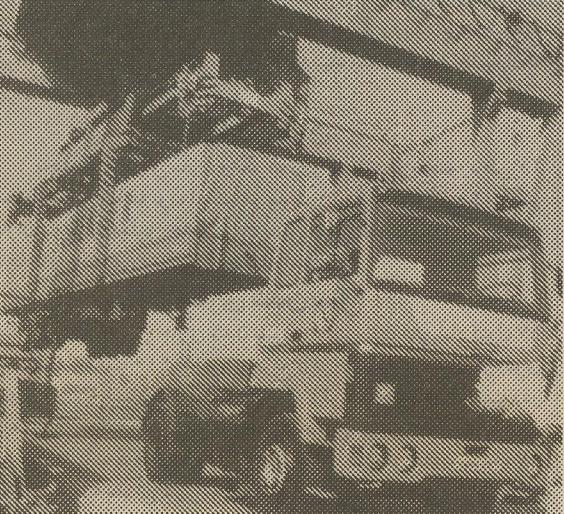
ارزها باید تعهد دهند، ارز دریافتی را از محل صدور کالاهای تولیدی خود به بانک مرکزی پرداخت کنند».

وی در پاسخ به پرسش یکی از تولیدکنندگان در مورد عدم پرداخت ارز حاصل از صدور بودرهای شوینده اظهار داشت: «ارز تخصیصی به تولید بودرهای شونده ارز شناور (هر دلار معادل ۱۷۵ ریال) است، در صورتی که کسی اقدام به صدور این محصول کند، باید مابه التفاوت نرخ این ارز را بپردازد».

صنعتی و سرمایه گذاری های جدید بپردازند. وی گفت: سرمایه گذاران می توانند از سرمایه های ایرانیان خارج از کشور و مشارکت خارجی برای انجام سرمایه گذاری های خود بهره مند شوند.

وی افزود: «برای توسعه صادرات غیرنفتی در سال جاری، بانک مرکزی ۴۰۰ میلیون دلار به صورت فاینانس (تأمین مالی) برای صنایعی که قادر به صدور تولیداتشان هستند، اختصاص داده است. استفاده کنندگان این

در سال جاری



حمایت این سازمان امکان پذیر خواهد بود که در این زمینه ضوابط و دستورالعمل های لازم نیز تهیه شده است.

به دلایلی ساخت پایانه در منطقه ای دارای توجیهات لازم باشد، از سوی بخش خصوصی در قالب اخذ موافقت اصولی یا مشارکت با

رضایت بانک جهانی از اصلاحات اقتصادی در روسیه

رئیس بانک جهانی گفت: روند اصلاحات اقتصادی در روسیه بخوبی پیش می رود. جیمز ولفستون رئیس بانک جهانی پس از دیدار با سرگئی استپاشین نخست وزیر روسیه که برای دیداری از آمریکا در واشنگتن به سر می برد افزود: اصلاحات اقتصادی در روسیه بخت خوبی برای موفقیت دارد و بنابراین وام چند میلیارد دلاری بانک جهانی برای کمک به اقتصاد بیمار این کشور بزودی آماده خواهد شد. وی اضافه کرد: تمام شرایط بانک جهانی محقق شده به نظر می رسد و لذا این بانک سه وام مختلف برای برنامه های اجتماعی، وام تکمیلی برای صنایع ذغال و تعدیل ساختاری به روسیه خواهد داد.

اوضاع اقتصادی بوسنی بزرگترین مشکل آینده این کشور است نماینده عالی جامعه بین المللی در امور بوسنی و هرزگوین گفت: مسائل اقتصادی مهمترین دشواری این کشور در آینده خواهد بود و می تواند ناآرامی های اجتماعی ایجاد کند.

کارلوس وستندروپ در سازمان ملل بعد از ارائه گزارشی به شورای امنیت در گفت و گو با خبرنگاران افزود: اوضاع اقتصادی در بوسنی یکی از مشکلات اصلی آینده این کشور خواهد بود، چون جامعه بین المللی ممکن است بتواند کارهای زیادی انجام دهد اما نمی تواند دادوستد ایجاد کند. وی اضافه کرد: نرخ بیکاری در بوسنی ۴۰ درصد است و فقط می توان از طریق خصوصی سازی و تهیه امکانات برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی با آن مقابله کرد.

بودجه سازمان فضایی آمریکا کاهش یافت

مجلس نمایندگان آمریکا با اکثریت آرا کاهش بودجه سازمان فضایی آمریکا (ناسا) را تصویب کرد. شبکه اخبار فضایی آمریکا گفت: سازمان فضایی آمریکا در یکی از بدترین شرایط کاهش بودجه در ۴۱ سال اخیر روبه رو شده است که برای برنامه های آن بسیار مخرب است.

کمیته فرعی مناسبات مجلس نمایندگان درست یک هفته پس از جشنی سی امین سالگرد اولین گام بشر بر کره ماه رای به کاهش بودجه (ناسا) تاحد ۱۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار در سال دوهزار داد، این میزان یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار کمتر از درخواست «کلیتون» رئیس جمهور آمریکا است.

هشدار سازمان محیط زیست ایتالیا در مورد افزایش حریق

جنگل ها

سازمان محیط زیست ایتالیا در پی افزایش آتش سوزی های عمدی در جنگل های این کشور اعلام خطر کرد.

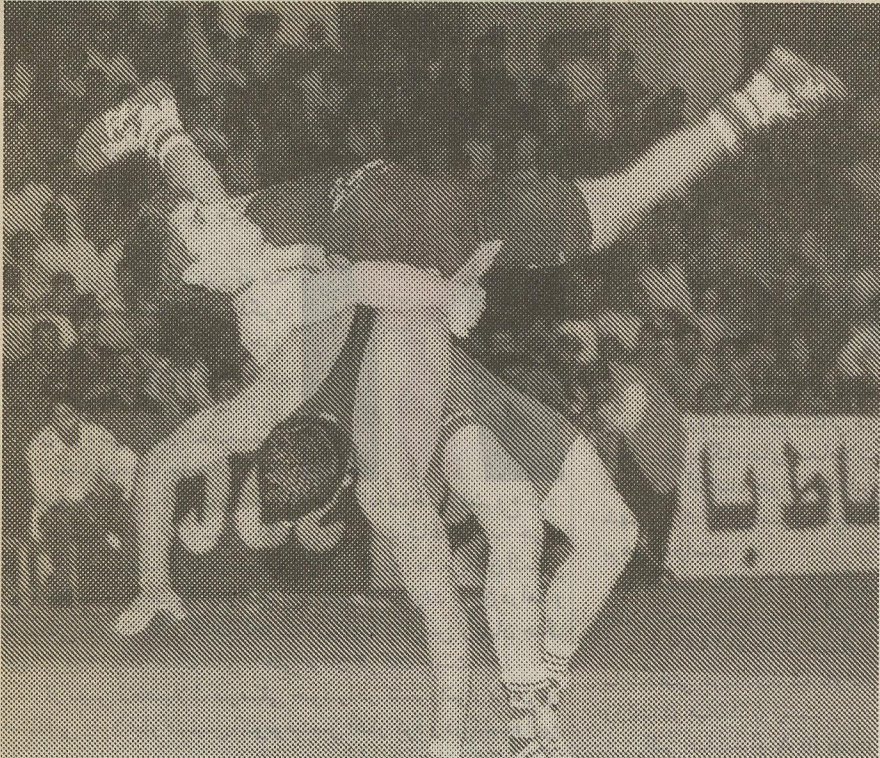
روزنامه کوریر دلا سرا در همین زمینه نوشت: سازمان محیط زیست ایتالیا اعلام کرد که برای جلوگیری از حریق به کسانی که عاملان آتش افروزی ها را به مأموران دولتی معرفی کنند یکصد میلیون لیر (حدود ۶۰۰۰ دلار) جایزه خواهد داد. از سوی دیگر براساس لایحه جدیدی که دولت ایتالیا در دست تصویب دارد از این پس هر کس به آتش زدن جنگل ها مبادرت کند به ده سال زندان محکوم خواهد شد.

سرمایه گذاری شرکت های هندی در بخش حمل و نقل عراق رادیو بغداد گفت: عراق به شرکت های هندی اجازه سرمایه گذاری در بخش حمل و نقل این کشور را داد. این رادیو به نقل از وزیر حمل و نقل عراق در دیدار با وزیر نفت و گاز هندوستان افزود: «عراق مایل به سرمایه گذاری شرکت های هندی در بخش حمل و نقل این کشور و برآورده کردن نیازهای خود در راستای توافقنامه نفت در برابر غذا و داروی سازمان ملل است». این رادیو به نقل از «احمد مرتضی احمد» اضافه کرد: روابط خوب دو کشور منعکس کننده تمایل به ارتقای سطح روابط همکاری اقتصادی در سطوح بالاتر است.

آمادگی و دبستان غیر انتفاعی پژوهش

با کادری بدتر- سرویس- غذا- کامپیوتر
زبان- قران- طبراحی- سفالگری
خیابان طهر، خیابان فردا افشار، خیابان بابک شرقی، پلاک ۱۵
۲۰-۱۹-۲۲۲۵

نوجوان‌های کشتی فرنگی ما، خوش درخشیدند



نامداران کشتی در میدان

مرحله دوم رقابت های انتخابی تیم ملی کشتی آزاد ایران در وزن های ۵۸، ۷۶، ۸۵ و ۹۷ کیلوگرم به منظور شرکت در پیکارهای جهانی سال ۹۹ بزرگسالان جهان در آنکارا ترکیه، صبح امروز در سالن شهدای هفتم تیر تهران آغاز می شود.

این رقابت ها بدون ارفاق وزن و سر وزن های قانونی و با حضور نفرات اول تا سوم مرحله نخست رقابت های انتخابی تیم ملی کشتی آزاد ایران و همچنین ملی پوشان و سرشناسان کشتی کشور به مدت دو روز برگزار خواهد شد.

در مرحله دوم رقابت های انتخابی، کلیه کشتی گیران شرکت کننده در رقابت های بین المللی جام تختی در سال ۷۷، نفرات اول تا سوم مسابقات های قهرمانی بزرگسالان و جوانان ایران در سال گذشته، نفرات تیم ملی کشتی آزاد ایران در پیکارهای جهانی سال ۹۸ تهران، بازی های آسیایی بانکوک، مسابقات های قهرمانی آسیا در سال ۹۹ ازبکستان، جام جهانی سال ۹۹ در «اسپوکن» آمریکا و همچنین اعضای تیم جوانان کشتی آزاد ایران اعزامی به مسابقات های جهانی سال ۹۸ در آمریکا اجازه شرکت خواهند داشت.

مرحله دوم رقابت های انتخابی تیم ملی کشتی آزاد ایران در وزن های ۵۴، ۶۳، ۶۹ و ۱۳۰ کیلوگرم نیز طی روزهای ۲۱ و ۲۲ مردادماه جاری در سالن شهدای هفتم تیر تهران برگزار خواهد شد.

روی خط فوتبال جهان

«تیرول» ۵ امتیاز از یاران میناوند پیش افتاد

در هفته پنجم از فصل تازه لیگ فوتبال اتریش تیرول اینسبروک صدرنشین این رقابت ها پنجمین پیروزی پیاپی خود را نیز دشت کرد و با برد ۵ بر صفر در برابر لاسک لینز نشان داد که به طور جدی به قهرمانی می اندیشد. تیرول که در هفته دوم رقابت ها در خانه اشتورم گر اتس قهرمان هر دو سال گذشته به پیروزی یک بر صفر دست یافته بود، حالا صاحب ۱۵ امتیاز از حداکثر ۱۵ امتیاز ممکن است و در قبال ۱۱ گل زده فقط یک گل خورده دارد. یاران میناوند هم که دیدار هفته پنجم خود را دو هفته زودتر از سایرین انجام داده و طی آن با راپیدوین نایب قهرمان فصل پیش صفر - صفر مساوی کرده بودند، با امتیازی برابر با هفتم رقیب (هر دو ۱۰ امتیازی اند) و به لطف تفاضل گل برتر در رده دوم جدول جای گرفته اند، در حالی که ۵ امتیاز از تیرول کمتر دارند. در دو مسابقه دیگر سه شنبه شب، گراتس اک با سالزبورگ صفر - صفر و راید با لوستو ۱ - ۱ مساوی کردند و بازی برکتر با استریا وین نیز به تعویق افتاد.

«چیلورت» سیاسی بازمی گردد

خوزه لوئیس چیلورت دروازه بان مشهور، توانا اما درمدرساز فوتبال پاراگوئه که در آرژانتین برای تیم باشگاهی ولز سارزفیلد به میدان می آید، هیزوز در مصاحبه ای با رادیو آسانسیون برای بازگشت به دیدارهای ملی و حضور در رقابت های انتخابی جام جهانی ۲۰۰۲ اعلام آمادگی کرد. چیلورت ۳۴ ساله به نشانه اعتراض به مخارج زیاد میزبانی جام اخیر ملت های آمریکا در خاک کشورش از حضور در این رقابت ها سر باز زده و گفته بود چنین مخارجی در حالی که مردم پاراگوئه اسیر فقرند، شایسته نیست. چیلورت دستی در فعالیت های سیاسی هم دارد و حتی به انتصاب ژنرال بازنشسته ای به نام لئینو اوویدو به عنوان مسئول امور امنیتی «کوبا آمه ریکا» اعتراض کرده بود و در قضا اوویدو بعداً مشوم به دست داشتن در ترور لوئیز ماریا ار گانا معاون رئیس جمهوری پاراگوئه به شد و در حال حاضر متواری است. **سرانجام «شون داندی» از لیورپول جدایی شود** شون داندی مهاجم آلمانی لیورپول سرانجام پس از ماه ها صبر و تأمل و بیان برنامه های اجرانشده، از این باشگاه جدا شده و به تیم اشتونگارت آلمان خواهد پیوست.

داندی ۲۶ ساله که متولد آفریقای جنوبی است، قراردادی ۳ ساله به بهای ۳ میلیون مارک با اشتونگارت خواهد بست. داندی که سه سال در کارلسروهه آلمان درخشیده بود، تابستان سال پیش با دنیای امید به لیورپول پیوست، اما هیچگاه در این تیم جا نرفتاد. او بارها وعده داده بود که به رغم مشکلات در لیورپول می ماند و برای یافتن جایی ثابت در این باشگاه مبارزه خواهد کرد اما انتقال او به اشتونگارت نشان می دهد که وی از خیر این مبارزه نافرجام گذشته است. **«روئو» روسیه جریمه و بازنده اعلام شد** اتحادیه فوتبال حرفه ای روسیه روز گذشته روتور و ولگوگراد را به سبب ترک گفتن زمین حین مسابقه اش با الاینیا ولادی قفقاز در یکی از دیدارهای هفته گذشته لیگ باشگاهی این کشور، با نتیجه ۳ بر صفر بازنده اعلام کرد و علاوه بر آن محکوم به پرداخت ۵۰ هزار روبل (۲۰۵۸ دلار) جریمه نقدی کرد. با این وجود روکاس شوک مدیر فنی باشگاه روتور و ولگوگراد دیروز تصمیم فوق را منصفانه خواند و طی حرف هایی ضدو تقیض گفت: «این یک تصمیم قاطع بر علیه ما است و البته ما از آغاز می دانستیم که آنها ما را مجازات خواهند کرد. آن چه ما انجام دادیم، صحیح نبود، اما بابت آن هیچ افسوسی نداریم!».

بلا تکلیفی «زیگه»

به نوشته مطبوعات ایتالیا به رغم برقراری توافق بین تیم های فوتبال آ.ث. میلان ایتالیا و میلنبرو انگلستان برای انتقال کریستین زیگه پیستون چپ آلمانی میلانی ها به میلنبرو، خود این بازیکن هنوز با این باشگاه انگلیسی به توافق نرسیده است. به گزارش نشریات ایتالیا، میلنبرو تیم نیم لیگ برتر انگلستان برای به خدمت گرفتن این بازیکن ۲۷ ساله آلمانی ۱۴ میلیارد لیر می پردازد. زیگه در تابستان ۱۹۹۷ با عقد قراردادی ۴ ساله از بایرن مونیخ آلمان به آ.ث. میلان پیوست، اما به خاطر مسائلی مثل بیماری، مصدومیت و دوری از فرم ایده آل هرگز در این باشگاه ندرخشید و به مهره ای ثابت و اساسی بدل نشد.

قابل توجه خانواده های غرب تهران
شنای آموزشی و تفریحی
خردسالان . بزرگسالان
در باشگاه بهروزان استخر آتش نشانی شهرزیا
تلفن : ۴۴۳۴۲۴۳ - ۰۸۷۹۰۸۷۰۳۴۰

نامداران کشتی در میدان

در دور اول مغلوب ساخت. او هم در گروه خود پس از حریفی استراحت با حریفی از آفریقای جنوبی در دور سوم پیکار کرد. آخرین پیروزی صبح روز اول تیم ما را سیداکبر حسینی در وزن ۸۵ کیلوگرم به دست آورد که موفق شد بر حریف بلغاری غلبه کند. در گروه او نمایندگان کشورهای مجارستان و چک نیز حضور دارند.



ناراحت نیستیم». **غیبت ماتیوس و هاین ریش در تمرینات** ریبک گفت که در بازی پنج شنبه در برابر نیوزیلند به سیستم استفاده از دو مهاجم بازمی گردد و روش استفاده از سه مهاجم و سیستم ۳-۳-۱ را کنار می گذارد. در جریان تمرینات سه شنبه، لوتار ماتیوس فناناپذیر و ۳۸ ساله و یورگ هاین ریچ تکنیکی و ۲۹ ساله به خاطر مصدومیت های سبک شان طی نبرد با برزیل غایب بودند. اما «اولی اشتلیکه» کمک مربی آلمان و دستیار اول ریبک گفت مشکل آنها حاد نیست و به بازی با نیوزیلند می رسند. اشتلیکه دیروز نیوزیلند را قابل عبور خواند اما گفت که این تیم در جبهه درشت و قوی بازیکنانش می تواند مشکل فیزیکی برای آلمان ایجاد کند. وی افزود: «ما بیشتر از دو هفته برای این رقابت ها تمرین نداشته ایم و هیچ تیمی طی این مدت آماده نمی شود».

دوم مصر را نیز به ثمر رساند. مانوئل لاپوئنته مربی مکزیکی دیروز در ارتباط با هوشدن تیمش در طول دیدار با مصر گفت: «عکس العمل تماشاگران صحیح بود و ما وظیفه داریم که با ارانه بازیهای بهتر موجب رضایت آنها شویم.» اما محمود الجوهری مربی مصر که پس از این رقابت ها باید تیمش را مهیای دفاع از عنوان قهرمانی اش در دور تازه (۲۰۰۰) مسابقات جام ملت های آفریقا کند، اظهار داشت: «ما در نیمه دوم تغییری را در ترکیب تیم و در مسائل تاکتیکی دادیم و روحیه تیم بهبود یافت و کار ما ثمر داد». یک مسابقه کم حادته در دیدار بولیوی - عربستان که ساعتی پیش و در حضور فقط ۷ هزار تماشاگر در همان ورزشگاه ازتک برگزار شد، هیچ اعتدلی روحیه ای محسوس نبود. با این وجود عربستان با به فراموشی سپردن شکست سنگین روز اول خود در برابر مکزیکی محکم ظاهر شد و این بار هیچ گلی نخورد. به واقع در این بازی فرصت های گلزنی کمی خلق شد و تلاش نواف التمیات، حمزه فلاته و محسن هرتی در اردوی عربستان و خوزه مناجو، رینی ریبرا و مارکو اچه وری معروف در اردوی بولیوی به بار نشست و محمدال دعایه و خوزه کارلو فرناندز دروازه بانان دو تیم تا پایان موفق و پایدار ماندند و دفاع عربستان که بیشتر شکننده نشان داده بود، این بار کم نقص کار کرد.

کسب ۵ پیروزی در دور اول و تحمل تنها یک شکست گویای توانایی های وافر نوجوانان کشتی فرنگی ماست. طبق مقررات فیلا، در روز اول رقابت ها، نمایندگان اوزان ۴۲، ۵۰، ۵۸، ۶۹ و ۸۵ کیلوگرم به روی تشک آمدند و از صبح امروز رقابت های ۵ وزن دیگر هم آغاز خواهد شد.

تیم ما که با پروازی ۲۲ ساعت به شهر نیکوپینگ دانمارک وارد شد، بعد از دو تمرین سبک، نمایندگان خود را روی تشک فرستاد.

محمد حضرتی که سال پیش مدال برنز نوجوانان جهان را بر سیئه زد، در رقابت های صبح روز اول تیم ما را صاحب دو پیروزی و

محمدرضا مهدوی: ما تمرین نمی کنیم، تفریح می کنیم

در زمستان سال ۷۷ تومیسلاوویچ سرمربی وقت تیم ملی فوتبال ایران که در حال آماده کرن این تیم برای شرکت در مسابقات جام جهانی فرانسه بود، نام یک مدافع جوان را بیش از همه بر زبان می آورد. اما هم او محمدرضا مهدوی را خط زد!

مهدوی یک سال بدون سروصدا با تیم بهمن در دسته دوم ماند تا این که فصل جدید به استقلال پیوست. می گویند یکی از بهترین بازیکنان استقلال در آلمان همین بازیکن بوده است. با محمدرضا مهدوی گفت و گویی ترتیب دادیم:

● در سفر به آلمان شما و تیم استقلال به چه تاییچی رسیدید؟ برای من که خیلی خوب بود، برای تیم هم همین طور. چهار بازی برگزار کردیم که من فقط در بازی با بایرلورکوزن حاضر بودم. با وجودی که صدورصد آماده نبودم اما خیلی خوب بازی کردم. البته این آخری نظر میان بود.

● فرق فوتبال و امکانات ما و آلمانی ها در چه بود؟

جواب ملایم مربی آلمان به انتقاداتی تند

ریبک: وقت تدارك نداشتیم



اریش ریبک مربی تیم ملی فوتبال آلمان که تیمش صبح امروز (پنج شنبه) در ادامه بازی های گروه دوم جام کنفدراسیون ها در شهر گوادالاخارا مکزیکی رویه روی نیوزیلند قرار گرفت، دیروز در مصاحبه ای مطبوعاتی در این شهر شکست سنگین ۲ بر صفر در برابر برزیل در بازی نخست تیمش در شنبه شب این هفته را نتیجه تدارک نداشتن تیمش به اندازه کافی دانست.

ریبک که به خاطر این باخت تحت انتقادات کمر شکنی قرار گرفته و متهم به ادامه خط کاری برتی فوگتس سلف خود و انجام ندادن تغییرات اساسی و ریشه ای در تیم ملی آلمان شده است، گفت: «مهمترین نشان این رقابت ها برای ما این است که تیم مان در قیاس با سایر حریفان وقت کافی برای آماده سازی خود نداشت و بسیاری از بازیکنان ما در هفته های اخیر طبق تعهدی که به باشگاه خود دارند، مشغول تمرین با تیم های خود بودند

دوره سربازی ام تمام می شود و تا ده روز دیگر هم ویزایم آماده می شود.

پیکارهای فوتبال جام کنفدراسیون ها

توقف مکزیک در برابر مصر

صبح دیروز به وقت تهران دور دوم بازی های فوتبال جام کنفدراسیون ها ۱۹۹۹ در گروه اول این رقابت ها در ورزشگاه ازتک مکزیکی سیتی با انجام دو دیدار آغاز شد و در آنها، مکزیکی میزبان آماده و پرامید جام به تساوی ۲ - ۲ با مصر و بولیوی نایب قهرمان جام ملت های آمریکا ۱۹۹۷ به تساوی بدون گل با عربستان اکتفا کردند تا در فاصله یک دور به پایان مسابقات این گروه، هر چهار تیم حاضر در عرصه بخت هایی برای صعود داشته باشند.

در بازی مکزیک با مصر قهرمان جام ملت های آفریقا ۹۸ که ۶۵ هزار تماشاگر را به ازتک کشانده بود، مکزیکی شروعی خوب داشت و تا دقیقه ۲۶ با دو گل از حریف خود پیش افتاد و وقتی یاسر ادوان هافبک تأثیر گذار مصر در دقیقه ۶۴ مسابقه به حکم یونگ جوکیم داور اهل کره جنوبی از زمین اخراج شد و تیمش را ۱۰ نفره کرد، به نظر می رسید که پیروزی دوم و امتیازی شدن و صعود مکزیکی به دور دوم قطعی یافت باشد. اما در میان شگفتی ناظران مصر با ۱۰ نفر دو گل طی ۱۱ دقیقه آخر بازی به مکزیکی زد و از یک باخت توانست امتیاز بیرون بکشد. بعد از بازی در حالی که تماشاگران مکزیکی به خشم آمده و تیمشان را آشکارا هو می کردند، در دقیقه ۸۵ سمیر ابراهیم مدافع وسط کایرزس لاترن آلمان با یک ضربه آزاد محکم از فاصله ۳۰ متری که از دفاع سه نفری شیاردار مکزیکی عبور کرد، گل

روی خط فوتبال ایران

مراقبت شدید «دام» از پزدانی

استقلال ای هایی که در آلمان از نزدیک چهره داریوش یزدانی را دیده بودند باور نمی کردند که این اندام تراشیده متعلق به همان هافبک جوان استقلال و تیم ملی باشد. شیوه بازی یزدانی نیز با گذشته تفاوت های بسیار یافته است. روزنامه اسپرت لورکوزن در بررسی نفرات جدید بایرلورکوزن می نویسد: دام هرگز تصور نمی کرد که در میان بازیکنان تازه به خدمت گرفته بایرلورکوزن این جوان ایرانی بهتر و راحت تر از بقیه با تمرین های سخت او کنار بیاید. این

روزنامه می افزاید: بعد از تمرین یک ساعته صبح داریوش یزدانی به اتفاق دیگر بازیکنان لورکوزن یک ساعت حافظه دار و یک ضربان سنج از مربی تیم تحویل می گیرد و سپس به داخل جنگل زیبای کنار اردو می رود. او و دیگران چهل و پنج دقیقه بدون مراقب باید در این جنگل بدوند و در بازگشت این وسایل الکترونیکی هستند که می گوید کدام یک بهتر بوده اند.

لژیونرهای ایرانی مشکلی ندارند

بر خلاف شایعاتی که این روزها بر سر نیامدن لژیونر های ایرانی حاضر در پوندس لیگا بر سر زبان هاست، آنان می توانند در تاریخ هفدهم شهریور با لباس تیم ملی ایران به مصاف ژاپن بروند.

حسین فرکی مربی تیم ملی در این مورد به نشاط گفت: در تاریخ یاد شده تیم های آلمانی مسابقه ندارند و به همین دلیل لژیونر های ایرانی می توانند در یو کاها ما ژاپن به ما ملحق شوند، بنابراین خبر های مربوط به نیامدن بازیکنان ایرانی حاضر در لیگ های اروپایی صحت ندارد.

علیدوستی یک جای خالی نگاه می دارد

مربیان تیم های حاضر در لیگ دسته اول کشور باید بزودی لیست بازیکنان خود را به فدراسیون فوتبال ابلاغ کنند. تیم ها تمرین های منظم خود را پشت سر می گذارند تا هر چه زودتر ترکیب اصلی خود را شناسایی کنند و لیست خود را کامل کنند. تیم سالیاهم به رهبری حمید علیدوستی در حال پیدا کردن ۲۵ بازیکن اصلی خود است. اما علیدوستی قصد ندارد لیست خود را پر کند. او که می داند راه سختی در لیگ ۷۸ پیش رو دارد یک یا دو جای خالی در فهرست بازیکنان خود می گذارد تا اگر روزی بازیکن جدیدی را به خدمت گرفت نام او را در لیست قرار دهد.

این طور که گفته می شود علیدوستی به یک هافبک چپ و یک مهاجم دیگر نیاز دارد.

آزاکسی ها دوشنبه منتظر همدانی هستند

ستار همدانی با قبول وعده های مسئولان بهمن فعلاً از پیوستن به استقلال تهران چشم پوشی کرده است. باخبر شدیم که هافبک پرتلاش تیم های ملی و بهمن روز یکشنبه دهم مرداد تهران را به سوی آمستردام هلند ترک خواهد کرد. در این سفر یکی از مسئولان روابط بین المللی باشگاه بهمن همدانی را همراهی خواهد کرد. طبق برنامه ریزی های قبلی مربیان تیم آژاکس دوشنبه دوم گوست (باز دهم مرداد) در انتظار ستار همدانی خواهند بود.

همدانی در اواسط مرداد به شهر آیندهون هلند می رود تا چند روزی نیز در کنار اعضای باشگاه پی.اس.وی آیندهون بگذراند.

یاوری: فقط با اجازه برقی ها

امین راستی بازیکن تیم برق شیراز که با تصمیم فدراسیون فوتبال، به عنوان بازیکن آزاد - البته مشروط - شناخته شده است مورد توجه محمود یاوری است. یاوری که هنوز هم لیست نهایی تیم خود را برای لیگ آژادگان جدید نبسته است گفت در صورتی با راستی پای میز مذاکره می نشیند که برقی ها او را نخواهند در غیر این صورت برای حمایت از یک باشگاه شیرازی از استخدام این بازیکن صرف نظر خواهند کرد.

گفتنی است که چندی پیش کمیته حل اختلافات فدراسیون فوتبال، امین راستی را به شرطی آزاد اعلام کرد که در صورت عقد قرارداد جدید، مبلغ ۵۰۰ هزار تومان به حساب باشگاه برق واریز کند.

نادر محمدخانی در شیراز

چندی پیش مسئولان پرسپولیس تلویحاً اعلام کرده بودند که با محمدخانی قرارداد نمی بندند بنابراین این بازیکن با تجربه هم بیکار ننشست و خود را به یکی از تیم های شهرستانی وصل کرد. از قرار معلوم محمدخانی با فجر سپاسی شیراز وارد مذاکره شده و به توافقاتی هم رسیده است. این بازیکن روز سه شنبه با شرکت در تمرینات این تیم رسماً پای میز مذاکره می نشیند. بدین ترتیب سفر محمدخانی به همراه پرسپولیس به کشور آلمان متفی می شود.

ابوالقاسم پور: باید آماده به آلمان بروم

بهنام ابوالقاسم پور مهاجمی که در فصل گذشته کارنامه موقعی از خود به جای گذاشت این روزها هم در تمرین های تیم سالیپا جزو آماده ترین بازیکنان است. او برای آغاز کار خود با تیم اشتونگارت آلمان لحظه شماری می کند. ابوالقاسم پور در این خصوص گفت: ویزی که آلمانی ها برایم فرستاده بودند مهلتش تمام شده بود و هم اکنون منتظر ویزای جدید هستم. تا هفته دیگر دوره سربازی ام تمام می شود و تا ده روز دیگر هم ویزایم آماده می شود.

اگر این مقدمات فراهم شود ۱۸ مرداد رهای آلمان می شوم تا کارم را با اشتونگارت شروع کنم. ابوالقاسم پور سپس درخصوص وضعیت آمادگی خود گفت: برای آن که در آلمان نظر مساعد مربیان اشتونگارت را به دست آورم سخت تمرین می کنم و هم اکنون در آمادگی مطلوبی به سر می برم.

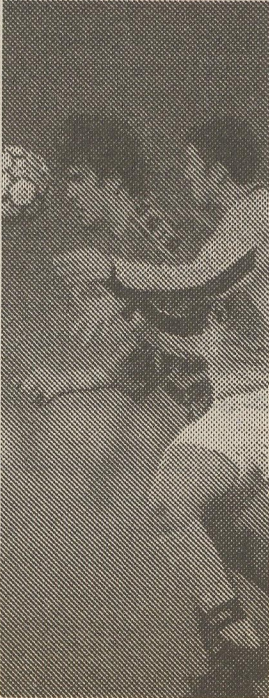
بیرهوف: باید پیشرفت کنیم

آث. میلان قهرمان فصل گذشته فوتبال باشگاه های ایتالیا (کالچیو) که برای فصل آتی این لیگ تدارک می بیند، این روزها در باشگاه شهر میلان مشغول تمرین است و بازی هایی دوستانه انجام می دهد.

آلبرتو زاکه رونی مربی آث. میلان حتی از انجام بازی های دستگرمی بین نفرات تیم غافل نیست و در چنین دیدارهایی میلانی ها به واقع سرمه را می تراشند! و در این راستا سه شنبه پس از تقسیم شدن نفرات باشگاه به دو تیم ۱۱ نفره، آنها که پیراهن سفید به تن کرده بودند، طرف مقابل را که در مین به لباس ستنی (قرمز و مشکی) آث. میلان بود، ۳ بر ۲ شکست داد. برای سفیدها اولیور بیرهوف آلمانی ۲ گل و ژرژوآ آلبیریایی دیگر گل را به ثمر رساندند و هر دو گل بازنده ها به نام ژوونیمیر بویان کروات نوشته شد. آندره شوچکو اوکراینی که به تازگی به آث. میلان پیوسته است، در این دیدار به سبب پیچ خوردگی مچ پا شرکت نکرد، اما سایرین امیدوار و آماده نشان می دادند.

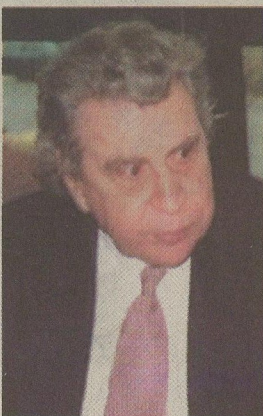
ما دانیم او چه می خواهد

بیرهوف ۳۰ ساله که فصل پیش با ۲۰ گل زده بهترین مهاجم آث. میلان بود، در این باره گفت: «فصل پیش در چنین موقعی تلاش می کردم خودمان را از اصل و پایه با برنامه ها و اهداف زاکه رونی وقف دهم، اما حالا می دانیم او چه می خواهد و می توانیم اطلاعات لازم را به چند تازه وارد تیم بدهیم. با این وجود همه ما باید باز بیشتر کار کنیم و نسبت به فصل گذشته پیشرفت داشته باشیم تا شانس تجدید مقام مان را به دست آوریم».



امروز، همیشه

میکیس تئودوراکیس



حرفه: آهنگساز
تاریخ تولد: ۲۹ ژوئیه ۱۹۲۵
محل تولد: جزیره خیوس، یونان

این موسیقیدان بزرگ که امروز هفتاد و چهارمین سالگرد تولد خود را جشن می گیرد جزو معدود کسانی است که آهنگسازی را پیش از نوازندگی آموخت. او در دوران کودکی بی آن که معلمی داشته باشد شخصاً به آموختن خط

و الفبای موسیقی پرداخت و از همان زمان ترانه ساختن را شروع کرد. جنگ جهانی دوم تئودوراکیس را از پشت کاغذ نت به جرگه پارتیزان هایی کشاند که در کوهستان های یونان با سربازان آلمانی می جنگیدند. در همین جنگ ها بود که او به اسارت آلمان درآمد و به سختی به دست نازی ها شکنجه شد. تئودوراکیس پس از پایان جنگ جهانی دوم نیز در جنگ های داخلی یونان شرکت جست. او سپس تحصیلات موسیقی خود را در کنسرواتوار یونان نزد استادانی چون فیلو کتیتیس اکونومیدیس آغاز کرد و در کنسرواتور پاریس نیز از محضر موسیقیدانی چون اولیو به میسان و اوژن بیگو بهره برد.

نخستین آثار موسیقی مجلسی تئودوراکیس، کنسرتوی پیانو، سوئیت شماره یک و سمفونی شماره یک بودند که استقبال فراوان از آنها برای وی شهرتی جهانی به همراه آورد. تئودوراکیس در سال ۱۹۵۷ برنده مدال طلای جشنواره موسیقی مسکو شد. دو سال بعد در آمریکا باله «آنتیگون» را رهبری کرد که با تحسین فوق العاده ای مواجه شد و برای او عنوان بهترین موسیقیدان اروپا را به همراه داشت. تئودوراکیس پس از موفقیت های جهانی دوباره به ریشه های یونانی خود بازگشت و در جهت احیای موسیقی سنتی یونان تلاش کرد. ترانه «اینتافوس» او که در همین زمینه ساخته شد آغازگر عصر انقلاب فرهنگی در یونان شد. تئودوراکیس با آثار بزرگی که برپایه سروه های کهن یونان ساخت به موسیقی یونان اعتباری جهانی بخشید.

تئودوراکیس یقیناً بزرگترین موسیقیدان معاصر یونان به شمار می آید، با این حال او نیز همچون بسیاری از هنرمندان جهان از جور حکومت های فاشیستی در امان نماند. در سال ۱۹۶۷ حکومت کودتاجیان یونان با اعلامیه معروف شماره ۱۳ خود حتی گوش کردن آثار تئودوراکیس را ممنوع کردند و خود او را نیز پس از بازداشت ابتدا همراه با زن و دو فرزندش به زاتونا تبعید کردند و سرانجام پس از این که مدتی او را در اردوگاه اورپوس زندانی کردند، دستور اخراج او را از یونان دادند، تئودوراکیس در تبعید نیز به مبارزه با دیکتاتوری ادامه داد و چندین کنسرت اجرا کرد.

این آهنگساز بزرگ مجموعاً هزار ترانه، پنج سمفونی و چند باله ساخته است، اما برخی از ماندگارترین آثار او که به گوش بسیاری از ما نیز آشناست، سرود المپیک و موسیقی متن فیلم های «زد» و «زوربای یونانی» هستند.

تئودوراکیس پس از سقوط دیکتاتوری در یونان وارد عالم سیاست شد و چند بار به عنوان نماینده مجلس انتخاب شد. وی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ در دولت کنستانتین میستوناکیس به وزارت رسید. تئودوراکیس و زولفولبولانی خواننده معروف ترک انجمن دوستی یونان و ترکیه را بنیاد نهاده اند.

آخرین اثر تام وولف، نویسنده مشهور آمریکایی

یک مرد تمام عیار آرامش آتلانتا را برهم زده است



«یک مرد تمام عیار» اثر جدید تام وولف با موشکافی در فعالیت بنگاه های معاملات املاک در آتلانتا، خواب آرام این شهر بزرگ را در جنوب آمریکا برهم زده است.

وقتی اسامی نامزدهای جایزه انجمن ملی منتقدان آمریکا در سال ۱۹۹۹ اعلام شد بسیاری با شگفتی دریافتند که نام تام وولف در میان آنان نیست.

اثر جدید او full man in A او در زمستان گذشته انتشار یافت. وولف در این اثر نگاه موشکافانه اش را متوجه بنگاه های معاملات املاک کرده است. اما جنجالی که این کتاب در آتلانتا (محل رخدادهای رمان) ایجاد کرده به دلیل شخصیت هایی است که در این کتاب حضور دارند و همگی منشأ واقعی دارند، خصوصاً آنسانی که اجازه دادند از زندگی شان نسخه برداری شود. شخصیت اصلی رمان، چارلی کروکر، یکی از بنگاه داران آتلانتاست که تا خرخره در قرض است. این مرد شصت - هفتاد ساله در عین حال یک متعصب دوست داشتنی است که بدش نمی آید دسته ای از کولکوس کلان ها را به راه انداز تا ملکی را که موقعیت مناسبی برای تجاری شدن دارد از جنگ یک سیاهپوست به درآورند، اما مرد سیاهپوست در عوض او را گوشمالی مختصری می دهد.

برخی از دلالاتی که تام وولف اطلاعات مورد نیاز رمان خود را از آنان کسب کرده است گلابه کرده اند که جزئیات شخصیتشان در قالب چارلی کروکر (قهرمان داستان) واقعی

لورته است.

چارلز آکرمین یکی از بنگاهداران بزرگ آتلانتا اقرار می کند: «در دیدارهای صنفی، بنگاهداران و دلالات سربه سر یکدیگر می گذارند و به هم می گویند: می بینی چقدر قهرمان کتاب شبیه توست!».

خانم تایلور، مستندسازی که وولف را برای نوشتن این رمان به آتلانتا دعوت کرده است از شنجی که شهر را پیشاپیش (پیش از انتشار رمان) دربرگرفت خبر می دهد. این زن سال هاست برای حفظ و نگهداری خانه ای که مارگارت میچل در آن برپادرفته را نوشت، بلوا به راه انداخته است. او تعریف می کند که در اواسط دهه هشتاد و در خلال یک سفر هوایی، تام وولف به او می گوید که آرزو دارد شخصیت اصلی رمان آینده اش یک بنگاهدار باشد.

خانم تایلور به او می گوید: «در آتلانتا می تواید بیشتر از هر شهر

دیگری با دلالات املاک دیدار کنید».

بیشتر بنگاهداران که به سؤال های تام وولف پاسخ دادند آثار قبلی او از جمله انبان بیهودگی را خوانده بودند و می دانستند که شخصیت های او یکرنگ نیستند.

اما هیچ یک از آنان نتوانست در برابر میل به درد دل کردن با نویسنده معروف مقاومت کند. به این ترتیب رازهای حرفه ای بسیاری برملا شد.

آقای آکرمین که در آتلانتا بنگاهدار برجسته ای است در این باره می گوید: بانک ها دلال ها را تهدید کردند. آنان هر روز همکاری را می دیدند که می شناختند و همه چیز شان را در ظرف یک روز از دست داده بودند و به خاک سیاه نشسته بودند. این برای مردم فرصتی رویایی شد تا هرچه در دل داشتند درباره ما به زبان بیاورند».

باب هولدر دلال بازنشسته ای است که به پرسش های تام وولف پاسخ داد. پاسخ همین پرسش ها دستمایه کتاب وولف شد.

این مرد می گوید: «جمعیتی را تصور کنید که برای باز کردن در یک فیلم سرودست می شکنند، اما بعد هر کدام از آنها امیدوار است که نقش اول این فیلم نباشد. و این اتفاقی بود که برای مردم آتلانتا در برخورد با «یک مرد تمام عیار» آخرین اثر تام وولف رخ داد. از وولف پیش از این کتاب پرفروش دیگری با نام انبان بیهودگی منتشر شده است. در این کتاب، درخلال رویارویی یک پسر جوان و سربه راه با یک نظامی سیاهپوست فرصت طلب، چهره خشن نابرابریهای فرهنگی در نیویورک آشکار می شود.

گرانیهاترین تابلوی نقاشی جهان گم شده است.

به گزارش B.B.C مردی که نه سال پیش تابلوی «دکتر گاشه» اثر ونسان ون گوگ نقاش معروف هلندی را به بهای ۸۲ میلیون دلار خریداری کرد، مرده است و از هنگام مرگ وی تاکنون این تابلوی گرانبه گم شده است. این تابلو در زمانی که به دست این مرد خریداری شد تاکنون در هیچ نمایشگاهی دیده نشده است.

گم شدن این تابلو هنگامی مشخص شد که موزه متروپولیتن نیویورک تصمیم به برپایی نمایشگاهی از آثار ون گوگ گرفت و از صاحبان آثار ون گوگ در سراسر جهان درخواست کرد تابلوهای خود را برای نمایش عمومی به نیویورک بیاورند. اما تلاشهای این موزه برای یافتن صاحب تابلوی معروف دکتر گاشه بی نتیجه ماند. سرانجام مشخص شد که مردی که نه سال پیش این تابلو را خریداری کرد سه سال پیش مرده است و تابلوی ون گوگ نیز ناپدید شده است.

اما گرانی زیادی که در مورد این تابلو ایجاد شده بیشتر به این خاطر است که ممکن است این اثر مهم ون گوگ از بین رفته و دیگر وجود نداشته باشد چون صاحب آن در زمان حیات خود، فرزندان خود را تهدید کرده بود که این تابلو را خواهند سوزاند تا آنها نتوانند بعد از مرگ وی آن را بفروشند. از آنجا که تابلوی مزبور دیگر در هیچ مکانی دیده نشده

چند خط خبر

لندن - دایرةالمعارف جهانی «بریتانیکا» دیگر به صورت نسخه های چاپی که از سال ۱۷۶۸ به طور پیوسته منتشر می شود، انتشار نخواهد یافت و از این پس این منبع عظیم اطلاعاتی فقط به صورت سی دی تکثیر و توزیع خواهد شد.

گرمناشاه - ششمین دوره رقابت های فرهنگی، هنری و دومین جشنواره نمایش دانشجویان دختر فنی و حرفه ای کشور روز چهارشنبه در کرمانشاه پایان یافت. در این دوره ۴۰۰ نفر در زمینه فرهنگ و هنر و ۲۰۰ نفر در زمینه نمایش با عرضه ۱۴ متن نمایشی شرکت داشتند. تالار رودکی - گروه موسیقی آفتاب، امروز و فردا در تالار رودکی برنامه اجرا می کند. سرپرست این گروه حمید خبازی و خواننده آن علی مینو سپهر است.

یادداشت های پنجشنبه

سینمای دینی؛ مفهومی دست نیافتنی

هفته گذشته در خانه سینما جلسه ای برای بررسی سینمای مذهبی بر گزار شد که در آن سخنرانان به تعاریفی دراین باره پرداختند. حجت الاسلام علی افصحی که پیش از این در همایش «دین از چشم سینما» نقش فعال داشت، در این جلسه خانه سینما، نظریات متفاوتی را درباره این موضوع مطرح کرد که در خبری به آن پرداختیم. افصحی در تماس بعدی که با دفتر روزنامه داشتند (برای اصلاحیه ای در خبر چاپ شده) به توضیح بیشتری درباره نظریات مطرح شده در آن جلسه پرداخت که مطلب زیر ماحصل آن گفت و گو است. خوب می دانیم که طرح چنین نظریاتی در روزنامه نشاط بیشترین بازتاب ها را خواهد داشت. از این رو می گویم که باب این مبحث برای معتقدان و مخالفان آن باز است و منتظر اعلام نظر دیگران خواهیم بود.

گروه ادب و هنر حجت الاسلام علی افصحی منتقد و صاحب نظر سینما نسبت به نفوذ جریان حامی خشونت در جامعه به سینما هشدار داد.

وی با اشاره به این نکته که وجود سینمای دینی به لحاظ بنیادین امکان پذیر نیست گفت: مشکل این جاست که حامیان این نگرش به نییعت از نظریات مرحوم فردید که با نگاهی انتقاطی بخش هایی از تفکر هایدگر را مبنی بر این که دیگر در زمانه شاعر وجود ندارد و شعر دانش حقیقی است، به این شکل تعبیر می کنند که در عصر مدرنیته فضایی برای هنر حقیقی وجود ندارد و از این رو بین تکنولوژی و اندیشه دینی تعارض قائل می شوند و علم مدرن را مقابل شعر و اندیشه قرار می دهند.

افصحی افزود: البته از همان ابتدا هم در مقابل فردیدپن، نظریات دکتر سروش هم مطرح بود که به بالندگی اندیشه دینی در برخورد با مدرنیته معتقد است و این تفکر است که سینما را به عنوان یک خصیصه مدرن شناسایی کرده و به تبیین آن می پردازد.

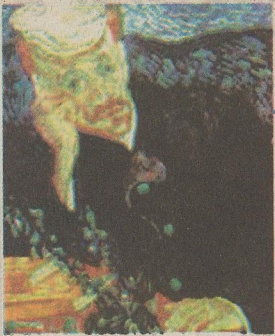
وی با اشاره به این نکته که عده ای از پاتیان و مروجان خشونت با وجود مخالفت های فکری به عرصه سینما راه یافته اند گفت: این جریان از سویی مطرح می کند که سلولویتد ظرفیت پذیرش و بسط مفهوم سینمای دینی را ندارد بی آن که از تفاوت فیلم با سینما آگاه باشند. در واقع فیلم یک محصول است و سینما یک مفهوم یعنی سلسله ای از مواد و کار و تخصص ها که در ترکیب با هم سینما را پدید می آورند و این سلسله نمی تواند دینی باشد. مگر می شود نگاتیو یا دوربین و موویولای دینی ساخت یا به دکوپاژ دینی رسید. از سوی دیگر وقتی از کارگردانی که به این جریان فکری تعلق دارد پرسیده می شود فیلم خوب و ایده آل چیست می گوید فیلمی که امام زمان از آن راضی باشد. بی آن که بتواند معیار این نظر را بیان کند. این منتقد سینمایی با تأکید بر قدرت گرفتن و بالندگی این جریان پس از دوم خرداد گفت: شبه فلاسفه ای چون زرشناس و مدپور که در واقع بسط دهندگان نظریه فردید هستند در مدت اخیر با در دست داشتن تربیون هایی چون شبکه چهارم سیما و روزنامه های کیهان و هفته نامه صبح به این نکته اشاره می کنند که هر گونه تفکری به سکولاریزم منتهی می شود از این رو باید درها را بست، جریان دمکراسی را متوقف کرد که خشونت در جامعه نهادهت شود. اینان بر پایه آن بخش از تفکر فردید نظریات جدید خود را مطرح می کنند که بر تفکیک و تقابل تمدن ها مبنی است.

وی افزود: این جریان با پسوند زدن به تمامی مفاهیم مترقی جدید چون جامعه مدنی و سینما باعث شده اند که روشنفکران جامعه نسبت به دین موضع گیری کنند که در نهایت پدیدآمدن اختلافاتی این چنین منجر به حذف بالندگی اندیشه از جامعه می شود و این هدف نهایی آنان است.

علی افصحی در پایان متذکر شد: تأکید بر مفهوم غیرقابل دسترسی چون سینمای دینی نهایی جز پدید آمدن تضادهای بنیادین و پارادوکس های حل ناشدنی بین جامعه سینمایی کشور و مخاطب نخواهد داشت.

گران ترین تابلوی ون گوگ گم شد

آیا دکتر گاشه سوزانده شده است



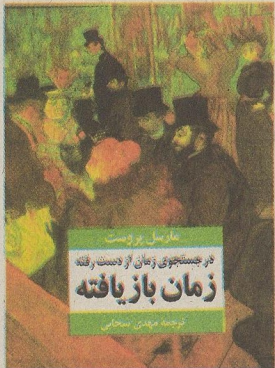
۱۸۹۰ از چهره دکتر گاشه کشید. تابلوی مزبور در دست یکصد سال بعد از سوی یک بازرگان ژاپنی به نام ریونی سائو به مبلغ ۸۲ میلیون دلار یعنی بالاترین مبلغی که تاکنون برای خرید یک تابلوی نقاشی پرداخت شده است خریداری شد. این بازرگان ژاپنی همان کسی است که ممکن است این مایملک گرانبهای خود را سوزانده باشد.

در آخرین جستجوی زمان از دست رفته

زمان باز یافته منتشر شد

دلیل نثر پیچیده و ساختار خاص متن آن جزو محالات محسوب می شد؛ ترجمه مهدی سحابی از این اثر بزرگ دست کم طلسم این امر محال را شکسته است. به نظر خود مترجم ترجمه جلد آخر کتاب از ترجمه جلد اول آن بخته تر است. او در این باره به خبرنگار ما گفت: پس از گذشت ده سال کار مداوم باین اثر، آن را بهتر می شناسم و فکر می کنم در ترجمه بسیار موفق بوده ام. مهدی سحابی قصد دارد در قالب یک کتاب، نگاه خود را به پروست مطرح کند.

مارسل پروست هرگز انتشار سه جلد آخر اثر بزرگ خود را ندید. او در سال ۱۹۲۲ در گذشت و زمان باز یافته در سال ۱۹۲۷ منتشر شد.



جلد آخر در جست و جوی زمان از دست رفته، با نام «زمان باز یافته» به بازار کتاب آمد. «زمان باز یافته» هشتمین و آخرین کتاب از مجموعه «در جست و جو» است که در ۴۶۴ صفحه با ترجمه مهدی سحابی و به وسیله نشر مرکز منتشر شده

حوزه هنری - ناصر تقوایی در مدرسه کارگاهی فیلمنامه نویسی دو کلاس آموزشی برگزار می کند. شرکت کنندگان این کلاس ها باید سوابقی در زمینه داستان یا فیلمنامه نویسی داشته باشند که البته این سوابق از طریق مصاحبه سنجیده می شود.

مطبوعات - شماره ۳۲ ماهنامه زمان منتشر شد. «پیوندی تازه با ریشه» سفرنامه رحیم مسلمانیان قبادیانی، ادیب تاجیک مقیم ایران که شرح سفر او به همدان است به لحاظ نثر زیبایی فارسی تاجیکی از مطالب خواندنی این شماره زمان است.

تاتر شهر - ساعت اجرای نمایش «زندگی دوگانه» کار شهره لرستانی تغییر کرد. این نمایش از یکشنبه تا چهارشنبه ساعت ۶/۴۵ و روزهای پنجشنبه و جمعه ساعت ۸/۳۰ اجرا می شود.

بستنی های کاله

بخورید و لذت ببرید

قابل توجه کلیه سازمانها، مراکز تفریحی و آموزشی ؛

انواع بستنی های کاله با تخفیف ویژه و سرویس رایگان در تهران عرضه می گردد. (حداقل سفارش ۲۰۰ عدد)

کاله

کارخانه آمل: ۰۲۸۹۶۳-۲۱۲۳۳-۱۲۲۲۲. دفتر تهران: ۰۶۶۷۷۷۹-۶۶۷۷۵۵ مرکز پخش: ۰۲۲۹۲۲۴-۲۱۱۰-۱۳